



Ketabton.com



د افغانستان د خلک دمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې عمومی منشی اود انقلابی شورا رئیس ببرک کارمل کله چسې دهالی او حسابی چارود سیمینار برخه والی منلی او دهغوی سره خبری کوی .

کمیټی د ارگان نیچسکو دیلی خبر یال پیتر بو چوکوف د مرکزی بپاره دانقلابی شورا په مقر کی ومانه .

اقتصاد و قایم مه مهفته

د افغانستان د خلک د دمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې عمومی منشی اود افغانستان د دمو کراتیک جمهوریت دانقلابی شورا د رئیس ببرک کارمل لخوا د ملگرو ملتو د سازمان د جوړیدو د شپږ دیرشمی کالیزی له امله نیو یارک ته ددغه سازمان د سرمنشی داکتر کورت والد هایم په نامه د مبارکی تیلگرام مخا بره شویدی .

دملگرو ملتو د جوړیدو د شپږ دیرشمی کالیزی د ۱۹۸۱ کال د اکتوبر د ۲۴ له امله د افغانستان د خلک دمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې د عمومی منشی اود افغانستان د دمو کراتیک جمهوریت د انقلابی شورا د رئیس ببرک کارمل پیغام د عقرب په ۱۰ نیټه شپه دوزیرانو شورا دمرستیال او داطلاعا تو او کلتور دوزیر عبدالمجید سر بلند لخوا په رادیو او تلویزیون کی ولو ستل شو .

سلامهای گرم ببرک کارمل منشی عمومی کمیټه مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیک افغانستان روز ۱۳ عقرب توسط برید .

جنرال گل آقا رئیس عمومی امور سیاسی قوای مسلح به افسران، خورد ضا بطان و سر بازان قوماندانی قوای عسکری هرات و پیلوتان قوای هوایی آن ولایت رسا نیسه شد .

د افغانستان د خلک د دمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې عمومی منشی د افغانستان د دمو کراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس ببرک کارمل د عقرب په ۱۲ نیټه مازیگر دبلغاریا د کمو نست گوند د مرکزی

سراسر هند و عضو هیات اجرائیه شورای مرکزی حزب کمو نست و رئیس فرکسیون پارلمانی هندو مهندرا سکرتر جنرال اتحادیه های کارگری ایالت اندرا پردیش و عضو کمیټه کار اتحادیه های کارگری سراسر هند را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند .

د افغانستان د خلک د دمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې عمومی منشی او د انقلابی شورا رئیس ببرک کارمل د عقرب په ۱۲ نیټه ماښام د ولایتی، بناری مالی او اداری چارو د مسوولینو ددولتی اطلاعاتو دخدماتو، خاندوی او وسله وال پوځ د مالی مسوولینو د لومړی سیمینار برخه وال دانقلابی شورا مقرر دگلخانی په مانی کی ومنل او دملکرتیا په فضا کی یی له هغوی سره خبری وکړی .

د افغانستان د دمو کراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس هیات د عقرب په ۳ نیټه له غرمی وروسته د افغانستان د خلک د دمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې د عمومی منشی اود انقلابی شورا د رئیس هیات صدر ببرک کارمل په مشری دانقلابی شورا په مقر کی غونډه وکړه .

با پیام ببرک کارمل منشی عمومی کمیټه مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیک افغانستان که از طریق رادیو و تلویزیون انتشار یافت سی و ششمین سالگرد مؤسسه ملل متحد روز ۲ عقرب در سرا سر کشور تجلیل شد .

د افغانستان د خلک د دمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې عمومی منشی اود افغانستان د دمو کراتیک جمهوریت دانقلابی شورا د رئیس ببرک کارمل په نامه دهند د صدرا عظمی میرمن اندراگاندی له خوا هغه وخت چی ددوی د سپر لی الوتکه د افغانستان له فضا څخه تیریدله تلگرام رالیپرل شویدی .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیټه مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیک افغانستان عصر روز ۱۱ عقرب اندراجیت گو پتسا سکرتر جنرال اتحادیه های کارگری



د افغانستان د خلک د دمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې عمومی منشی اود انقلابی شورا رئیس ببرک کارمل دبلغاریا دکمو نست گوند د مرکزی کمیټې دارگان دخبر یال سره دمرکی په حال کی .

د افغانستان د پلار وطنی ملی
 جبهی دکابل ښار ښاری کمیته د عقرب
 په ۷ نیته په هغه درنده اوستره جرگه
 کی چی د پلار وطنی ملی جبهی د ملی
 کمیته په مقر کی وشوه جوړه شوه.
 د پلار وطنی ملی جبهی د ښاری
 کمیته د جوړیدو د لومړی جرگی
 کار د عقرب په ۷ نیته دسپار په اتو
 بچود کلام الله مجید دخو آیتو نوله
 لوستلو وروسته د افغانستان ددمو-
 کراتیک جمهوریت د ملی سرود په
 خپریدو سره پیل شو او په هغه کی
 دافغانستان د خلك د دمو کراتیک
 گوند د مرکزی کمیته د سیا سی
 بیرو غړی او منشی او د پلار وطنی
 ملی جبهی د ملی کمیته رئیس ډاکتر
 صالح محمد زیری د جرگی اساسی
 وینا ولو ستله چی د حاضرینو په
 چکچکو سره بدرگه شوه .



بیرک کارهل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی
 جمهوری دموکراتیک افغانستان اندراجیت گوپتا و مهندرا را برای ملاقات پذیرفتند .

د ملگرو ملتو د موسسی دجوړیدو
 شپږ دیرشمه کالیزه په کابل کی
 دیوی غرمنی میلمستیا په ترخ کی په
 افغانستان کی د هغی موسسی د
 پرمختیا یی پروگرامونو د اداری لخوا
 ولمانخل شوه .



اسلم وطنجار ، عبدالرشید آرزین او شاه محمد دوست دبو نیف په هغه میلمستیا کی چی دم.م د موسسی
 د جوړیدو د شپږ دیرشمی کالیزی د نمانځنی له امله جوړه شوی وه د خبرو په حال کی لیدل کیږی .

ورکشاپ مطالعات قبل از سرمایه
 گذاری پروژه های صنعتی به مساعدت
 اداره پروگرام های انکشافی ملل
 متحد در کابل ۱۳ عقرب در وزارت
 معادن و صنایع گشایش یافت .

فضل الرحیم مومند وزیر زراعت و
 اصلاحات ارضی در راس هیات
 برای اشتراک در جلسات بیست و
 یکمین کنفرانس عمومی م و سسه
 مواد خوراکی و زراعت جهان روز ۱۳
 عقرب عازم ایالت لیا شد .



وزیر معادن و صنایع هنگام افتتاح ورکشاپ مطالعات قبل از سرمایه گذاری پروژه های صنعتی در وزارت معادن و صنایع .

بیگانه‌ها و بیگانه‌ها

جوانان آگاه کشور

باگذشت زمان پس از اجزای هروظیفه تاریخی، هم برتوان شما افزود می گردد و هم وظایف سنگین تری بدوش شما سپرده میشود اجرای همه وظایف مستلزم کار و مبارزه پیگیر و همه جانبه که درراه آن باید تمام نیروی سرشار شما بمشابه مشت فولادین متشکل گردد، می باشد.

شنبه ۱۶ عقرب ۱۳۶۰ - ۷ - نوامبر ۱۹۸۱

در این شماره



روز عاشورا

روز شانزدهم عقرب مصادف به دهم محرم این پاسدار حق و عدالت نمی تواند که تحت الحرام روز عاشورا بوده همه مسلمانان جهان سلطه چنین نظام جابروشیوه های غیرانسانی این روز را منعیت تراژیدی عالم اسلام یزیدیان که اصول و موازین قانون اسلام یعنی روز شهادت بر گزیده ترین نواسه را زیر پا نموده و در زیر نقاب اسلام بر پیغمبر اکرم (ص) تجلیل نموده و درسوگ توده های مردم حکمرانی می کردند و ظلم و ستم را بر آنها روا میداشتند زندگی نماید بنا

دوم عاشورا روزی است که درآن در حدود بخاطر دفاع از حق و عدالت و ایجاد یک هفتاد سال پس از ظهور دین مقدس اسلام زندگی انسانی در برابر این بیعدالتی و جور پاسداران حق و حقیقت تحت رهبری حضرت و ستم یزیدیان قیام کرد و در میدان کربلا امام حسین (رض) نواسه پیا میر خدا (ج) با پیروان خود در یک جنگ نابرابر از دست علیه یزید و یزیدیان به نبرد برخاستند و لشکریان یزید جام شهادت نوشید و تراژیدی بخاطر دفاع از حق و عدالت خون های پاک خود را در میدان سوزان کربلا ریختند و دلیرانه و قهرمانانه جام شهادت نوشیدند

حادثه خونین کربلا در آوانی رخ میدهد که دوره خلافت اسلام بعد از خلیفه چهارم به اموی ها میرسد و امور خلافت که قبلاً انتخابی بود به میراثی تبدیل می گردد و امرای وقت برای خود مقام و در بار ساخته و مغرور از شان و شوکت در بار در تنعم و تعیش غرق گردیده و شیوه ستمگراانه و جابرانه در برابر مردم اختیار مینمایند جای صلح و سلم - عدالت و مساوات انسانیت و شرافت را ظلم، ستم - جبهالت و فساد می گیرد

در چنین اوضاع و احوالی حضرت امام حسین مسلمان ما گردیده و ضد اسلام و اسلامیت، انسان و تاریخ مبارزات آزاد یغواهی مردم دلیر و سلحشور و عاشقون از خود او در خلد های است که همه و همه بیاتگر شهادت و قهرمانی و رزمجویی مردم ما در برابر قدرت های مستبد و ستمگر تاریخ است. مردم آزاده کشور ما طی مبارزات پر شور و نبرد بی امان خود در طول تاریخ در جهت حصول آزادی و تامین دموکراسی

انسانیت عمل میکنند دست به قتل و کشتار هزارها طفل و زن و مرد بی گناه می زنند بناها و موسسات

نااه از قبیل مکاتب - مساجد - پل ها و عمارت را تخریب می کنند می سوزانند و جان ظلم و مساوت و جبهالتی را علیه مردم مسلمان ما انجام میدهند که یزیدیان می کردند در حالیکه مردم متدین ما بخوبی درک کرده اند که حزب و دولت انقلابی را زمینه هر گونه اجرای مراسم دینی و مذهبی را برای مردم مسلمان ما آماده ساخته

و به آئین و عقاید دینی مردم احترام عتیق دارد چنانچه در ماده پنجم اصول اساسی ج ۱۰۵۰ چنین می خوانیم: در جمهوری دموکراتیک افغانستان احترام، رعایت و حفظ دین مبین اسلام تامین می شود و اجرای مراسم دینی و مذهبی برای تمام مسلمانان تضمین می گردد

دولت به ه مالیات هر ی وطنپرستانه روحانیون و علمای دینی در اجرای وظایف و مکلفیت های شان کمک و مساعدت مینماید

مادر حالیکه مقدم این روز مبارک را گرامی میداریم و به ارواح پاک شهیدای کربلا ایملاد رود و تجلیات فراوان می فرستیم امیدواریم که مردم متدین ما این روز را با همه بزرگی از سر این یزیدیان تیب جدید که ماسک ددوغین دفاع از اسلام را برخ کشیده و علیه منافع مردم مبین و انقلاب ما عمل می کنند یکسره نجات یابند و دست های کثیف دشمنان انقلاب نور از دامان پاک وطن محبوب ما در زیر پرده دفاع از اسلام مرتکب اعمال ما قطع گردد و زحمتکشانشان ما در صلح و امنیت نتگین و جنایات ضد انسانی در برابر مردم بزرگ برند

از آزمان تا کنون دهم محرم یا روز عاشورا همه ساله توسط مسلمانان جهان تجلیل می گردد و مسلمانان در سوگ آن می نشینند و خاطره آنرا گرامی میدارند

مردم متدین ما این روز را با همه بزرگی که دارد بعیت یک سنت تاریخی از طی مراسم خاصی در تکیه خانه هابریگزار می نمایند امسال چنین محافل سو گواری مذهبی مردم متدین ما در شرایطی تنویرو بر گزار می گردد که دشمنان مرقم و انقلاب ما در زیر پرده دفاع از اسلام مرتکب اعمال ما قطع گردد و زحمتکشانشان ما در صلح و امنیت نتگین و جنایات ضد انسانی در برابر مردم بزرگ برند

از آزمان تا کنون دهم محرم یا روز عاشورا همه ساله توسط مسلمانان جهان تجلیل می گردد و مسلمانان در سوگ آن می نشینند و خاطره آنرا گرامی میدارند

مردم متدین ما این روز را با همه بزرگی که دارد بعیت یک سنت تاریخی از طی مراسم خاصی در تکیه خانه هابریگزار می نمایند امسال چنین محافل سو گواری مذهبی مردم متدین ما در شرایطی تنویرو بر گزار می گردد که دشمنان مرقم و انقلاب ما در زیر پرده دفاع از اسلام مرتکب اعمال ما قطع گردد و زحمتکشانشان ما در صلح و امنیت نتگین و جنایات ضد انسانی در برابر مردم بزرگ برند

از آزمان تا کنون دهم محرم یا روز عاشورا همه ساله توسط مسلمانان جهان تجلیل می گردد و مسلمانان در سوگ آن می نشینند و خاطره آنرا گرامی میدارند

مردم متدین ما این روز را با همه بزرگی که دارد بعیت یک سنت تاریخی از طی مراسم خاصی در تکیه خانه هابریگزار می نمایند امسال چنین محافل سو گواری مذهبی مردم متدین ما در شرایطی تنویرو بر گزار می گردد که دشمنان مرقم و انقلاب ما در زیر پرده دفاع از اسلام مرتکب اعمال ما قطع گردد و زحمتکشانشان ما در صلح و امنیت نتگین و جنایات ضد انسانی در برابر مردم بزرگ برند

از آزمان تا کنون دهم محرم یا روز عاشورا همه ساله توسط مسلمانان جهان تجلیل می گردد و مسلمانان در سوگ آن می نشینند و خاطره آنرا گرامی میدارند

مردم متدین ما این روز را با همه بزرگی که دارد بعیت یک سنت تاریخی از طی مراسم خاصی در تکیه خانه هابریگزار می نمایند امسال چنین محافل سو گواری مذهبی مردم متدین ما در شرایطی تنویرو بر گزار می گردد که دشمنان مرقم و انقلاب ما در زیر پرده دفاع از اسلام مرتکب اعمال ما قطع گردد و زحمتکشانشان ما در صلح و امنیت نتگین و جنایات ضد انسانی در برابر مردم بزرگ برند

از آزمان تا کنون دهم محرم یا روز عاشورا همه ساله توسط مسلمانان جهان تجلیل می گردد و مسلمانان در سوگ آن می نشینند و خاطره آنرا گرامی میدارند

مردم متدین ما این روز را با همه بزرگی که دارد بعیت یک سنت تاریخی از طی مراسم خاصی در تکیه خانه هابریگزار می نمایند امسال چنین محافل سو گواری مذهبی مردم متدین ما در شرایطی تنویرو بر گزار می گردد که دشمنان مرقم و انقلاب ما در زیر پرده دفاع از اسلام مرتکب اعمال ما قطع گردد و زحمتکشانشان ما در صلح و امنیت نتگین و جنایات ضد انسانی در برابر مردم بزرگ برند

از آزمان تا کنون دهم محرم یا روز عاشورا همه ساله توسط مسلمانان جهان تجلیل می گردد و مسلمانان در سوگ آن می نشینند و خاطره آنرا گرامی میدارند

مردم متدین ما این روز را با همه بزرگی که دارد بعیت یک سنت تاریخی از طی مراسم خاصی در تکیه خانه هابریگزار می نمایند امسال چنین محافل سو گواری مذهبی مردم متدین ما در شرایطی تنویرو بر گزار می گردد که دشمنان مرقم و انقلاب ما در زیر پرده دفاع از اسلام مرتکب اعمال ما قطع گردد و زحمتکشانشان ما در صلح و امنیت نتگین و جنایات ضد انسانی در برابر مردم بزرگ برند

خاطر سوم عقرب را گرامی میداریم

سی و به خاطر بر قرار نمودن عدالت اجتماعی دهد مگر جنبش خونین سوم عقرب که نازده قربانی های فراوان داد ماند جنبش های مشروطه سیال قبل از امروز به اشتراک کارگران، جوانان خواهی اول و دوم قیام رهایی بخش ملی علیه محصلان، روشنفکران پیشه وران و شهریان استعمار بریتانیای کبیر جنبش محصلان دوره هفتم کابل صورت گرفت درین میان بر جسته تر - شورا مثال های برجسته ای است که در تاریخ الممالک ترو فراموش ناشدنی است

معاصر کشور ما صفحات زرین آنرا تشکیل می

بقیه در صفحه ۴

درسپایی از انقلاب اکتوبر

• • •

شمله و پکتون یا کانون دیگری در تربیت و پرورش اطفال زحمتکشانشان کشور

• • •

غذا و اهمیت آن در وجود

• • •

تاسیس و ایجاد پرورشگاه وطن قدم بزرگی درراه پرورش اطفال بی سرپرست وطن

• • •

گردم آبی های اختصاصی ژوندون

• • •

عادتین لوترکنگ رهبر سیاهان چگونه بقتل رسید

• • •

داستان قبیل در روسیه

• • •

جنبش دموکراتیک بین المللی زنان در مرحله کنونی

• • •

سوابق تاریخی سیستان

• • •

گهواره صلح و خوشبختی در دست مادران قرار دارد

• • •

آیا سرطان میتواند از قرن بیست به قرن بیست و یکم نفوذ کند؟

• • •

احیای ملیتاریزم در جاپان

• • •

شرح روی جلد: آله یوگاجو ستاره مشهور تلویزیون اتحاد شوروی

شرح پشتی چارم: نمایی از مرادخانی

نقاشی استاد امید

تپهر

س از حقیقت انقلاب نور

درس‌هایی از انقلاب اکتوبر

مالی، مسأله صلح، دموکراسی و غیره به گونه ایکه اکنون هستند، نمی بود.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر تثبیت نمود که بدون سازمان انقلابی و حزب طراز نوینی که سلاح تیوریک آن اندیشه مترقی باشد بتواند با بررسی واقعیات جاری استراتژی و تکتیک نیروهای محرکه انقلاب را تعیین و بایش

کنشیدن شعارها و رهنمودهای منطبق باوضع، جنبش را به جلو رهنمون شود، هیچ قیام و عصیان نمیتواند به پیروزی برسد. مضافاً در نمونه‌های در هم شکست‌ن

سیستم تزاری و بعداً غلبه بر قلم شیزم این مطلب را که نمیتوان اراده توده‌های مردم و حزب رهبری کننده آنها را در امر غلبه بر اقلیت و طبقات مترجع بدون داشتن دولت طراز نوین به منصفه اجرا گذارد، نیز قویاً به اثبات رساند.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در نمونه جمهوری‌های آسیای میانه عملاً این اصل را که در دوران امپریالیزم میتوان از مناسبات اقتصادی، اجتماعی سر ماینداری طفره رفت و از فیودال

لیزم به جامعه سوسیالیستی گام گذارد، تحقق بخشید.

((م))

نظری و عملی غلبه بر جنبش اجتماعی است. با انقلاب اکتوبر بشر دست به تغییر نظام اجتماعی و آفرینش آگاهانه جامعه نوینی زد که با آرمان‌های دیرینه بشری و آرزوهای امروزی او توافق دارد. این امر از جمله پیروزی عظیم دانش‌های فلسفی و اجتماعی و انقلابی یک واقعه بی مانند در سراسر سرگذشت پر هیجان بشری بود. این آزما یشی بود در مقیاس تاریخ و انسانیت. آرزوی بنیان گزار اندیشه مترقی که می گفت: ((فلا- سغه تاکنون جهان را تو صیف می کردند و اینک باید دست به کار تغییر آن زنده عملی شده)).

البته این سخنان به معنی آن نیست که اگر پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتوبر نبود، در جهان

یا محدود تر بگوئیم در اروپا یا مثلاً در آسیا هیچ جنبش حق طلبانه جوانه نمی زد. یا هیچ فریادی به رسم اعتراض بلند نمیشد، ولی آنچه که میتوان مسلم اش خواند این است که اگر پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر نبود و

یابه زبان دیگر، اگر اکتوبر بواسطه نیروهای امپریالیستی و ضد انقلابیون داخل روسیه انقلاب در هم شکسته میشد، به یقین کامل وضع جنبش کارگری بین‌المللی و ساز و آراء جنبش‌های رهایی بخش

اید یا لوزیک و تشکیلاتی احزاب کارگری طراز نوین، بسط و استحکام جنبش راه صلح و دموکراسی و ترقی اجتماعی، از هم پاشیدن اندام مستعمراتی امپریالیزم، رشد و انسجام جنبش‌های رهایی بخش ملی، بیداری ملل خاور زمین رشد شعور سیاسی و طبقاتی زحمتکشان جهان، تقویت ایمان به پیروزی در نبرد علیه تمام سیستم‌های برده کننده، اعم از اقتصادی، اجتماعی سیاسی و فرهنگی پالایش دروها و دریافت‌ها از محیط پیرامون همه و همه از مظاهر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر یعنی همان رویداد عظیمی است که تاریخ قرن بیستم شنا سنامه خود را در آن جستجو کرده است.

((با انقلاب اکتوبر بشر شروع کرد بدوران جبر اجتماعی، خاتمه دادن حکم معروفاً است: اختیار جبر شناخته شده است، انسان با کشف و دریافت قوانین میکانیک فزیک، شیمی، زیست‌شناسی شرایط غلبه بر جبر طبیعی را فراهم ساخته و می کند. انسان با کشف و دریافت قوانین جامعه تاریخ شرایط غلبه بر جبر اجتماعی را فراهم می کند.

نقش شکر ف اندیشه مترقی در کشف و دریافت قوانین حرکت و تحول و ایجاد آگاهانه محمل‌های

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر، سر آغاز فصلی در زندگی بشریت و رویداد عظیم و شگرفی در تمامیت جهان است. این انقلاب خداداد و مسأله مربوط به خلقهای آن سرزمین دگرگونی سترگ است در تکامل جوامع انسانی، تاریخ کشورها و فصلی نوینی

در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه مردمان، از این رو است که مردم با لئو به خود را در تجلیل داشت شخصیت و چهارمین مهمترین رویداد تاریخ یعنی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر، سپیم میدانند.

کبیر اکتوبر، آن گونه دیگر در تاریخ جهان و تاریخ زندگی است، که نمیشود به سادگی

بسیاری از رخدادهای تاریخ جهان، منظره اش کرد، و یادگرگونی‌هایی بر فضای تاثیر انقلاب اکتوبر با لگسترانیده است و تفسیر نمود.

پس نیرومندترین کشور لیستی جهان، شکست یافته امریمن فاشیزم در جنگ دوم، بسط و توسعه جنبش بین‌المللی، تقویت سیستم



شملة وړکتون کانون ديگري براي تربيت و پرورش اطفال زحمتکشان کشور

مزارش از : د - جرمي

پس از پیروزی انقلاب نجات بخش بود و بخصوص مرحله نون و تکاملی آن حزب و دولت انقلابی ما در جهت بهبود حیات زحمتکشان کشور شامل همه اقوام قبایل و ملیت های مختلف ساکن مین محبوب و دوست داشتنی ما افغانستان آزاد ، مستقل و سربلند و در راه رفاه و آرامش هر چه بیشتر هموطنان عذاب دیده ما هم از پیران ، جوانان و اطفال کشور این مردان و زنان آینده وطن به برداشت قدم های موثری فایق آمده است و در آینده نیز در این راه شریفانه توجه هر چه مزیدي مینول خواهد داشت .

حزب و دولت انقلابی ما در شرایط کنونی به امر تربیت و پرورش اطفال کشور این واران حقیقی مین ارزش خاصی قابل می باشد و سعی می نماید تا این نو نهالان باغ آرزو های جامعه ما طوری تربیت و پرورش یابند که در آینده بتوانند بخواست ها و نیاز های وطن و جامعه جواب مثبت ارائه بدارند و وظایفی را که وطن و جامعه بدوش آن ها می نهد بوجه احسن انجام بدهند .

ماده بیست و ششم اصول اساسی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان (که در شرایط کنونی حیثیت قانون اساسی کشور را دارا

مدیره کودتستان شمله وړکتون که اخیرا در چوکات سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان پایه عرصه وجود گذاشت یکی از بزرگترین کانون های پرورش اطفال کشور است که در برتو بیروزی مرحله نون و تکاملی انقلاب نجات بخش نور عرض اندام نموده است . در ارتباط با این رویداد بزرگ در حیات اطفال کشور یعنی تاسیس کودتستان شمله در چوکات سازمان دموکراتیک زنان افغانستان راپورتر مجله با محترمه سوریسکی مدیره کودتستان مذکور گفت و شنودی بعمل آورده است که در ذیل شمارا به مطالعه آن فرا می خوانیم .

چنین گفت :

مدیره کودتستان شمله در آغاز و شنود به پاسخ این سوال که هدف از وجود این کودتستان «شملة وړکتون» چیست چنین روشنی انداخت :

شملة نام یکی از زنان مبارز و مربوط سازمان دمو کراتیک زنان افغانی است که در ولایت کنر بوظیفه مقدس اشتغال داشت او که از آغاز شمولیت سازمان دموکراتیک زنان افغانستان خدمت آشنی ناپذیری خود را با ارتجاع و امپرونی و نو گران حلقه بگوش آن ها اعلام داشت در راه مبارزه برضد این دو پدیده منفور دوران ما لحظه بی فر و گذاشت بتاريخ ده میزان ۱۳۵۹ از طرف دشمنان افغانی و دشمنان انقلاب بخش نور در اداره مکتب مربوطه به رسید و نام جاودان گمایی کرد .

حزب و دولت انقلابی ما در شرایط کنونی به امر تربیت و پرورش اطفال کشور این واران حقیقی مین ارزش خاصی قابل می باشد و سعی می نماید تا این نو نهالان باغ آرزو های جامعه ما طوری تربیت و پرورش یابند که در آینده بتوانند بخواست ها و نیاز های وطن و جامعه جواب مثبت ارائه بدارند و وظایفی را که وطن و جامعه بدوش آن ها می نهد بوجه احسن انجام بدهند .

ماده بیست و ششم اصول اساسی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان (که در شرایط کنونی حیثیت قانون اساسی کشور را دارا



یکتن از آموزگاران کودتستان (شملة) اطفال را به کارهای مختلفی تشویق میکند که چگونه باستان خود گلهای کساندی بسازند و بیکدیگر تحفه بدهند .

هر گاه معاش والدین اطفال از چهار هزار افغانی زیاد باشد از مجموع معاش پدر و مادر ماهانه سه فیصد «در صورت پذیرش اولین طفل» فیس اخذ میگردد .

و در صورتیکه والدین بخواهند طفل دوم و سوم شان را نیز در این کودکانستان شامل سازند مکلف اند برای هر طفل خویش ماهانه دو فیصد معاش خود را به کودکانستان بپردازند و به مقدار همین دو فیصد تا آخرین طفل از آن ها اخذ خواهد شد .

از اولاد آن عده پرممانانی که در راه بیروزی انقلاب شکوهمند نور و حفظ دست آورد های دوران ساز آن جان های شیرین خود را از دست داده اند در صورتیکه معاش والدین آن ها از چهار هزار افغانی زیاد باشد ماهانه دو فیصد و اگر از چهار هزار افغانی پائین تر باشد ماهانه یک فیصد معاش آن ها اخذ میگردد و

از سایر اشخاصیکه از چهار هزار افغانی کمتر معاش دارند «زن و شوهر» ماهانه دو فیصد معاش در بدل شمول هر طفل آن ها در این کودکانستان از نزد ایشان اخذ میگردد .

مدیره کودکانستان شمله راجع به بخشها و پروگرام های اصلی شمله و رکتون چنین معلومات ارائه داشت :

اساسا شمله و رکتون دارای دو بخش می باشد یعنی بخش شیر خوار گاه و بخش کودکان که برای فعال بخش شیر خوار گاه ما فعال نیست و در آینده نزدیک بکار خود شروع خواهد کرد .

و در مورد پروگرام های کار بخش کودکان یعنی کار آن عده اطفالی که بین سنین سه سالگی تا شش سالگی قرار دارند «اطفالیکه بین سنین سه ماهگی الی سه سالگی قرار داشته باشند در شیر خوارگاه تحت تربیت قرار می گیرند» باید گفت از آن جاییکه کودکان جاه آماده گی برای آغاز درس مکتب است که باید اطفال را قبل از شمولیت به مکتب کشور به اساسات تعلیم و تربیه آشنا سازد مادران بقیه در صفحه ۵۱



و به اینگونه بذر استعداد افشانه میشود، می بینید که کودکان باشوق و علاقمندی بیکره های دلخواه خود را می سازند .

خواهیم داد و به تعداد دوصد و پنجاه طفل رادر آن جذب خواهیم کرد .

وی گفت : از جمله اطفالی که قرار است در آینده نزدیک در کودکانستان شمله جذب شوند بیست و پنج نفر آن را اطفال مربوط به کلد گران فابریکه ی بگرامی شش طفل کارمندان وزیر اکبر خان روغتون و شش طفل کارمندان تعلیمات صحنی تشکیل می دهند که این عده اطفال کسانی اند که نهایت مستحق تشخیص داده شده اند .

مدیره کودکانستان شمله در مورد نحوه مراجعه و پذیرش اطفال در این کانون تربیتی و پرورششی اولاد کشور چنین بیان داشت :

آغوش این موسسه برای پذیرش اولاد همه افشار و طبقات زحمتکش کشور همیشه باز می باشد ، هر گاه یکی از وطنداران شریف ما بخواهد طفل خود را در این موسسه شامل سازد بدفتر کودکانستان در خواستی می دهد و از طرف اداره کودکانستان برای شخص موصوف ورقه استعلام داده میشود تا از مراجعیکه خود و خانم وی کار می نمایند تصدیق مصروفیت و اندازه معاش خود را حاضر نمایند تا بر ویت آن در قسمت اخذ فیس از وی اقدام صورت پذیرد . وی علاوه کرد :

بکار و بار روز مره خویش بپردازند و از این طریق مشکلی دامن گیر آن ها نباشد .
محترمه تور بیکی در برابر این پرسش که شمله و رکتون اصلا ظرفیت پذیرش چند طفل را دارد و در شرایط کنونی بچه تعداد اطفال کشور را بقود جذب کرده است اینطور اظهار داشت :

اصلا در تشکیل عمومی کودکانستان شمله پذیرش دو صد و پنجاه نفر از اطفال زحمتکشان کشور مدنظر گرفته شده است ولی از آن جاییکه اکنون مادر آغاز کار خود قرار داریم و در شرایط فعلی عمارت مربوط گنجایش نود طفل را دارا می باشد ما عجلتا به پذیرش همین نود طفل اکتفا می نهائیم که رکتون به تعداد پنجاه و پنج نفر از اولاد کارگران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور در شمله و رکتون جذب شده اند . قرار است در آینده بسیار نزدیک بخش شیر خوار گاه ایسن کودکانستان در یکی از نقاط مساعد شهر تاسیس شود و در آن به تعداد پنجاه تن از اولاد زحمتکشان افغانستان پذیرفته شوند ، در صورت تهیه عمارت بزرگی که گنجایش همه اطفال شامل تشکیل این کودکانستان را داشته باشد ما همه بخشهای مربوط را بدان جا انتقال

لااب شکوهمند نور و بخصوص مرحله و تکاملی آن آزادی می زیادی را برای کشور ببار آورده بر آن ها زمینه ایمن مساعد گردانید که دوش بدوش پدران و مادران خویش در کار خانه ها، مکتب ، سائیرکات کار کنند و در امر اعتلا و تالی کشور سهم خود را اداء نمایند .
چنین شرایطی که زنان آزاده مبین ما به بی بی خارجی منزل اشتغال ورزیده و در روز بغانه نمی باشند نمی توانند از عهده تربیت اولاد خود که بحق مردان فردای کشور را تشکیل می دهند بدر بنابر آن دولت جمهوری دمو کراتیک استان در پهلوی سایر یلان انکشافی و اقتصادی خود در جهت رفع مشکلات حیات زحمتکشان کشور وسعت و گسترش کودکانستان هارا روی دست گرفته روزی عیدین اصل بوده که کودکانستان در برج میزان سال جاری افتتاح گردید و در طرف اطفال کشور در این کانون جدید و پرورششی تحت تربیت و پرورش سالم و از جانب دیگر مادران و پدران ایشان بتوانند در یک فضای آرام و بدون تشویش از ناحیه اولاد داری باشد ما همه بخشهای مربوط را بدان جا انتقال



و اینجا خلای نبودن حضور مادر محسوس نیست، معلمان جایگزین مادران شده اند و اطفال را صمیمانه به کارهای تفریحی مصروف میدارند.

در جهان ما امروز زیادتر از ۴۰۰ میلیون نفر بکمه بود مواد غذایی دچار اند.



طفلیکه به آینده مینگرد و می اندیشد

خوردن ناکافی آن بوجود می آید
کمه بود مواد غذایی تانوی :

درین قسمت آن امراضی شامل است که فقدان مواد مغذی ازسبب دیگر فکتور ها بوجود آمده باشد نه غذا .

سوء تغذی یا آنقدر خفیف می باشد که اعراض کلینکی نشا نمی دهد و تنها توسط معاینات لابرا - تواری تعیین شده میتواند ویا اینکه بقدری کافی بیشتر فته و اعراض و علائم کلینکی را بوجود می آورد . درین جا بهتر است که رول سوء تغذی رادر بروز امراض شرح نماییم .

۱ - عنا صر معافیت دهنده یا انژی بادی معافی را کم میسازد یا زود از بین می برد .

۲ - حالت غذایی خراب انتانات خاموشی را فعال ساخته و در نتیجه مرض بروز می کند طسور مثال تربر کلوز .

۳ - عکس العمل نسجی رادر مقابل حالات التهابی کم میسازد .

۴ - فکر می شود که غذا بی خوب قدرت مقاومت عضو است رادر مقابل انتان یا میکروب بلند برده و عضویت را آماده میسازد که عامل مرض را تخریب کند ، مگر در سوء تغذی این حالت صورت نگرفته مرض بوجود می آید .

اسباب سوء تغذی :

در حالات ذیل مواد مغذی و مقادیر ضروری آن به عضویت نرسیده در نتیجه عضویت به فقدان مواد غذایی مصاب میشود :

۱ - در غذای روزانه یا مواد مغذی هیچ موجود نبوده ویا هم احتیاج روزانه را تکافو کرده نتواند .

۲ - در الاستقلاب بعضی مواد غذایی خطاهای متابولیک موجود باشد .

۳ - بعضی مواد کیمیاوی که به شکل دوا استعمال میشود در مقابل مواد غذایی تاثیر ضد میدا شسته باشد .

۴ - بعضی امراض مانند اسهالات حرکات استدادی امعا را تسریع نموده و به این صورت به مواد غذایی فرصت امتصاصی را نمیدهد .

۵ - بعضی عملیات ها خصوصا (یک قسمت معده کشیده شده باشد) امتصاص مواد غذایی را مختل می سازد .

۶ - بعضی امراض احتسماج مشخصی مواد غذایی را از یاد می بخشد اگر تکافو نشود سوء تغذی ظهور می کند .

۷ - در قحطی های دوامدار عضویت احتیاج غذا بی خود راپوره کرده نمیتواند .

۸ - عادات خراب غذایی و طریقه های ناقص بختن که در آن مواد مغذی از بین می رود .

غذا :

غذا به آن مواد اطلاق میشود که دارای عنا صری مثل پروتین شحم کاربوها ید ریت یا قند و ویتامین و غیره باشد و انسان آنرا بمنظور تولید انرژی ، نمو ، ترمیم انساج ، توالد و تناسل و مقاومت در مقابل امراض استعمال مینماید .

اهمیت غذا :

غذای خوب برای تامین صحت بهتر لازم و ضروری است زیرا غذا برای نمو ، انکشاف ، توالد و تناسل ، تولید انرژی عضویت و برای بهبود فزیک و دماغی تاثیر مستقیم دارد و به این اساس غذا نسبت به هر فکتور حفظ الصحوی دیگر با لای صحت زیاد موثر است .

اینکه غذا در وجود چه وظایف را انجام میدهد باید گفت که غذا

در وجود بصورت عمده سه وظیفه را انجام می نماید . و از همین سبب غذا به سه گروه تقسیم میشود :

الف - آن عده مواد غذایی که برای نمو به کار می رود و منابع حیوانی و نباتی دارد . منابع حیوانی آن شامل گوشت ، شیر و تمام محصولات از شیر ساخته میشود و تخم میباشد .

و منابع نباتی آن را لوبیا ، نخود ، دال ، ماش ، موم پلی ، زردک ، کدو ، تربوز ، خر بوزه ، جلفوزه ، بادام ، چار مغز و غیره تشکیل میدهد .

ب - آن عده مواد غذایی که به وجود قوت کار میدهد و عبارت از تمام خوردنی های شیرین مثل شکر ، ینی با ب ، نیشکر ، لبلبو ، گندم ، برنج ، کچالو و غله جات .

همچنان تمام شمیات مانند نبه مسکه ، قیماق و روغن درین گروه شامل اند .

ج - آن عده مواد غذایی که فعالیت های وجود را تنظیم می کند و در حفظ سلامتی بدن رول دارد . که عبارت از تمام میوه جات خشک



عدم توجه به اطفال و سوء تغذی چنین حالت را بار می آورد



طفلیکه به کمبود غذا یا سوء تغذی مصاب است

استعمال میشود .

ویتامین ها :

ویتامین از جمله مر کبات عضوی بوده که عضویت خود شان آنرا ساخته نمیتواند و باید که از خارج عضویت تکا فو گردد . زیرا برای تامین صحت ضروری میباشند .

ویتا مین ها بدو گروه عمده تقسیم شده یکی منحل در شحم که عبارت از ویتا مین های آ، دی، ای ، و کا میباشد . و دیگری منحل در آب است که شامل ویتامین سی و انواع ویتامین بی میباشد . ناگفته نباید گذاشت که ویتا مین های منحل در شحم در جگر ذخیره می شود و گرفتن زیاد آن آنقدر مفید نبوده مگر ویتامین های منحل در آب در عضویت ذخیره نگردیده بلکه مقدار اضافی آن را عضویت اطراح می نمایند .

حال به تشریح مختصر هر یک از ویتامین ها می پردازیم .

ویتامین آ :

این ویتا مین جهت رشد و نمو ی اطفال ارزش حیاتی دارد زیرا این ویتا مین در ساختن یک قسمت مهم چشم نقش اساسی داشته و به واسطه آن تعادل بینایی خود را حفظ می کند . کمی ویتا مین (آ) باعث ضعیف شدن قوه دید و فقدان آن ممکن سبب کوری چشم گردد . یک خاصیت مهم دیگر این ویتا مین تامین و افزایش مقاومت طبیعی بدن مقابل میکروب ها است اشخاصیکه دچار کمبود ویتا مین (آ) هستند . بیشتر به امراض مجرای تنفسی و بولی مبتلا میشوند این ویتا مین جلد بدن را سالم نگه داشته در بهبود استخوان و دندانها و ششونایی نیز تاثیر دارد . جوانان روزانه به سه صد مایکرو گرام ویتامین (آ) ضرورت دارد .

ویتا مین سی :

کمبود این ویتا مین باعث خون شدن بیره ها و باریک شدن استخوان های بدن می گردد . مرضیکه از فقدان ویتامین سی بوجود می آید بنام (سکاروی) یاد میشود بی حوصلگی ، بهانه گیری ، درد تمام بدن ، خونریزی زخم ها ، و حساسیت دهن و بیره ها (که سبب

چاق مغز ، بادام و خسته با ب دیگر گل آفتاب پرست ، پنبه دانسه ، شرشم ، کنجد ، زغر و غیره می باشد . شحم رژیم غذایی با کالوری و شحم عضویت با چاقی ارتباط دارد در ممالک که ماشین جایی کار های دستی را گرفته اگر مردم آنجا در غذای خود شحمیات و کالوری مجموعی را محدود نسازد چاقی در آنجا مشکلات صحتی را بوجود خواهد آورد . بر علاوه ارتباط بین زیاد گرفتن شحمیات خصوصاً شحم حیوانی و مرض اتیروسکلروس موجود است در افغانستان که تمام کارها توسط دست صورت می پذیرد بنا عمودیت شحم در غذا به حیث منبع انرژی لازمی شمرده میشود . که بصورت عموم روزانه بیست و پنج سی و پنج فیصد گرفتن انرژی از شحم توصیه میشود . شحمیات منبع مهم انرژی و ناقل ویتا مین ها است غذا را مزه دار ساخته و به حیث واحد ساختمانی بعضی مواد از طرف عضویت

و تازه و تمام انواع سبزیجات می باشد . پس غذا از نظر ترکیب به سه جز عمده تقسیم شده که عبارت انداز :

مواد قندی ، مواد روغنی ، مواد پروتینی .

کار بو ها یدریت یا مواد قندی :

که وظیفه عمده آن عبارت از ذخیره انرژی میباشد یک گرام کار بو ها یدریت دارای چار کالوری انرژی می باشد کار بو ها یدریت ها از طریق مواد غذایی گرفته می شود که منابع آن عبارت از شیر ، نیشکر ، لبلبو ، گندم ، برنج ، کچالو و عصاره میوه جات می باشد .

شحمیات :

شحم که منبع خوب انرژی عضویت بوده یک گرام شحم نه کالوری انرژی تولید می کند و از دو منبع عمده حیوانی و نباتی بدست می آید . منابع مهم حیوانی شحم عبارت از روغن حیوانی ، قیماق مسکه ، شیر ، زردی تخم و گوشت می باشد منابع نباتی آن کونکار

سست شدن دندانها می گردد همچنان بو جود آمدن لکه های کبود روی پوست ، پندیدگی پاها و کم خونی از جمله امراض و علائم مهم آن است .

میوه جات تازه و سبزیجات منابع غنی این ویتا مین می باشد . کچالو جوش داده دارای مقدار زیاد این ویتا مین است اما ، باید یاد آور شد که غذا های حاوی ویتا مین سی نباید زیاد حرارت داده شود از در غیر آن ویتا مین مذکور خاصیت خود را از دست میدهد . و اگر میخواهید سبزیجات را بپخته نمایید پس با حرارت کم و آب محدود در ظرف سر بسته به بختن آن اقدام کنید .

خرد خورد کردن و قرار دادن سبزیجات در معرض هوا سبب از بین رفتن ویتا مین سی میگردد بنا ع خورد خورد نمودن بیش از حد یا با اصطلاح پشت چمچه نمودن سبزیجات مفید نبوده و نیز باید از ریختن آب سبزی جلو گیری به عمل آید . غذای که در دیک مسی بخته میشود ویتامین سی آن از بین می رود . همچنان علاوه کردن پلی یاسودیم برای کار بو ینت سبب تخریب ویتامین سی میشود .

علایم کمبود این ویتا مین به خصوص در نزد اطفال دیده میشود منابع مهم آن نارنج ، لیمو ، مالت ، بادجان روی و غیره می باشد .

ویتا مین دی :

این ویتا مین که ویتا مین (آفتاب) نیز نامیده میشود در رشد و نمو بسیار موثر بوده از آغاز تولد تا پایان دوره بلوغ در تکامل نمو بدن نقش تعیین کننده دارد . و در مواقع بارداری و شیر دادن بدن زنان از هر وقت دیگر بیشتر به این ویتا مین ضرورت دارد . این ویتا مین جذب کلسیم و فاسفور را از طریق روده ها مکنر میسازد . کمبود آن سبب نرمی و کجی استخوانها میگردد . چون نرمی استخوان در اطفال زیاد تر دیده میشود .

بقیه در صفحه ۴۲

تاسیس و ایجاد پرورشگاه وطن

قدم بزرگی در راه پرورش اطفال

بی سرپرست وطن

از: نیکتو

شمول می پذیرد بر علاوه اینکه اطفال اعاشه و ابا ته می شوند بلکه و سایل تربیتی و سایل سرگرمی و سازمان بازی و ورزش نیز برای آنها مهیا بود و با در نظر داشت سن و سال آنها در تربیه ذهن آنها موافق به ایجابات عصر ما اقدامات سود مندی از طرف مریبان پرورشگاه صورت می گیرد و اطفال بسوی یک زندگی بهتر و آیند شگوفان نیک رهبری و رهنمایی می شوند.

پرورشگاه به اهداف عالی پرورشگاه و طن عمیق با نیشیم و خدمت انسانی آنرا نیک بتکریم بدرستی در می یابیمکه پرورشگاه و طن یک موسسه عام المنفعه است و بهمه مردم تعلق دارد که هر فردی از افراد کشور که توان مالی داشته باشد می تواند در تقویه پرورشگاه و طن سهم گیرد و آنرا بیشتر نیرو و توانایی بخشنند تا بتوانند تعداد زیادی از اطفال سرا سر کشور را جذب نماید.

دولت انقلابی ما با وسعت نظری که دارد همه اطفال وطن را که بی سرپرست شده اند اگر فرزندان را هیان راه انقلاب اند و یا دشمنان انقلاب یکسان در پرورشگاه و طن می پذیرد و یکسان در تعلیم و تربیت آنها همت می گمارد زیرا عنا صر ضد انقلاب و یافریب خوردگان را نابودی را خود برای خویش گزیده اند و لی اطفال آنها که گلهایی از شگوفه های انبو این چمن اند گناهی ندارند.

پس بر ماست تا در راه تقویه و گسترش چنین موسسات عام المنفعه و خیریه مبارزه نمود و از این اقدام شایسته دولت مردمی خویش مجددا نه پشتیبانی نمایم.

کامل نیاز دارند که باید این نیاز مندی اطفال امروز به خاطر هر چه بیشتر شگوفانی جامعه فردا بر آورده گردد، بخصوص آن عده اطفال لیکه یا در اثر مرگ طبیعی پدران خویش بی سرپرست شده اند و یا پدران آنها جان خود را در راه دفاع از میهن و انقلاب از دست داده اند، به سرپرستی و یا مرجع امید می که آنها را بتواند تعلیم و تربیت دهد و بزرگ سازد اشد ضرورت داشتند که با تاسیس پرورشگاه و طن این نیاز مبرم اطفال بی سرپرست بر آورده شده و در دامان پرورشگاه و طن از نعمت تعلیم و تربیت جسمی و روحی برخوردار می شوند.

در پرورشگاه وطن که به روی فرزندان بی سرپرست و طن آغوش باز دارد و همه اطفال بی سرپرست را تحت شرایط معین

گری های عنا صر ضد انقلاب باعث و پیرانی خانه ها، مساجد تا سیسات عام المنفعه و غارت نمودن دارایی های مردم شده و بسا اطفال و زنان را بی سرپرست گردانیدند که این جنایات ضد انقلاب و باده ران امپریالیستی شان هرگز فراموش خلق کشور نخواهد شد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان که خدمت به توده های وسیع کشور و رفاه و سعادت مردم از اهداف بزرگ آن می باشد دست بیک اقدام بی سابقه ای در کشور زد و پرورشگاه و طن رابخا طر تربیت نمودن اطفال بی سرپرست تا سیس نمود و نو باوه گان امروز و طن که زنان و مردان بزرگ و دوران ساز فردای جامعه ما میباشند به تربیت سالم جسمی و روحی

نظامهای مردمی را می توان از روی خصایل انسانی و بشر دوستانه آن شناخت که هر قدمی در راه رفاه و سعادت مردم می گذارند و هر اقدامی را برای برگردن کمبودهای جامعه و رشد سالم جسمی و روحی اطفال آن بعمل می آورند. جامعه افغانی ما که امروز از یک نظام ملی، مترقی و انقلابی برخوردار است و تحقق اهداف والای انقلاب مردمی آن گره کشای مشکلات امروز و تا مین رفاه و سعادت فردای جامعه میباید شد، از داشتن چنین نظامی بخود می بالد و باید هم ببالد زیرا با پیروزی انقلاب ثور و به صورت اخص مرحله نوین و تکاملی آن اقدامات سود مندی به نفع توده های وسیع و سیم ز حمتکشان کشور صورت گرفته و پلان های نافعی روی دست حزب و دولت انقلابی ما میباشند که یکی پی دیگر به نفع اکثریت عظیم و توده های وسیع دهقانان، کارگران و سایر زحمتکشان به منصفه اجرا گذارد می شود و وطن محبوب ما را بسوی شگوفانی و ترقی اجتماعی می کشاند.

دشمنان ترقی و سعادت مردم افغانستان که سالیان درازی امر دست رنج توده های وسیع کشور را می بلعیدند با پیروزی انقلاب ثور و مرحله نوین تکاملی آن به پرو پا گند های ناروا بر ضد انقلاب آغا ز کردند و با آنهم اکتفا نکردند از با داران امپریالیستی خویش سلاح گرفته مسلمانان واقعی و روستاییان ساده دل ما را بدام ترور ویرانها و ریاکاری های شان افکندند و یکی را بجان دیگر انداخته دست به قتل، آدم کشی و تجاوز به آزادی های دموکراتیک مردم زدند که نتیجه این مداخلات امپریالیزم و قتل و قتل و وحشی



پرورشگاه وطن یکی از موسسات عام المنفعی است که بهمه مردم کشور تعلق دارد.

گردهم آبی های اختصاصی ژوندون

مسائل: سیاسی، اجتماعی و خانوادگی

درباره نقد و انتقاد و فرهنگ و هنر

راه های رشد در باور وری تجارت ملی

در کشور

آیا تجارت ماد چارر کود شده است؟

طرح و تنظیم: رووف راصع
حکم: راحله راسخ خرمی

در این جلد:

- ۱ - انجنیر محمد عزیز رئیس عمومی ارزاق
- ۲ - مهر چند ورما رئیس عمومی انانهای تجارت
- ۳ - انجنیر شاجین رئیس افغان کارت
- ۴ - انجنیر لهر احمد لهر رئیس عمومی مواد نفتی و شکر
- ۵ - انجنیر مسکین مل رئیس انکشاف زراعت

رئیس انکشاف صادرات: یکی از وظایف عمده و اساسی وزارت تجارت در سطح تجارت خارجی جلب اسعار قوی است که در مقابل بتواند به توریست ها ضروری و اولیه زندگی مردم بپردازد.

خوشبختانه بعد از مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور ریاست انکشاف صادرات توانسته است تا جای امکان این مامور را بر آورد چنانکه حجم تجارت خارجی به استناد احصایه های موقتی

در سال شصت به مقایسه سال پنجاه و نوو در سال پنجاه و نوزده مقایسه سال پنجاه و هشتاد افزایش یافته است.

یکی از موفقیتهای دیگر وزارت تجارت این است که این ارگان به کمک تا جران سکتور خصوصی توانسته است تمام احتیاجات عامه را در سطح ملی بر آورد چنانکه هیچ کمبودی در عرضه مواد اولیه به چشم نخورد.

برای اینکه دلیلی بر این ادعا

ارائه داده باشیم که تجارت ما رشد یابند ماست به ذکر ارقام صادراتی و وارداتی ربع اول سال شصت به مقایسه همین ربع سال پنجاه و نوو می پردازیم:

مجموع صادرات ربع اول سال گذشته یکصد و سی و نو میلیون دالر بوده است در حالی که مجموع صادرات در همین ربع سال جاری به یکصد و هشتاد میلیون دالر میرسد همچنین مجموع واردات در ربع اول سال گذشته یکصد و شش میلیون دالر و از همین مدت در سال جاری یکصد و سی و چار میلیون دالر بوده است.

یکی از مواردی که بازگو کننده موقف حمایت گرانه وزارت تجارت از سکتور تجارت خصوصی است این می باشد که پرچون فروشی و عمده فروشی اجناس به صورت کل آزاد گذاشته شده و صرف دولت کنترل آنرا عهده دار است تا از صعود قیمت در بازار جلوگیری گردد.

همچنین کمک های فراوانی به سرمایه گذاران ملی صورت گرفته تا تجارت صادراتی توسعه یابد که در این شمار است بازار یابی برای امتعه افغانی در بازارهای خارجی، جلوگیری از صعود قیمت ترخیصی مرتب مواد مصرفی در سطح بین المللی و کارهای دیگر.

ریاست انکشاف صادرات به منظور توسعه خدمات خود برای تجارت سکتور خصوصی در هر نمایشگاهی که از امتعه داخلی در بازارهای خارجی تدویر گردیده از تجار و انفرادی برای شرکت دعوت به عمل آورد و برای کالای آنها به قدر کافی تبلیغات کرده است.

تجار سکتور خصوصی همین اکنون در حدود نود و هشتاد درصد تجارت کشور را به عهده دارند و این خود نمایانگر آن است که دولت به چه پیمانان تجارت ملی را در سکتور خصوصی مورد حمایت قرار میدهد.



گوشه یی از میز گرد ژوندون که پیرامون مسایل تجارتی کشور دایر گردیده بود

صعود قیمت ها بیشتر از این جلو گیری کنیم و حد اقل قیمت را در سطح موجود ثابت نگاهداریم ؟
رئیس عمو می اتا ق هسای
تجارت :

عدم استقرا ر قیمت در بازارهای کشور ما بیشتر از آنکه زاد شرایط داخلی باشد و وابسته به شرایط و ضوابط اقتصادی بین المللی است و از همه بیشتر به نرخ اسعار وابسته میباشد . در سال ۵۸ نرخ دالر از چهل و چار افغانی تجاوز نمیکرد اما در سال های گذشته و سال جاری قیمت دالر به پنجاه و هشت افغانی افزایش یافت . عامل دیگر بلند رفتن قیمت ها گران شدن نرخ نفت در سطح جهانی است ، توريد مواد مصرفی به ترانسپورت احتیاج دارد و ترانسپورت به مواد سوختی نفتی که پیدا ست و قتی قیمت نفت بلند رود قیمت ترانسپورت نیز بلند میرود و در نتیجه صعود قیمت را موجب میگردد .

سو مین عامل گراننی هم این است که قیمت ها به خاطر عوامل گوناگون در همه کشور های جهان بلند رفته و در اصل خرید به مقایسه سال های پیش گران تر صورت میگیرد بنا صعود قیمت امری کاملاً طبیعی است ، در بهلوی این مسایل باید در نظر بگیریم که با وصف قرار دادن در شرایط انقلابی و مشکلات فراوان ترانسپورتی ما تواستیم تمام مواد مورد ضرورت مردم را در بازار ها عرضه داریم .

رووف راصع :
بساتوجه به کاهش روز افزون قدرت خرید ، پایین بودن سطح عاید عمو می و مشکلات کسانی که عاید ثابت دارند با توجه به صعود قیمت باید ارگان های مسوول خدمات اجتماعی مقداری ضرر اقتصادی را به خاطر رفاه عامه قبول دارند به عنوان مثال فرآورده های تور پستی خود را به قیمت تمام شده عرضه کنند و حتی در موارد ضروری که قیمت جنس مورد نیاز همگانی بالاتر از قدرت خرید عمو م باشد ارزان تر از قیمت تمام شده نمایند .

آیا افغان کارت و یا ارگان های دیگر تجارتی کشور چنین اقداماتی را در دست اجرا دارند

رئیس عمو می اتا ق هسای
تجارت :

به تأیید گفته های محترم رئیس انکشاف صادرات نکته بی که قابل یاد آوری میباشد این است که تجار ملی در دوران امین در امور وارداتی و صادراتی با مشکلاتی روبرو بودند که بعد از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور به همه ی آن مشکلات خاتمه داده شد . به عنوان مثال تا جران دست اندر کار صادراتی موظف بودند به اساس فیصله یی که به عمل آمده بود بیست در صد مازاد را به حساب وزارت ما لیه محاسبه کنند ، اما بعد از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور تنها این بیست فیصد گشتا ند نمیشود بلکه آنچه هم که گشتانده شده بود واپس به تاجران ملی مسترد گردید و همچنین رسمی ارضی بنا در برای تجارت توریید کنند نیز معاف گردید .

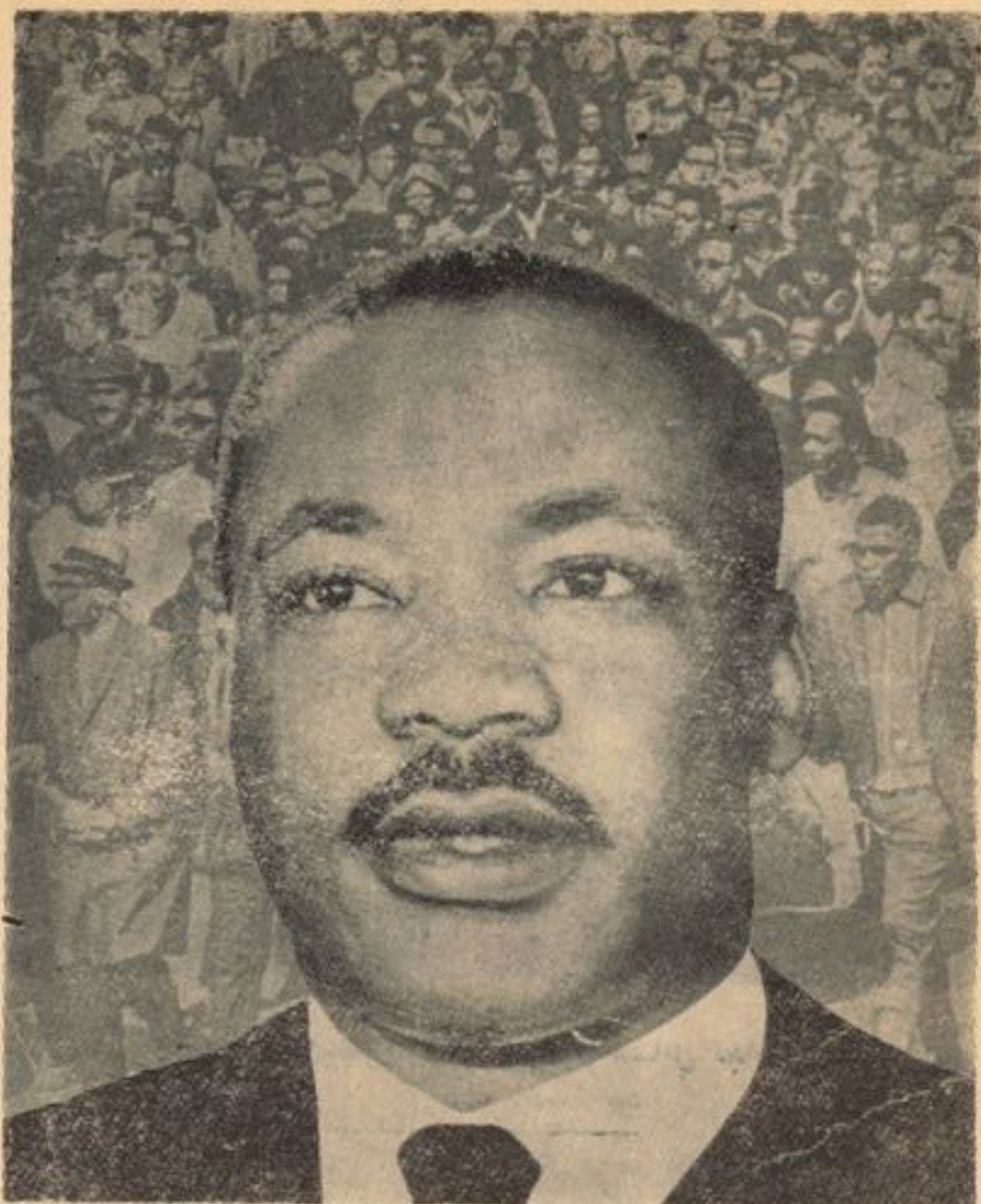
رووف راصع :
محترم رئیس انکشاف صادرات در بخشی از سخنان خود اشاره یی به این موضوع داشتند که گویا در اثر اقدامات ارگان های تجارتی کشور تنها هیچ کمبودی در عرضه مواد اولی و ضروری زندگی مردم در بازار های کشور به چشم نمیخورد بلکه از صعود قیمت نیز جلو گیری شده است که من مورد اول گفته های ایشان را تایید و مورد دوم یعنی بالا رفتن قیمت ها را رد میکنم ، برای این ادعا نیز دلایل فراوان در دست است به عنوان مثال صابونی که دو سال پیش و یا سال های قبل از آن ده افغانی قیمت داشت اکنون بیش از بیست افغانی قیمت دارد گرم ریش که سی افغانی فروش داشت حالا قیمت آن به پنجاه افغانی رسیده است انواع تکه های پوشاک که به تر مثلاً پنجاه افغانی فروخته میشد اکنون بیشتر از صد درصد به قیمت آن افزوده شده است و همین ترتیب است قیمت های سایر خشک ، مواد غذایی توریید شده از خارج ، سامان و لوازم الکتریکی ، متسوجات نخسی شعی ، ناپلونی و اقلام فراوان دیگر .

پرسش اساسی در این زمینه این است که چگونه میتوانیم از اقداماتی را در دست اجرا دارند

یا خیر :
رئیس افغان کارت :
به اجازه شما پیش از اینکه به پاسخ پرسش مشخص شما بپردازم می پر دازم به یادآوری چند نکته در زمینه استقرار قیمت :
در سطح جهانی نظر به خرابی او ضاع ایران قیمت نفت این کشور بلند رفته است و این گراننی خود به خود روی نرخ ترانسپورتی تا ثیر میکند ، از سوی دیگر نوسان نرخ اسعار در سطح جهانی روی قیمت هاتاثیر میگذارد و از استقرار آن جلوگیری میگردد به عنوان مثال دالر که چند ماه پیش چهل افغانی قیمت داشت اکنون پنجاه افغانی قیمت دارد ، از این هاگذشته يك عامل دیگر صعود قیمت ها و عدم استقرار آن ماندن زیاد اموال در بنادر میباشد که به یقین این مشکلات در آینده حل میگردد .

به پاسخ سوال شما در زمینه ضرورت قبول ضرر اقتصادی دولت به خاطر رفاه عامه در مسایل عرضه مواد مورد ضرورت مردم باید بگویم فقر زاد شرایط نا هنجار روابط فیو دالی در جامعه است که تا هنوز هم بقایای این گونه مناسبات و روابط خان

بقيه در صفحه ۵۰



مارتین لوتر کینگ

ترجمه قاسم سرمد

بیوسته گذشته

من هم یک انسانم

...

مارتین لوتر کینگ رهبر سیاهان

چگونه بقتل رسید؟

در سپتامبر ۱۹۴۴ به شمول مارتین ۲۰۶ معلم در پوهنتون مور هوس شامل شده بودند . رئیس پوهنتون که قبلتند وموهای خاکستری داشت شاگردان را به پوهنتون خوش آمدید گفته اضافه کرد که باید آنها بخود اطمینان داشته باشند نادر آینده موفق و رهبران با اراده ویا جرات بیار آیند .

بعد از ختم مراسم شاگردان چندین روز را به شناسایی پوهنتون و آزمایش های روحی جسمی و غیره سپری کردند .

عمارت پوهنتون کهنه بود واكثر آنها توسط تانک زینتی پوشیده شده بود . سرج رنگ پوهنتون که بر فراز یکی از لیلیه ها قرار داشت از دور ترین نقاط شهر به نظر میرسید . چند روز پساًتر شاگردان صنوف بالاتر به پوهنتون آمده وبروگرام يك هفته برای شاگردان جدید ترتیب کردند .

مارتین و دیگران کلاه های سرخ تیره رنگ پوشیدند . رنگ سرخ تیره و رنگ سفید رنگهای رسمی پوهنتون بود .

هر گاه شاگردان نو سرود پوهنتون را در ذهن نمی سپردند سر آنها را می تراشیدند و یا با لباس زیر (شاور) می گرفتند .

کنگ رشته سوسیولوژی (علم اجتماع) را انتخاب و بدرس آغاز کرد . فضای درس برایش دلچسپ بود و برای اولین بار عملاً درمباحثات غیر عادلانه بودن تبعیض نژادی حصه گرفت . ایل برین هرگز در صفت نشنیده بود که قانون تجربه غلط و غیر انسانی بوده و باید لغو گردد .

پوهنتون مور هوس يك پوهنتون خصوصی بود و مصارف آن از طرف ریاست جورجیا ویا شهر اتلانتا پرداخته نمیشد استدلال مالی باعث آزادی گفتار و غیر عادلانه تلقی نمودن تبعیض نژادی میگردد . مکاتب دیگری که مار تین در آن ها درس خوانده بود از دولت بودجه در یافت میداشتند و این یکی از دلایلی بود که استادان نمی توانستند بصورت آزادانه در باره قانون جدا سازی سخن گویند .

کنگ که شاگرد ممتاز بود در کلب آواز میخواند وعضویت کمیته انضباط پوهنتون را حاصل کرده بود . در رقابت های نظامی حصه میگرفت واستعدادش را بیشتر از پیش پرورش میداد . در صنعت دوم در مسابقات نظامی شرکت جست و مقام دوم را بدست آورد .

مارتین در شورای مشترک پوهنتون های سیاه وسفید اتلانتا همعضویت داشت . مقصد این شورا را تقویه دوستی بین پوهنتون هاو حل پروبلم های مشترک محصلین تشکیل میداد .

کنگ برای اولین بار به صفت عضو مساوی الحقوق شورا با سفید ها بهادکره نشست . تجاریکه در این شورا آموخت ویرا متقاعد ساخت که در جامعه سفید پوست هاهم اشخاصی پیدا میشود که از نگروعا طرفداری میکنند .

قبلاً کنگ از تمام سفید پوست ها اظهار تنفر می نمود .

مارتین میخواست حقوق دان ویا داکتر طب شود ولی به تحصیل در رشته الهیات علاقه بیشتر داشت . پدرش باین تصمیم او موافق بود . مکیل اولاد هایش را بسیار دوست داشت ودر حالیکه همه به سن بلوغ رسیده بودند بازهم آنها را هدایت ورهنمائی میکرد و در تصمیم آنها شریک میشد ونصیحت به هر کدام بصورت جدا گانه می پرداخت .

فرزندان در مقابل پدر عکس العمل های مختلف نشان میدادند گریس دختر وظیفه شناس نصایح پدر را از دل و جان گوش میکرد . کنگ انتقاد وبربری عدالتی نژادی را هرگز فراموش نمی کرد و خود را برای برانداختن آن آماده می ساخت او دو سال اول پوهنتون را به تحقیق وتالیف ، مطالعه ، تفکر ، جروبخت و ارائه سوالات سپری کرد .

وی در صنف سوم تصمیم گرفت در رشته الهیات درس بخواند ابتدا موضوع را با مادرش مطرح کرد مادر او را به پدرش راجع ساخت وقتی پدر از تصمیم قطعی پدرش اطلاع یافت

بسیار خسوس شد وکنگ را تشویق نمود داتادارادامه تحصیلاتش مساعی و کوشش بیشتر به خرج دهد .

طوریکه قبلاً تذکر داده ایم مارتین در رخصتی های تابستانی کار میکرد ودر دوران آن خود را به مشکلات سیاهان آشنایی ساخت . باموقفی که پدرش در بین سیاه بوستان حاصل کرده بود می توانست بهترین کار برای خود تهیه کند ولی او در عوض به کار های کمر شکن دست می زد در یکی از تابستان ها در قطار سریع السیر ریل به حملی پرداخت ودر تابستانی دیگر در فابریکه دوشک سازی کار کرد وی مشاهده کرد که تقلت کار برای سیاه وسفید یکسان بود ولی يك فرق بزرگی موجود بود . این فرق پرداخت پول کمتر در مقابل همان کاره سیاهان به مقایسه سفیدها بود . مارتین تصور نمود تا زمانیکه پرداخت غیر عادلانه موجود باشد نگر و ها به همان حیثیت اجتماعی خواهند ماند . درینوقت گفته پروفیسر سوسو- لوزی که «پول نه تنها وسیله شرارت هاویدی هاست بلکه ریشه تبعیض نژادی هم می باشد» بیاد کنگ آمد و آنچه را که در نظر آموخته بود در عمل مشاهده کرد .

مارتین در تابستان ۱۹۴۸ یعنی در سال چهارم پوهنتون مضمون در باره تعلیم و تریبیه در اخبار پوهنتون به نشر سپرد . عنوان مقاله «هدف تعلیم و تریبیه» بود وی در مقاله اش اظهار عقیده کرده بود که منظور از تعلیم و تریبیه نباید صرف آماده نمودن جوانان برای کار باشد و نباید يك شاگرد را به يك رشته مشخص تریبیه کرد . تعلیم و تریبیه باید در خدمت علمی و منطقی افراد قرار گیرد وبمردم تفهیم نماید راست را از غلط وواقعیت را از رویا تشخیص نماید . شخص معقول باید جانب حقیقت وراستی را اختیار نماید و يك شخص با منطق این نظریه را که يك نژاد از نژاد دیگر مافوق است وجداناً نفی کند .

کنگ در جون ۱۹۴۸ از پوهنتون فارغ التحصیل شد و به استثنای يك کورس فرانسوی در تمام مضامین دیگر نمره های خوب حاصل کرده بود .

کنگ در خزان سال ۱۹۴۹ به (کروزر) که يك منطقه سر سبز و مقبول بود رفت و به کتب مختلف آنجا شامل شد در بین يك جمعیت (۱۰۰) نفری صرف شش نفر سیاه وجود داشت .

مارتین تبصره ها وقضاوت های شاگردان سفید را نسبت به خود و رفقای سیاه خود احساس میکرد وی میکوشید از اجرای برخی حرکاتیکه از نگاه سفید ها در وجود نگر و ها موجود می باشد احتراز کند ، نگر و ها اغلباً متهم به خندیدن های بی جا ، بلند بودن آواز ، کثیف بودن وتاوقت رسیدن به دروس بودند . کنگ اتاق خود را پاک و صفا نگه میداشت وبوت های خود را همیشه رنگ میداد ، لباس هایش دایم نظیف ودر همه احوال بوقت معین پدرش



یونس ریمنگهام داکتر لوترکینگ را به اتهام شرکت در مظالم دستگیر نموده است .

رادر یکی از پوهنتون ها به اتهام برساند. کنگ پوهنتون بوستون را انتخاب کرد . کنگ در پوهنتون بوستون برای اخذ دکتورا ای فلسفه بدرس آغاز نمود . وی بایکی از هم صنفی های دوران پوهنتون مورعوس که در پوهنتون (نفتس) درس میخواند یک اپاراتمان را بگرایه گرفت ، آنها بانفاق هم یک کلوب فلسفی هفته وار را افتتاح کردند . فارغ التحصیلان سیاه پوست پوهنتون بوستون برای مباحثات فلسفی به کلوب می آمدند . در کلوب مقالات مختلف فلسفی قرائت و حاضرین نظرات خود را مبنی بر تائید و یا رد آن ابراز میکردند . کلوب در محافل علمی شهرت زیادی کسب نمود و شاگردان سفید پوست هم در جلسات آن اشتراک می نمودند . کنگ بعد از چند ماه اقامت در بوستون با کورتیا اسکات شاگرد کنسرواتوار موزیک آشنا شد کورتیا میخواست سر اینده کانسرت شود کنگ مجذوب وی شد و کورتیا هم کنگ را مرد خواستی یافت آنها در سال ۱۹۵۳ باهم ازدواج کردند .

مارتین کورس خود را در بوستون تمام کرد و تحقیقات را برای نوشتن (تیزس) داکتری شروع نمود . موضوع تیزس او را خاتمه دادن به اختلاف فلسفی دو نفر فیلسوف (که یکی آلمانی و دیگری امریکائی بود) که از (۲۰) سال باین طرف لاینحل مانده بود تشکیل میداد .

کورتیا در سال ۱۹۵۴ از کانسرو اتوار فارغ شد کنگ هم تمام شرایط لازمه را (باستثنای تیزس) برای بدست آوردن شهادتنامه تکمیل کرده بود و پیشنهادات کار از طرف کلیسا ها و پوهنتون ها برایش میرسید در جمله این پیشنهادات ریاست فاکولته ، پست های اداری و سمت های استادی شامل بود .

بقیه در صفحه ۵۰

کنگ تمام کتاب هایی را که درباره گاندی بود جمع آوری و مطالعه کرد و باین نتیجه رسید که دوستی و برادری باعث پیروزی میگردد . کلمه دوستی را که گاندی بکار می برد به منزله و معنی دوستی یک طفل ، یک معشوق پدر و مادر و غیره نبود بلکه به سنای احترام و رعایت حقوق ممنوع بود .

گاندی بر علیه حکمفرمانی انگلستان مبارزه نمود از دادن تکس به مقامات انگلیسی ابراء ورزید . به ساختن دستگاه باندگی دستی برای تولید پارچه های مورد نیاز مردم خود اقدام نمود و میخواست هموطنان خود را از وابستگی به تولیدات نساجی بر تانیه بی نیاز سازد .

گاندی وطنداران خویش را به طرف بحر هدایت کرد تا نمک جمع کنند و انزجار شانرا بر ضد تکس بر نمک باشغالگران نشان دهند .

وقتی او را به محبس می بردند بدون اعتراض به سوی محبس روان شد . گاندی هم آثار (تارو) را خوانده بود .

گاندی از ابراز تنفر بر علیه انگلیسها که در حق هندی ها از منتهای بی عدالتی کار می گرفتند احتراز کرد و آنها را هم نوع خود خطاب می نمود و بر ضد آنها نه دست خود را بالا کردو نه صدای خود را بلند نمود و در مقابل زجر و آزار آنها رفتار دوستانه داشت و عاقبت پیروز شد .

گاندی رادر سال ۱۹۴۸ بقتل رساندند ولی با مرگ او افکارش از بین نرفت . عقاید او اولاً به جانسن و سپس به داکتر کنگ انتقال یافت .

مارتین در سال ۱۹۵۱ لیسانس خود را در رشته الهیات بدست آورد . بلندترین جایزه اسکالرشپ و هم چنان پروگرام فیلوشپ لویی کروزد د برای دو سال بوی تعلق گرفت و اجازه یافت بد لغوا خود دوره دوسال مذکور

دیگر مطالعه می نمود و همیشه در جستجوی افکار و عقاید یک بزرگان و فلاسفه بود و میخواست با استفاده از عقایدو افکار آنها به جنگ علیه بیعدالتی ها در جامعه امریکا برود و زمینه را برای این مبارزه آماده سازد .

کنگ آثار (تارو) نویسنده قرن (۱۹) را مطالعه کرده بود (تارو) عقیده داشت که هرچسک نباید از قوانین غیر عادلانه طرفداری و حمایت کند یعنی وقتی یک شخص واقعا احساس کند که یک قانون غیر عادلانه در جامعه تدوین شده است از آن نباید اطاعت نمود و افراد در شکستن آن باید خطر اتی را قبول دار شود .

وقتی قوانین غیر عادلانه در یک جامعه تدوین میگردد بهترین ماوا برای افراد صالح محبس می باشد .

از نگاه مارتین گفتار (تارو) در مورد قانون تجرید صدق میکند چه این قانون نه تنها غیر عادلانه بود . بلکه بر ضد قانون اساسی آن کشور هم بود .

مفکوره مقاومت و عدم تشدد (مقاومت منفی) (تارو) مفکوره خوبتری به شمار می آمد . مارتین به مطالعه آثار فلسفی ادامه میداد و در صدد بود اساسات برادری و دوستی را به حیث یک عامل عمده بر ضد بیعدالتی بکار بندد .

کنگ با جانسن رئیس پوهنتون (هوارد) که در جهت پایان دادن تبعیض نژادی از راه دوستی و برادری مبارزه میکردو از هندوستان بر گشته بود نیز ملاقات و دیدار کرده بود . وی در هند استفاده از محبت به هم نوع را که به حیث یک وسیله موثر از آن کار گرفته شده بود به چشم سر مشاهده کرده بود . جانسن گاندی را به مردم خود شناساند .

حاضر می گردید . مارتین در مکتب تاریخ کلیسا، حیات و کارنامه های پیامبران ، روحیات مذهب مسیح و اخلاقیات می آموخت .

حیات مکتب به درس و تفکر محدود نبود شاگردان به شوخی هایی بین هم می پرداختند از جمله شوخی ها یکی این بود که شاگردان در غیاب هم صنفی هادراتاق آنها داخل و تمام فرنیچر موجود در اتاق را سر چه میکردند در گروه باناق آوران ها گاهگاهی کنگ هم حصه میگرفت .

روزی گروهی باناق یکی از متعلمین که کنگ را بعضی اوقات سیاه کک صدا میکرد بوردس برده بودند صاحب اتاق وقتی فرنیچر های خود را در هم و بر هم یافت مستقیماً نزد کنگ رفت و او را متهم نمود که با تاقش داخل شده است . تصادفاً کنگ در گروه حمله آوران باناق شامل نبود و موضوع که به شاگرد عصبانی اظهار نموده بود شاگرد مذکور حرف های او را باور نکرد و کنگ را با تفنگ تهدید نمود . موضوع به حکمیت شاگردان گذاشته شد کنگ باین امر حاضر نه شد و مساله فراموش گردید .

چندی بعد متعلم مذکور به حقیقت موضوع پی برد و در پیش همه از مانتین معذرت خواست . کنگ درین مکتب شاگرد ممتاز بود . وی به حیث اول نمره صنف خود به صنف رشیل اتحادیه محصلین مکتب انتخاب شد . کنگ بیاتیه های جالب ایراد میکرد و روز بروز به محبوبیت او افزوده می شد .

کنگ در پهلوی دروس مکتب یک تعداد کورس های فلسفه رادر پوهنتون پنساوانیا تعییب میکرد کتاب های فلسفی را یکی بعد



داکتر لوترکینگ، اطفال را همیشه مورد نوازش قرار میداد و میگفت اینها حق بسیار بر ما دارد .

تسویس
گوشش
د رخصتی
ان آن خود
باموقفی
مل کرده
خسود
های کمر
در قطار
تابستانی
کرد وی
اه سفید
نمود بود
بل همان
مارتین
سادلانه
اجتماعی
سوسیو-
هاویدی
می باشد
آموخت
چهارم
بیه در
ن مقاله
اش
و تربیه
کار
تشنه
سد در
و مردم
را از
جانب
ک
نژاد از
شد .
بل شنو
سامین
•
که یک
بمکتب
(۱۰۰
•
سفید
ساس
کاتیکه
جود
سم
کشیف
کنگ
ویوت
مایش
روس

برایشما باید آندیدوه ایم:

هر هفته یک داستان از ادبیات جهان

این هفته از ادبیات یوگوسلاوی

فیل در دوسیه

از: برانسلیلا نوشیچ

برانسلیلا و نوشیچ از نو - یسندگان به شهرت رسیده و اوایل قرن نوزدهم یوگوسلاویا است که قصه هایش بیشتر رنگی از طنز اجتماعی دارد و با دیدی نقادانه به تحلیل اوضاع اجتماعی زمان خود و سادگی و بی شایسته گی برخی از انسان ها می رسد - بر دازد که در زیر ضوابط غیر انسانی بیرونی کراتیک فشرده شده و به علت جو بی نیز پرداخته نمیتوانند، آدم ها و کرکتر های این نویسندگان که آثارش به بیشتر زبان های زنده دنیا به چاپ رسیده است نمونه واقعی از انسان های جامعه بی میباشند که در آن همه چیز در بهبودی غرق است، او اعماق جامعه را میکاود و با دیدی ژرف و عمیق به خلق تپ ها می بر دازد که همه خصوصیت های عینی جامعه در وجود آنان انعکاس یافته است.

«فیل در دوسیه» یکی از آثار طنز آمیز او است که به وسیله «سزان» به دزی برگردان شده و ما با مقداری تزیین و تصرف آنرا از نظر شما میگردانیم.

دو بازار بود که در این اواخر یک باغ وحش نیز به آن افزوده شده بود. با آنکه آقای «پایا» شخصیت برجسته شهر عقیده داشت که با نبودن این باغ وحش باز هم شهر به اندازه کافی حیوان دارد بار هم متصدی سیرک سیار حیوانات ناچار بود برای ترتیب نمایش به شهر بیاید زیرا در غیر آن حتی یک پول هم برای ادا مسافر خود نداشت.

با ورود سیرک به شهر «ساوا» بقال مقداری تخته و میخ نسیه به صاحب آن فروخت «نیچکو» ی صابون بز هم مقداری گوشت برای حیوانات او قرض داد و به این ترتیب سیرک کجی مهربان موفق گردید در مدت یکروز خیمه اش را بر پا دارد و سحرگاه روز بعد هم دایره زنگداریش را به دست گیرد و به جار زدن این موضوع که سیرک باشکوه جهانی برای نمایش آماده است مردم را به خرید تکت دعوت کند.

سیرک مجموعا دارای شش حیوان بود که شامل یک خرس لاغر و مردنی، یک فیل پیر و تنبل یک پرنده عادی خانگی، یک شادی یک سمور و یک روباه بود که تماشاگر به مشکل میتوانست به هویت آنان پی برد.

اهالی شهر به تماشا باغ وحش رفتند، اما پس از آنکه همه آنها از برابر قفس ها گذشتند

صاحب سیرک مدخلش را محاسبه کرد و متوجه شد با اینکه هر تماشاگر یک گروش با بت حق ورود پرداخته است، در آمدش از دو صد و ده گروش تجاری و زنی کند.

در این حال در مدت هشت روز میزان قرض از با ب محترم باغ وحش با بت قیمت گوشت پنجمصد و هجده گروش رسیده است.

نیچکوی صابون بز چند روز بی هم گوشت نسیه به او میفروخت ولی بعد از یک هفته وقتی متوجه گردید که صاحب سیرک خیال دادن طلب او را ندارد به وی مراجعه کرد و گفت:

رسید بنویس!

با کمال میل.

صاحب سیرک با گفتن این سخن رسیدی به مبلغ پنجمصد و هجده گروش نوشت و به دست نیچکوی صابون بز داد.

عصر روز نهم وقتی صاحب سیرک متوجه گردید که قرضش به میزان پنج برابر سر یعتر از در آمدش، افزایش می یابد، همسرش را صدا زد.

آنها دونفری نشستند، یک بوتل مشروب روی میز نهادند و به طور جدی در باره خود، حیوانات خود و اینکه نمیتوان به این ترتیب به زندگی ادا مه داد، بحث کردند.

صبح روز بعد همزمان با باز

شدن دکان ها در سرا سر شهر شایع شد که شب گذشته صاحب محترم «سیرک باشکوه جهانی» فرار کرده و زن و سمور آبی و شادی را نیز با خود برده و بقیه چیزها یعنی قروض، خرس، فیل، پرنده و روباه را برای اهالی شهر به جای گذاشته است.

گرچه تمام مردم از این خبر مبهوت گردیدند اما ساوا بقال و نیچکوی صابون بز واقعا از صمیم قلب متاثر و غمگین بودند:

آقای پایا که موظف شده بود لست اشیا باقی مانده را ترتیب و گزارش کند فوراً به باغ وحش رفت و فهرستی را به این شرح به ثبت آورد:

- 1- فیل بزرگ یک راس.
- 2- دمبایی پاره یک جفت.
- 3- روباه بدون گوش، درون قفس یک راس.
- 4- جوراب مردانه کاملاً پاره یک لنگه.
- 5- پرنده بی با دم رنگ شده شبیه اردک یک عدد.
- 6- میز شکسته یک عدد.
- 7- خرس با پوست مستعمل درون قفس یک راس.
- 8- میخ معمولی نیم کیلو.
- 9- سطل دسته دار دو عدد.
- 10- دایره زنگدار مستعمل یک عدد.

شهر دارای یک هزار و هشتصد نفر جمعیت، شش گوجه، سه کشیش، هفت کافی، یک شاروال، دو مهمانخانه، هفده زن بیوه، سه معلم، دو معلمه، زن بیوه، سه معلم، دو معلمه و بازار بود

فیل در دو سلسله



۱۱- کتان معمولی یک پارچه.
 ۱۲- پرده سرخ معمولی یک
 ۱۳- بوتل بز رگ که معلوم می
 بود محتوی شراب بود یک
 ۱۴- چوب دراز یک اصله.
 ۱۵- تسمه ی سوراخ دار یک
 ۱۶- چراغ مستعمل یک عدد.
 ۱۷- تابلو بانو شته «سیرک با
 گوه جهانی» یک عدد.
 پس از تنظیم فهرست، باغ
 حش را مهرو موم کردند، اما
 یوانات معصوم با مشا عده اینکه
 یا به هیچ صورت در نظرس
 ارد شمشکشان را سیر کند چنان
 به بی سر دادند که اشک در چشم
 به تماشاگران حلقه زد، فیل
 تند بیوه زنی که در مراسم یاد
 در مرگ شوهرش بگریه می
 ریست اما خرس از شدت گرسنگی
 قدر لاغر شده بود که مانند
 آری جیر جیر میکرد و لی طبیعی
 است که آقای پایا حق نداشت
 اساساً خود را بروز دهد زیرا در
 ل انجام دادن وظایف اداری

تا فهرست آقای پایا تنظیم
 دید، تا در باره آن تصمیم گرفته
 و مورد اجرا قرار گرفت.
 تقریباً تمام اهالی شهر در مراسم
 هم که یکی از جالب ترین
 هم در مدت عمر آنان بود
 کت داشتند، همه می خندیدند
 هم چشمک میزدند و در این
 آقای پایا سملو از شرافت
 پس و وقار با تکبر تمام به امور
 هم رسیدگی میکرد.

میز آبی رنگ به هفت گروش
 کیلو میخ به سی «پار» قطعه
 یک کتان به نرده گروش و
 نه های سرخرنگ به سه
 و ش به فروش رسید، لنگه
 را ب مردانه را به دور انداختند
 چو ها با پر داخت چهل و دو
 وش دایره زنگدار را خریدند،
 ملو بی را که «سیرک باشکو»
 بانی روی آن نوشته شده بود
 ای بقال به هشت گروش فروخته
 بعد از لیلام این اشیا آقای
 انگشتش را روی فهرست
 داشت و با لحن بسیار جدی و
 می گفت:
 فیل را بیاورید!
 فیل با خو نسرودی ظاهری و

سه، اشک در چشمان نیچکو
 نشست مردم می خندیدند و فریاد
 میکشیدند و نیچکو را مسخره می
 کردند که پولیس ریسمان فیل را
 به دست او داد. و فیل نیز بسا
 اطمینان اینکه نیچکو ی صابون پز
 باید آدم خوبی باشد دنبال او به
 راه افتاد.

نیچکو مانند اشخاص لت خورده
 در کوچه ها سرگردان بود و در
 افکار آزار دهنده بی فرو رفتن
 بود:
 زن من «سویکا» که سه ماه
 است اجازه نمیده کلاه نویی برایم
 بخرم چه خواهد گفت؟

بقیه در صفحه ۴۳

وقتی تماشاگران قیمت آنرا به
 شوخی و مسخرگی تا دو صد و
 شش گروش بالا بردند نیچکو یک
 گروش به آن علاوه کرد، کسی
 از میان جمعیت دو گروش بعد یکنفر
 یک گروش و سو می نیم گروش به
 آن علاوه کرد تا قیمت فیل به دو
 صد و ده گروش رسید، طبل
 لیلام مرتب صدا میکرد نیچکو یک
 بارای دیگر به قیمت افزود، همه
 ساکت شدند ما مور لیلام صدا کرد
 «یک» و نیچکو بانگ «ترحم انگیز
 به جمعیت نگاه کرد دوباره صدا بلند
 شد که «دو» دانه های عرق روی
 پیشانی نیچکو ظاهر گردید، مامور
 ادا مه داد:

باطنی غیر عادی اجازه داد که به
 لیلام گذاشته شود، اما وقتی
 اعلام گردید که قیمت آن دو صد
 گروش تعیین شده است غرورش
 جریحه دار شد و بایک حرکت تند
 خرطوم، ضربتی به سر آقای
 پایا وارد آورد که تا مدتی او را گیج
 ساخت و مردم را به خنده انداخت.
 بالاخره لیلام شروع شد،
 نیچکو ی صابون پز بیش از هر کس
 دیگری به جریان لیلام علاقمند بود
 زیرا او عمده ترین طلبکار فراری
 باغ و حش به شمار می آمد و می
 کوشید هر شیشی حتی نیم گروش هم که
 بشود گران تر به فروش رود، در
 مورد فیل هم او همین کار را کرد و

جنبش

دموکراتیک بین المللی زنان

در مرحله کنونی

مؤلف: ...



از سلسله انتشارات سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

جنبش دموکراتیک بین المللی زنان در مرحله کنونی رساله ای است دارای (۱۱۴) صفحه که اخیراً از طرف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان به نشر رسیده است. این کتاب در نوع خود می تواند نخستین اثری باشد که به زبان دری در کشور ما چاپ شده است. درین مجموعی کوچک مطالبی جالب و قابل استفاده جای گرفته است که بسیاری خواننده علاقمند می تواند جالب و آموزنده باشد در پیشگفتار این رساله دکتر اناهیتا راتبازاد رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان می نویسد:

محتویات این کتاب را مسایل میرم و در دستور روز کنونی پروسه انقلابی جهانی یعنی پرو بلم های مر بوط به عنصر متشکله این روند، جنبش بین المللی دموکراتیک زنان تشکیل می دهد.

یکی از مشخصات دوران ما ارتقای نقش جنبش دموکراتیک بین المللی زنان در جنبش خلق ها باخاطر زندگی بهتر، صلح و رفاه محسوب می گردد که این پدیده خود را پدیده تغییر چهره سیاسی جهان یعنی ایجاد سیستم جهانی سوسیالیستی، و پیروزی پیپس جنبش طبقه کارگر و نیرو مندی موج جنبش آزادی بخش ملی می باشد.

« فد راسیون دموکراتیک بین المللی زنان » نخستین مقاله این رساله است که ا نری تحقیقی است و به معرفی گسترده فد راسیون دموکراتیک بین المللی زنان می پردازد. درین نوشتار نشان داده می شود که زنان مبارز چگونه برخلاف همه تلاش ها و کوشش های لجاجت آمیز جنگ افروزان، پاسداران نظام های ارتجاعی و بیداد گر به مبارزات رهایی بخش و سازنده خود ادامه می دهند، از حقیقت آزادی و عدالت اجتماعی با قاطعیت و شور انقلابی دفاع می نمایند. زنان در روند تاریخ در بسیاری از سر زمین ها و قلمرو ها تحقیر شده اند، شکنجه دیده و از ابتدایی ترین حقوق انسانی و مدنی بی بهره گشته اند. درین اثر نشان داده می شود که زنان همانند مردان علیه استبداد و بیداد قامت افراخته زیر بار نا هنجاری و زور گویی نظام های ارتجاعی تاراجگر و بیداد گر نرفته اند. زن با وجودی که مورد تحقیر و شکنجه قرار گرفته است دست از مبارزه و بیگار نکشیده همچنان به مبارزه و راه پیمایی ادامه داده و هدف های خویش را دنبال کرده است. در نخستین مقاله ای کتاب « جنبش دموکراتیک بین المللی

زنان، افغانستان با چهره هایی از زنان مبارز، آگاه و درد مند آشنا می شویم که درفش مبارزه را تا امروز بیروزی بر زمین نگذاشته اند. به پیشواز مرگ و شهادت رفته اند اما از شرافت و حیثیت انسانی دفاع کرده اند خواستار حقوق خود شده اند که در سراسر تاریخ به وسیله ی مشتق از زور گویان یا مال شده است. درین بخش کتاب نشان داده می شود که چگونه زنان سراسر جهان در آسیا، افریقا، امریکای لاتین صف های خود را فشرده تر کرده اند در راه به دست آوردن حقوق خویش بسیج شده اند. خواننده با بررسانی های زنان مبارز جهان مبارزات پیگیر و د و امدار شان، شهادت های بی نظیر شان آشنا می شود. درین بخش نمایانده می شود زنان چه قهرمانی هایی در ویتنام، فلسطین و افریقا و الجزایر نشان داده اند. با ریختن خون های گرم خویش همچنان درفش آزادی را بر افراشته نگاه داشته اند. در رابطه با این مقاله عکس هایی از اوژنی کونون شخصیت برجسته اجتماعی فرانسه و اولین رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان، تصویری از نخستین کنگره تاریخی زنان که بتاريخ ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ در پاریس کنشایش یافت. عکس از همپن کوس نین شخصیت برجسته فنلند و دومین رئیس فد راسیون سوئین رئیس فد راسیون دموکراتیک بین المللی زنان که تا اکنون ریاست فد راسیون را به عهده دارد نشر شده است که برای خواننده علاقمند جالب است

و با فیاقه های سر شناس جهانی آشنا میشود که همه ی نیروی خود را در راه رزمندگی و دفاع از حقوق زنان صرف کرده اند. فد راسیون جهانی زنان اکنون به سازمان پر قدرتی در سراسر جهان مبدل شده است که با قاطعیتی تمام از صلح، آزادی و عدالت اجتماعی دفاع می نماید. همچنان این بخش کتاب با تصویر ها و عکس هایی از برگزاری سوئین کنگره زنان منعقد کو پنهانگ، کنگره مسکو که در آن بیش از دو هزار نماینده از یکصد و سیزده کشور استراک وورزیده بودند، گرد هم آیی برلین که تحت شعار صلح، مساوات و انکشاف برگزار گردیده بود آراسته گشته است.

دو مین مقاله این رساله « ار گانه های رهبری کنشده فد راسیون دموکراتیک بین المللی زنان را » مورد مطالعه قرار داده است. که برای خواننده علاقمند بهترین منبع معلوماتی درین زمینه می تواند باشد. « مبارزه برای صلح و خلع سلاح به منابه یکی از وظایف عمده ی جنبش بین المللی زنان » نام سو مین مقاله ای این رساله است که آغاز چنین دارد:

« صلح نیاز مندی همه خلق هاست. و لی زنان به آن بیش از هر کسی نیاز دارند. »

سطوری را که در زیر می خوانید آخرین کلمات زبانی است که بدست و حشیان هیتلری نابود

شده اند. «
مادر عزیزم!
نوشتن آخرین کلمات ز ندگی کار خ
دشوار است. تا خود آگاه همه خا طرات
انسان زنده می گردد و بهترین آنها درد
فرسایی را بیار می آورد. درین روزها
من ناگزیرم تا بخود بگویم. « با شناسایی
باشی به زانو درنیا. « مادر جان! شجاع
من نیز تلاش خواهم کرد تا دلاور باشم.
« انا » دختر

« انا » که ۲۹ سال داشت در پراگ
۱۲ می ۱۹۴۴ به دست اسفاکگران هیتلری
باران شد.
عزیزم میمه!
مادرت برای همیشه از نزدت میرود
در آخرین د قایق ز ندگی در عالم خیس
با دوست. دختر نازنین و بی نهایت د
داشتنیام تلاش کن دختر خوب باشی به
هایت توجه کنی واز ماما هایت همیشه
بردار باشی آ نان را مانند من دوست
باش! من به آرامی میروم به همه دور
و نزدیکان ما بگو که مرابه خاطر گناه بزرگ
مصیبتی که برایشان بیار آورده ام ببخش
تو نباید گریه کنی. من هیچگاه برایت
لنگ نبوده ام. و قتی که بزرگ شدی
چیز را خواهی فهمید یگانه خواهشم از
اینست که خوب درس بخوانی، روحم
باتو خواهد بود.

مادر بدبخت تو « گاریکی میر
او به سن ۲۸ سالگی به تاریخ اول نو
۱۹۴۴ در ایتالیا بدر آویخته شد.
مادر جان، مادر!
عزیزم لعظه ای فرامی رسد که با ز
برای همیشه و داغ می گویم. همه د
عارا حالا دیگر به عقب گذاشته ام رنج
از گمانسن کوچکم دیگر به پایان رسیده
از خاطرش تشویشی ندارم. میدانم که
به دست های مطمئن تو سپرده ام. مادری
به من وعده بده که به خاطر او با روحیه
مطمئن ام که تومی توانی این طور باشی جهان
همانطور که توانسته ای همه رنج ها و محروم
های زندگی را با شکیبایی تحمل نمایی. مادر
درست نیست مادر جان؟

مادر. مادر یگانه ام؟ عشق بزرگم که با
همواره در حلقه خواهد داشت. بهمان چنین
دلاوری باش که همین لعظه من می خواهم با بلکه
این دختر مبارز « خلیده گویی. در بار خو
چار سالگی به تاریخ پنج اگست ۱۹۴۳ تعداد
برلین تیر باران شد و گمانسن شو عر اهلک
۱۹۴۲ به دار آویخته شد.
این واقعیت هایی است اندو عبار و درسه کنش
که سیمای ضد انسانی امپریالیسم و روی کل
این سکه فاشیسم را نشان می دهد که
تباهی انسان و انسانیت کمر بسته اند. حق
آزاد در اتحاد شوروی. عنوان مقاله بر خواننده
بقیه در صفحه ۵۰

ششمین سی و ششمین سالگرد
ملل متحد

حقا یقی چند بار روی ملل متحد

تمام آن منحیت عنصر فعال در حیات بین المللی است. طی سال های اخیر ملل متحد در بسا موارد بیاد انتقاد گرفته شده، در بعضی از این انتقادات سؤنیت مضمون نبوده، ولی برخی از عدم آشنایی با آن و بسا دلایل سیاسی سرچشمه گرفته اند. انتقاد واقع بینانه و سازنده برای موثریت هر يك از موسسات يك امر لازمی است. مگر انتقاد مبتنی بر اطلاعات نادرست نه بحال موسسه ملل متحد مفید است و نه به جامعه جهانی.

ملل متحد در تغییر او ضاع جهانی چه کرده میتواند؟

دنیاى امروز دستخوش اختلاف شك و تردید است. شعله های اختلافات منطوقی در شرق میانه، قبرس و بسیاری از نقاط افریقا و هند و چین باز هم زیاده می کشد. مصارف تسلیحاتی باز هم بلند می رود و مسابقه تسلیحاتی باز هم لجام زده نشده است. در همزدگی نظام اقتصاد بین المللی ادامه دارد و شکاف بین غنی و نادار به وسعت همیشگی خود باقی است. تبعیض نژادی ملیون ها انسان را در افریقای جنوبی از حقوق ذاتی خود محروم میسازد و حقوق اساسی تعداد بیشمار مردم در اکناف جهان به ذرایع مختلف با مال می گردد. ملیون ها نفر دیگر در پنجه آفات سماوی و تعدی سیاسی در جستجوی منزل ملجا اند. در عین حال با پروبلم های جدید و جدی دیگری چون حفاظت محیط زیست انسانی، تامین نیرو و ضروریات جهانی که نفوس آن تا پایان قرن قریب دو برابر خواهد شد مواجه می باشیم و گذشته از همه هیولای هستوی همچنان بر سر ما سایه می افکند.

بسیاری از مردم، ملل متحد را مسوول وضع کنونی جهان می دانند ولی چنانچه قبلا تذکار یافت، ملل متحد حکومت جهانی نیست و صرف در صورتی می تواند دست بکاری بزند که کشور های عضو در مورد تصمیم بگیرند این کشور های عضو اند که به ملل متحد اراده سیاسی برای عمل، پول، کار مند و مواد و جهت می دهند در صورت فقدان هر يك از این عناصر ملل متحد نمی تواند با مشکلات موفقانه پنجه نرم کند، البته از کشور ها توقع برده شده نمی تواند که با هماهنگی کامل و مداوم کار کنند.

ملل متحد در گذشته چه کارهایی را انجام داده است؟

در ۳۶ سال گذشته ملل متحد کار های زیادی را انجام داده است، بعضی از موفقیت های آن در مطبوعات بخت در دست منعکس گردیده مگر اکثر کار های آن تبلیغ نشده است. زمانیکه منشور ملل متحد امضا گردید خود ارادیت، یعنی حق حاکمیت مردم و حق انتخاب روش زنده گی شان يك هدف بود، ملل متحد این هدف را در مقابل وجدان جهان نگهداشت امروز این هدف در اکثر سرزمین های

که سابق تحت استعمار بود تحقق یافته است میانجی گری ها و فکوت های حفظ صلح در کنترل نمودن یا پایان بخشیدن به برخورد و اختلافات در بین کشور های عضو در بسا نقاط جهان نقش داشته اند.

ملل متحد در سال ۱۹۴۸ اولین اعلامیه جهانی حقوق بشر را در تاریخ آموین نموده و متعاقب آن دو میثاق دیگر را تصویب نمود، که حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی مندرج در اعلامیه جهانی را شرح داده و به تامین آن کشور های عضو را قانوناً متعهد میسازد. این میثاق ها در سال ۱۹۷۶ نافذ گردیده و شامل ترتیباتی غرض رسیده گی به شکایات و عدول از موازین حقوق بشری می باشند.

در جوکات ملل متحد و سازمان های مربوط آن کنوانسیون های زیاد دیگری که تحت آن کشور ها تامین حقوق خاص را تعهد می نمایند به امضا رسیده است. مثلا کنوانسیون های قتل نوع، حقوق سیاسی زنان، برده گیری و برده فروشی، کار اجباری، حیثیت مهاجرین، از بین بردن تبعیض نژادی و غیره.

در ساحة اقتصاد و مسائل بشری و اجتماعی موفقیت های مهم ملل متحد قابل ملاحظه اند. تحت يك عملیاتی که از طرف موسسه صحت جهانی انجام یافت چیچک محو گردید. به کوشش موسسه مواد غذایی و زراعت يك سیستم اخطار قبلی در برابر کمبود های احتمالی حیوانات و مواد غذایی دیگر بر اه انداخته شد. از طریق صندوق اطفال ملل متحد و موسسه صحت جهانی به چهار صد ملیون طفل در برابر امراض مهلك و معیوب کننده معافیت داده شد. عملیات خطوط هوایی جهان در نتیجه قوانین و مقرراتیکه روی آن در جوکات موسسه فضا نوردی ملکی موافقت بعمل آمده محفوظ تر گردیده است. در تطبیق تقریباً هشت هزار پروژه انکشافی از طریق پروگرام انکشافی ملل متحد معاونت بعمل می آید، معاونت به پناهندگان از طریق کمشتر عالی ملل متحد انجام داده می شود، معیار هایی که از طریق موسسه بین المللی کار تثبیت گردیده شرایط حیات را برای ملیون ها کارگر در اطراف اکناف جهان بهتر و محفوظ تر ساخته است، آبدات گران بها چون معبد ابواسمعیل در مصر و اکروپولس در یونان به کمک موسسه تعلیمی علمی و فرهنگی ملل متحد از تخریب و نقص حفظ میگردد.

کوششهای ملل متحد در امر حفظ صلح

فعالیت های حفظ صلح ملل متحد یقنا در جلو گیری از بروز مجدد تصادم و تمدید برخورد ها در تعدادی از نقاط بحرانی جهان موثر واقع شده است. ملل متحد از بدو تاسیس، بازنده عملیات حفظ صلح را در نقاط مختلف شرق میانه در قبرس، در کشمیر در جمهوری دومینگا، و در گواتمالا (فعال ز ا ی ر) بر اه

این عملیات معمولاً به تعقیب برخورد های مسلحانه بین متخاصمین و در خواست ملل متحد برای آتش بس بر اه انداخته اند و هدف عملیات حفظ صلح بطور عمومی شامل رعایت و نظارت از رعایت مقررات او ریند، جلو گیری از تجدید برخورد، و در اکثر موارد تسبیل دست یابی به حل صلجویانه اختلاف میباشد. در اکثر عملیات حفظ صلح این مامول های مهم تحقیق یافته اند.

تشکیل قوای اضطراری ملل متحد در سال ۱۹۷۳ برای ثبوت مفیدیت عملیات حفظ صلح ملل متحد مثال خوبیست در ماه اکتوبر آنسال باز هم بین مصر و اسرائیل تصادم واقع گردید. وبا شدت جنگ بحرانی پدید آمد که خطر شمول قوای بزرگ را درین برخورد به میان آورد. تشکیل قوای اضطراری ملل متحد توسط شورای امنیت بتاريخ ۲۵ اکتوبر ۱۹۷۳ و رسیدن اولین واحد های این قوا در ظرف سی ساعت در صحنه عملیات به رفع ایسن خطر بزرگ تقلیل تشنج، و اعاده آتش بس کمک نمود.

شورای امنیت در عملیات حفظ صلح ملل متحد صلاحیت اعمال قوه را تفویض نکرده است و چنین عملیات بایستی به اصل توافق مبتنی باشند. چنین عملیات صرف به موافقه شورای امنیت (وازی نیرو به موافقه قوای بزرگ که در شورای امنیت از حق ویتو برخوردارند) بر اه انداخته شده میتواند. باین دلیل ملل متحد نتوانست در بعضی از برخورد ها چون جنگ ویتنام دخالت نماید، همچنان بدلیل اینکه ملل متحد مجبور است از اعمال قوه اجتناب نماید و از تشویق و ترغیب کار بگیرد، عساکر ملل متحد جز در موقع دفاع از خود به جنگ مبادرت ورزیده نمی توانند.

عملیات حفظ صلح ملل متحد هنگامی موثر واقع متعهد همکاری نیز میشوند. اگر این معمولاً این همکاری وجود داشته است زیرا جوانب ذیدخل با قبول دخالت ملل متحد در واقع متعهد همکاری نیز میشوند. اگر این همکاری باز هم صسورت تکبیر از برخورد جلوگیری شده نمیتواند حوادث لبنان شاهد این مدعا است.

اکثراً عملیات ملل متحد پس از اجرای ماموریت آن خانه می باید فعلا علاوه زدو هیات مشاورین سه ماموریت حفظ صلح در قبرس، ارتفاعات جولان، و جنوب لبنان در جریان است وضع در قبرس و ارتفاعات جولان پس از یکسلسله بر خورد ها آرام است و دلیل عمده آن حضور قوای حفظ صلح ملل متحد درین نقاط میباشد. در جنوب لبنان تشنج وجود داشته و برخورد های مسلحانه گرا را بوجود می بینند ولی قوای ملل متحد از شعله وور گردیدن تصادمات وسیع که احتمالاً بسرعت از کنترل خارج خواهد شد جلو گیری نموده است.

بقیه در صفحه ۵۲

سوابق

تاریخی

سیستان

حواشی اراضی مرتفعی است که ازدامنه های نواحی کوهستانی غور شروع شده و بطور تشیب بطرف جنوب امتداد یافته است طول اعظمی سیستان تقریباً (۱۰۰) میل و عرض آن از (۷۰) تا (۱۰۰) میل بوده و مساحت آن در حدود (۷۰۰۶) میل مربع میباشد .

قبل از آمدن اسکائیان در سیستان امور چیزیان (شاخه از ساکس های قدیمی) در سیستان متوطن بودند . صورت آمدن و وقت ورود آنها در این حوزه بدرستی معلوم نیست پیش از ورود اسکائیان این منطقه در انجیان یاد میشد جاج پترتیت در بناره می نویسد: زری نام بسیار قدیم سیستان خواهد بود که مورخین یونانی و مولفین لاتینی از آن در انجیانا ساخته اند . این نام توسط مورخین که سفرنامه های اسکندر را نوشته اند به غرب راه یافته است اعراب هم در وقت فتح سیستان بنام زری برخوردند و آنرا زرنج خواندند . اکنون هم کلمه زیره بیک ناحیه فرو رفته در جنوب سیستان که آنرا گودزیره یا فرو رفتگی زیره می نامند اطلاق میگردد این نام وقتی محقق شد که کتیبه مشهور داریوش زرنکه بعبث نام قدیمی سیستان کشف گردید .

در حوالی ۱۷۵ قبل از میلاد در عهد (ابو کراتید) پادشاه یونان و اختری مهاجرتهای قبایل (سیستی) یا ساکس ها از شمال شرقی آغاز شده

سیستان باستان حصه بی از جنوب غربی افغانستان و قسمتی از حاشیه شرقی ایران امروز را احتوا می نمود راجع به حدود سابق آن بین مورخین و جغرافیه دانان اختلاف نظر موجود است ولی این واضح است که سیستان در سابق یک ناحیه وسیعتر را نسبت به امروز احتوا میکرد .

ایالتی را که ساکس ها در او آخر قرن دوم قبل از میلاد اشغال کردند و به تعقیب به نام ایشان (ساکستان) نامیده شد . تقریباً هلمند وسطی را نیز در بر میگرفت البته به یقین نمیتوان گفت که در دوره های مختلف کدام نواحی مربوط به سیستان بوده اند این واضح است که در سابق قسمت های قندهار نیز بعضی اوقات در زیر این نام آمده است و در جغرافیای حافظه آبرو اولین شهر معرفی گردیده است .

سیستان معاصر یک ناحیه نسبتاً فرورفته را در بر میگیرد . این ناحیه را از طرف جنوب دامنه های شمالی کوه سلطان و کچه کوه واز سمت غرب تشیبهایی تپه های بلند و پندانه احاطه نموده است و از جانب شمال نواحی حاصلخیز قلعه کاخ فراه و سبز واد (شین دند) امروزه آنرا از حوزه حاصل خیزهرات مجزا میسازد . از طرف شرق سیستان محدود به

واز ماورای سیحون به سفد یانه سرازیر گردیدند اولین موج این مهاجرتها توسط اسکائی ها به ماورا لنبر فرو ریخته و متعاقباً

باعتبار از جیحون ایالات باختر را فرا گرفت وقتی این موج راه غرب رادر پیش گرفت باسندی از قدرت اسکائی پارتیا تصادم نمود بناچار بطرف جنوب سرازیر گردید و سیستان

و قندهار را ملامت نمود . از همین اوان بود که در انگلیسای قدیم بنام اسکائی ها (ساکستان) خوانده شد . مورخین عرب

ازین اسم (سجستان ساختند) که نام موجوده سیستان از آن مشتق گردیده است . اسکائی ها نیز بتدریج از سیستان و قندهار تا حوزه

سند پیشرفتند . انتشار اسکائی های داخلی و حملات دولت اسکائی پارتیا سبب شد که مرکز یک دولت یونانی باختری در ۱۳۵ ق.م

از شمال به جنوب هندو کش انتقال یابد و در اواخر قرن اول قبل از میلاد بکلی منقرض گردید .

پارتیها و اسکائی ها از اواخر قرن دوم قبل از میلاد ۱۳۰ ق.م تا اواخر قرن اول میلادی (۷۵ م) در ایالات سیستان - قندهار و حوزه

سغلی سند حکومت مستقل داشتند که باوصف موجودیت مسکوکات شان تاریخ آنها تاریک است .

در دوره ساسانیان - آرد شیر موسس این خاندان ساکستانرا نیز ضمیمه قلمرو خود گردانید ولی این ارتباط دوام نکرد و ساکس

هادر عهد ساسانیان بیشتر متحد و متفق آنها بودند تا اینکه رعیت شان باشند . بهرام

دوم سیستان را بار دیگر فتح کرد و بهرام پسر خود را بعبث حکمران این ناحیه مقرر نمود و اسم آنرا ساکانشاه گذاشت . در عهد

شاپور دوم ساکس ها باز از زیر نفوذ ساسانیان خارج گردیده و حیثیت متحد ایشانرا اختیار کردند .

رویداد های مهم تاریخی در سیستان از جمله اعراب آغاز میگردد - اعراب در عهد حضرت عثمان (۶۴۴ - ۶۵۶ م) تحت قیادت

عبدالله بن عمر داخل آریانا گردیدند و زرنج مرکز سیستان را بمحاصره کشیده آنرا فتح کردند . در مرحله اول برای اداره آن از طرف

خلافت ربیع بن زیاد موظف گردید ولی مردم سیستان بزودی علیه او قیام نموده او را از سیستان خارج کردند . خلیفه والی دیگری را

بنام عبدالرحمن بن نمره باداره سیستان موظف ساخت . وی زرنج و بست را فتح نموده و بست را مرکز اداره خود قرار داد .

از آن بعد اعراب برای مدتی هم از سیستان مایه - باج و خراج میگرفتند و هم از آن

منطقه بعبث مرکز سو قیادت حربی خویش فتوحات نقاط دیگر استفاده مینمودند . دوره تسلط اعراب نهضت های آزادی در سیستان اوج گرفت . این نهضت در اول اعراب را از لحاظ اداری به مشکلات ساخت . و به تعقیب سیستان تحت فرمان یعقوب لیت صفاری که از باشندگان این حوزه بود از تصرف اعراب خارج و بعبث یک قلمرو وسیع ظهور نموده مناطق زابلستان - کابلستان - تخارستان - بلخ - نیشابور - کرمان - طبرستان و غیره بان ملحق گردید . در عهد صفاریان پایتخت امپراتوری و بست معروفترین فرهنگ آن زمان بشمار میرفت .

در دوره غزنویان نیز این حوزه اهمیت را از دست نداد . سبکتگین پدر محمود جغرافیای آنرا درک نموده و بان توجه داشت . محمود غزنوی سیستان را بعبث گاه خود تعیین کرد تا ازین جا به سپهر وقت کم قوای خود را به سیستان - فتوحات هند سوق دهد . علاوه بران نگهداری قیل ها و اسپ ها که در مهمترین قوه نقلیه بشمار می آمد نیز بسیار مناسب بود . پس از وفات پسرش مسعود تاسیسات خود را در سیستان بخشید و قصر باشکوهی برای خود ساخت که به کشک سلطانی معروف است . قلب کشور و پایتخت دوم امیر اطوار محسوب میگردد . پس از مسعود غزنوی روبه ضعف گذاشت و سرنوشت هم آهسته آهسته دگرگون شد .

اولین حمله مغول در سیستان در میلادی چینیکه تولی خان مصروف تخریب خراسان از قبیل - نیشابور و هرات بود گرفت در حین این جنگها یکعده از مغلب سیستان متوجه و مرکز آنرا که مقر نصرت الدین بن بهرام شاه حرب بود به کشیدند ولی موفقیت بدست نیاورده کردند و ملک نصرت الدین درین جنگ شد .

حمله دوم با مرا و کنای بقیادت دو نفر متصدار او (منگده چربی و سعیدی چربی) در سیستان صورت گرفت درین حمله مغلها نهر سیستان را با برج و باره آن منهدم و بیشتر نفوس شهر را کشتند و خود بر گشتند . درین وقت ملک رکن الدین محمود بن حرب جانشین ملک نصرت الدین بود که ضمن این حمله با تمام خاندانش از بین رفت .

در سال ۱۲۲۷ م بار دیگر قشون مغل به سیستان سر از یر شدند - نیا لتگین در ارگ سیستان محصور گردید و یکسال و هفتماه با سپاه مغسل جنگید . نیالتگین درین جنگ زخمی - اسیر و بعدا کشته شد قلعه مذکور را سپاه مغل فتح کرده تمام مدافعین را کشتند و آبادی های سیستان را تا جائیکه توانستند ویران کرده از آنجا رجعت نمودند .

بار دیگر در ۱۲۳۲ - ۱۲۵۳ م او کنای خان طاهر خان بهادر افسر سپاه مغل مقیم بادغیس را برای از بین بردن فراهه حاجب یکی از افسران سلطان جلال الدین که جنگهای گوریلانی را علیه مغل راه انداخته بود مامور ساخت فراهه حاجب با طاهر بهادر جنگید ولی اختلاف داخلی امرای مغلی باعث مراجعت طاهر بهادر از سیستان گردیده و مردم سیستان عجالتا آرامش یافتند .

بعد از تخریبات مکرر مغل در سیستان - شهر جلال آباد مرکز جدید امرای محلی سیستان فرار گرفت تا آنکه امیر تیمور گورکانی آخرین جهانگشای مغولی در ۱۳۸۳ م سیستان را ویران کرد . او نه تنها جلال آباد و بندرستم را که در یک منزلی شهر زرنج از رود هلمند کشیده شده بود - ویران کرد بلکه سیستم آبیاری را نیز در آن منطقه طوری از بین برد که بعدا کسی از توان نماند که آنرا گاهلا احیاء نماید .

شواهد چنین میرساند که در قرن ۱۷ و ۱۸ باین حوزه کمتر توجه شده ساکنین سیستان نتوانسته اند از هجوم و انتقال ریگ که توسط باد های ۱۲۰ روزه از سمت شمال غرب به جنوب شرق بسرعت متوسط ۵۰ کیلو متر فی ساعت منتقل میشود جلو گیری نمایند .

باین ترتیب بعضی از شبکه های آبیاری که پس از تخریب تیمور لنگ دوباره اعمار گردیده بود توسط ریگ مسدود شده و یکتو خاموشی برا کثر حصص سیستان حکمفرما گردیده است که تا هنوز ادامه دارد . از لابلای وقایع تاریخی چنین معلوم میشود که ولایت سیستان در گذشته معمولا جزء امپراطوری

های بوده است که مراکز آنها گاه در افغانستان و گاهی در ایران امروزی واقع میبود . گاهی نیز سیستان مستقل و خارج از حوزه نفوذ دیگران مانده است بعضا نواحی همجوار تحت تاثیر و کنترل سیستان نیز در آمده است . در دوره صفاریان ولایت همجوار سیستان از قبیل زمینداور سزابلیستان - خرچ و حوزه های مجاور از طرف شاهان صفاری که از مردمان بومی سیستان بودند کنترل و اداره میگردد . بعد از قتل نادر افشار سیستان در ۱۷۳۶ م مربوط قلمرو امپراطوری احمد شاه ابدالی گردید احمد شاه ملک سلیمان کیانی را بهیئت حکمران سیستان مقرر کرده با دختر ملک مذکور ازدواج نمود . در مورد بدست آوردن قدرت بین ملک سلیمان و بزرگان سر باندی و شهره کسی

قدرت در سیستان بدست خوانین محلی افتاده و از جانب دیگر حوزه مذکور موضوع مناقشه بین امرای هرات و قندهار گردید . در ضمن این مناقشات علیخان یکی از سرداران سرباندی در سیستان با حکومت فارس متحد گردیده و برچم دولت فارس را بر فراز قلعه خویش در سه کوهه بر افراشت . علیخان تسلط دولت فارس را در آنجا قبول نمود و در ۱۸۵۳ پسر خود را نیز بهیئت گروگان به مشهد فرستاد ولی حکمرانی علیخان در آن منطقه طرف نفرت سیستانیها قرار گرفته و علیخان طی یک حمله در ۱۸۵۸ - در قلعه خود کشته شد . خانمش نیز درین حادثه زخمی گردید تاج محمد خان پسر سر دار محمد رضاخان برادرزاده علیخان که در واقعه قتل هم دست داشت بجای علیخان قدرت را تصاحب نمود . بیوه زخمی ذریعه نفرت

کهک موثر داده نتوانست ولدا تاج محمد خان دو باره بدولت قا جاری متصل گردید . در ۱۸۶۵ م دولت قا جاری بنام سر زوش ازادخان که در سیستان خاص علیه کیانی ها به اقدامات دست زده و انارشی ایجاد کرده بود عسکر فرستاد در ۱۸۶۶ م حکمران کرمان با امر خصوصی دولت قا جاری بانجارت و مظفر الدوله نیز بقیادت دولت عسکری زرنج در جوار هامون فرستاده شد باین صورت به تدریج قسمت اصلی سیستان توسط عساکر وقوه حربی قا جاری اشغال گردید به تعقیب یکتعداد پسران و اقارب خوانین سیستان خاص به تهران فرستاده شد و در موقع ملاقات حکمران مشهد از سیستان - تاج محمد خان و برادرش کهندل خان نیز گرفتار و به مرکز اعزام گردیدند . در طول این مدت در افغانستان خانه جنگی



ها و اغتشاشات داخلی جریان داشت . (شورش مهمند در ۱۸۶۳ م) و هم برادران محمد زانی بر سر بدست آوردن اقتدار بگردن هم افتاد . بودند (سردار محمد اعظم خان - سردار محمد افضل خان - سردار محمد امین خان امیر عبدالرحمن خان و امیر شیر علی خان از ۱۸۶۳ م تا ۱۸۶۷ م نه بار بر خورد نمودند) . لذا شیر علیخان فرصت بدست نیامد تا با دولت فارس تصفیه حساب کند حکومت فارس از موقع استفاده نموده و سیستان اصلی را کاملا اشغال نمود . در پایان شورشهای داخلی امیر شیر علیخان عزم داشت موضوع را از طریق استعمال قوه حلو و فصل نماید ولی حکومت انگلیس حکمیت بر قضیه را بردوش گرفته و مانع این حرکت شیر علیخان گردید . (پایان بخش اول)

خاص دولت فارس به تهران برده شد . اما در جهت بر طرف تاج محمد خان باوصفی که در واقعه قتل مظنون واقع شده بود اقدامی بعمل نیامد تاج محمد خان برای مدتی بدون ارتباط با دولت فارس بصورت مستقل حکمرانی نمود مگر در ۱۸۶۲ م از پیشرفت امیر دوست محمد خان امیر افغانستان به صوب هرات بخوف افتاده و تابعیت خود را بدولت فارس اعلان نمود . امیر دوست محمد خان در ۱۸۶۳ م مرد و به جایش امیر شیر علیخان بقدرت رسید در همین وقت بین تاج محمدخان و امیر شیر علیخان که حکومت فارس بانجا اعزام کرده بود اختلاف واقع شد و این امر باعث گردید که تاج محمد خان به افغانستان متعایل شود ولی شیر علیخان که مصروف امور داخلی بود به مردم سیستان

(که نادر آنها را از فارس به سیستان منتقل ساخته بود) نفاق وجود داشت همین مخالفت ها باعث گردید تا با لخره تیمور شاه دراتی قدرت را از سلسله کیانی سلب کرده و به خوانین شهر گی بدهد بعد از مرگ تیمور شاه حکمرانی سیستان تحت اداره و کنترل حکمرانان افغانی در لاش وجوین برای ملک بهرام از سلسله کیانی اعاده گردید . مبارزه بین سرداران قبایل سر باندی و شهره گی بلوچ و سلسله کیانی ادامه پیدا کرد تا آنکه در ۱۸۳۸ م جلال آباد آخرین حکمران کیانی از باز ماندگان بهرام توسط سر باندیها از سیستان تبعید گردید از بن تاریخ بعد

تشدید بیکاری در آلمان فدرال

عرصه زندگي بر زحمتکشان در کشور های غربی ، به خصوص در آلمان فدرال روز بروز تنگتر شده ميروود . کار فرمایان و صاحبان فابریکه ها به عناوین مختلف بیچاره کارگران را با عالمی از مایوسی و نومیدی سبکدوش میسازند و همچو اتفاقات بیشتر در قسمت آنانی است که خواهان حقوق مسلم خود اند و نمیخواهند استثمار شوند .

به اساس يك گزارش ((ادیت و موسی و یزی لیبرت)) جوان بیست و نه علمی سالة آلمانی باوصف آنکه عایدش قابل زیاد چشمگیر نبوده و به مشکل دارد کفاف زندگي شبا روزی نامبرده هر فی را مینمود . در اواخر می سال جاری موصوف از کار جواب داده شد . و در «البته لیبرت» به عنوان اینکه طریقه وی به حزب مترقی آلمان فدرال بستاری بستگی دارد ، از کار رانده شد . و در هفته بعد آن زنش ((ادیت و یزی-لیبرت)) نیز به جهت همکاری با یکی از احزاب مترقی ، حقوق کارش در فابریکه از وی سلب گردید . و به وی تاکید گردید که منبعهده حق کار کردن را در هیچ مرجعی و لیبرتی ندارد . حتی کارهای بسیار خرد و بی ریزه از نزد آنانیکه اندیشه مترقیان داشته و طرفدار تامین حق و عدالت میباشند و دموکراسی اند ، گرفته قابل می شود تا باشد که جلوس بیداری بدارند انسان بو سیله انسان از طرف گونا گوسرمایداران کما فی السابق دوام (هنس) پیدا کند چنانچه ((لیبرت)) جوان نیمی بیست ساله ای که به سمت باغبان در کار در پرورش گلها در یونیورسیتی ((هولم)) مصروفیت داشت به صورت خاطر علاقمندی اش در يك کنفرانس جمعیت ترقی پسندان اشتراك ورزیده بود ، از اینرو حتی حق نگهداری گلها را برایش قایل اینک نشدند . هر گاه دیده شود که مثلا شخصی طرفدار خلع سلاح و ختم مسابقات تسلیحاتی میباشند ، نیز سخت مورد تگوش واذیت مقامات دولتی آلمان فدرال قرار میگیرد . یکتن از استادان بنا م ((جنس-))

راه مبارزه بر حق مردمان نامیبیا خود را سپیم میدانند و متیقن اند که مبارزه مردم نامیبیا به خاطر تامین آزادی ، پیروزی حتمی و زود رس در قبال دارد و شکست قطعی خواهد بود به سیاست نژاد پرستانه متجاوزین امپریالیستی و حامیان اوشان .

اشتراک کنندگان کنفرانس از نماینده مبارزین افریقای جنوبی باگرمی استقبال به عمل آوردند موصوف طی سخنرانی خویش گفت : ما به خاطر حقوق سیاسی و اقتصادی خویش مبارزه مینماییم تا با شد که مردم ما از فقر و تنگ دستی نجات پیدا کنند . همچنان رئیس کنفرانس ملی افریقا گفت : ((اگر سیاست محیلانه نیروهای امپریالیستی و حمایت انحصارات بین المللی از نژاد پرستان افریقای میبود افریقای جنوبی بسان تمام قاره ها میتوانست آزاد باشد . مردم نامیبیا به طور قاطعانه مستحق حاکمیت و آزادی اند و سرکوبی و ترور نمی تواند در راه مبارزه بر حق آنان سد واقع گردد . نماینده سیوا بو اتحاد تنگین نژاد پرستان افریقای جنوبی و واشنگتن را يك سیاست تنگین و بیشتر مانه خواند . کار چهار



گوشه ای از مبارزات مردم نامیبیا بخاطر دستیابی به آزادی و حاکمیت ملی

کمیسرین کنفرانس در مورد امور سیاسی ، اقتصادی ، نظامی و (سیپورتی و کلتوری) میان ایالات متحده امریکا و جمهوریت افریقای جنوبی آغاز گردیده است . وظیفه کنفرانس از جمله انشاء ائتلاف واشنگتن (اپریتوریا) نیز میباشند . بعلاوه طی میتنگ های متعدد سیاست نا پکا را نه ریگن بشدت تقبیح گردید .

این مطلب را ((ای .دی .فی .گربر)) نماینده دائمی انگولا در ملل متحد ضمن سخنرانی درین کنفرانس بیان داشته علاوه کرد : امپریالیستان مساعی به خرج میدهند تا زندگی مردم انگولا را دچار وحشت گردانیده و ادار به صرف نظر کردن از حمایت سوا بونمایند که ابد بدین آرمان نایل نخواهند آمد . امروز تمام مردم افریقا در

نازه های



از هفت اقلیم

تنظیم و ترجمه از : میر حسام الدین برومند

مساعی مردم نامیبیا بخاطر دست یابی حاکمیت و آزادی حتمی است

رخنه وارد آورد . آشکار است امریکا با دنباله روی از سیاست ستمگرانه و نژاد پرستانه خویش در صدد دامن زدن بیش از پیش ابر تاید ، تجاوزگری و نژاد پرستی است . ((تجاوز امریکا در انگولا خود گواهی است از سازش نیروهای امپریالیستی علیه آزادی افریقا .))

بدین تازه گی ها کنفرانس بین المللی به مقصد همبستگی با مردم مبارز جنوب افریقا در نیویارک دایر گردیده بود که در آن نمایندگان محافل اجتماعی ، اتحادیه های صنفی ، سازمان های مذهبی ایالات متحده امریکا ، موسسه ملل متحد ، هیئت کنفرانس ملی افریقای افریقای جنوبی ، سازمان مردمی جنوب غرب افریقا یعنی «سوا پو» وبعلاوه فرستندگان بسیاری دول جهان اشتراک کرده بودند . اشتراک کنندگان در مورد اهمیت کنفرانس گفتند :

((گرد همایی ما زمانی صورت میگیرد که دستگاه اداری ایالات متحده امریکا بیشتر از همه از سیاست ارتجاعی در راه مبارزه مردمان افریقای جنوبی به خاطر نهضت های ملی شان استفاده مینماید ، بایستی این گرد همایی ما بتواند انسان های صادق و مبارز افریقا را علیه این مشی یکبارچه سازد و آخرالمرمتی به پیروزی نهایی مردم این مرز و بوم گردد .))

یکی از مبارزین دلاور حقوق مدنی افریقا بنام چیسو یس مدعی شده گفت : واشنگتن سخت در تلاش است تا با دستن کثیف نژاد پرستان افریقای جنوبی ، مبارزه خلق نامیبیا را که به خاطر آزادی و حاکمیت شان میرزمند خفه ساخته و در نیروهای مترقی نامیبیا

بدین نازگی ها بی جهت و به طور بیرحمانه از وظایف شان بر طرف شده اند ، بعلاوه از فعالیت نازی ها در زیر نقاب پولیس در آلمان فدرال ، روشنی انداخت . گزارش حاکیست که اخیرا در هفده کشور اروپایی کمیته هایی به خاطر احتجاج علیه رشد بیکاری و تشدید مبارزات به خاطر بر طرفی این مسئله به راه افتیده است در کنگره -

نس های بین المللی و رسا نه های حقوق بشری ، صدای اعتراضات رسانتر شده است . کمیته ها برای نامین حقوق انسانی ودمو کراسی در آلمان فدرال تلاش پیگیرانه را آغاز کرده اند . چه امروز در آلمان فدرال مردم نمیتوانند به طور علنی درباره دمو کراسی و حقوق انسانی حرفی بر زبان آورند .



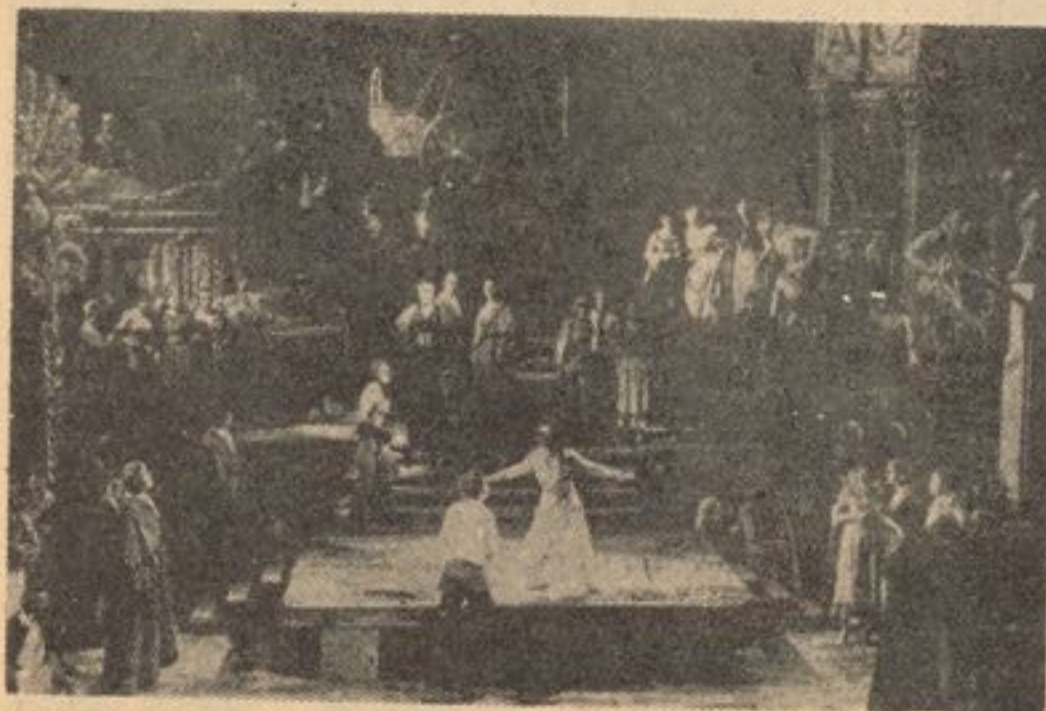
زن و شوهر هر دو خواهان حقوق کار بوده و علیه بیکاری اعتراض می کنند .

تجلیل از دو صد و بیست و پنجمین روز تولد موزارت

بیشمار ی از آثار وی نمایش داده شد ، از ((ابولو)) و ((ایاستتوز)) آن آثار موزارت که در یازده سالگی آفریده بود تا آثار هنری کاملاً پخته و استنادانه او در کنسرتی در (تیتوز) که نمایش اینهمه آثار خود گواهی است از منزلت و شکوه هنری آثار موزارت و محبوبیت او در جمهوری دموکراتیک آلمان ، موزارت در سندن فقط یکبار پاگذارده بود آنهم در سال ۱۷۸۶ . موزارت از (۱۷۸۶-۱۸۲۶) مدیر او براب بود . قویترین نمایش او آنزمان در شهر (هلپی) روی صحنه آمده بود . در رابطه با اثر متذکره موزارت در تجلیل از سالروز تولد مذکور ، انسامبلی تهیه گردیده بود که در پایان انسامبل به خاطر عظمت شامخ هنری موزارت تحایف فراوانی به روان این بزرگمرد موسیقی اهداء گردید . بعلاوه انسامبل متذکره بایستی از انسامبل تیاتر موزیک بقیه در صفحه ۵۲

شخصیت هنری نامور ((فولفگا- نک آمو دویس موزارت)) که بطور جاودانه نامش ماندگار در حلقه های هنری گردیده ، در محافل هنری برای خود همیشه جای خاصی داشته است که از سالروز تولد این استاد موسیقی چیره دست ، اخیرا در میان حلقه های هنری تجلیل شاندار بعمل آمد . در تیاتر دولتی ((خانه بزرگ)) نمایشات موسیقایی ((هاری کوپو به صحنه)) درآمد بود بنام « تصویری این نمایش که از روی آثار هنری موزارت استاد بزرگ موسیقی شهروین تهیه گردیده بود ، مقام شامخ هنری موزارت در نزد شرکت کنندگان سالگرد امسال موزارت رادر شهر در سندن بیش از حد گرامی تر گردانید .

باید متذکر شد که از ۳۲می الی دهم چون به مناسبت ۲۲۵مین سالروز تولد کمپوزیتور - چیره دست موزارت ، نمایشات



گوشه ای از محفلی که بخاطر تجلیل از ۲۲۵مین سالروز تولد موزارت در سندن برگزار گردیده بود .

اند ، سد شده و بزعم خود در راه پروسه خلع سلاح و صلح جهانی موانع ایجاد کرده باشند . تشدید بیکاری و سکندوشس ساختن کارگران شرافتمند که آرزوی جز خد متگذار شرافت مندانه و خلاقانه ندارند ، نه تنها در راه بیداری نهضت ترقی پسندان خلقی ایجاد نمیکند بلکه مردم صلح پسند و روشن نگر را به حقانیت اندیشه و مبارزات نیروهای مترقی بیشتر مطمئن میگرداند . امروز پیروزی نصیب آنانی است که در برابر نیروهای جنگ طلب قد علم کرده ، خواهان تأمین دموکراسی و محو قدرت های انحصاری در جهان اند و پیوسته مساعی به خراج میدهند تا ترور و آدمکشی جای خود را به آسایش و صلح بسپارد و نیروهای امریمنی امپریالیستی جز خجالت نرشته ای نداشته باشند .

((جیورج مارخیز)) سکرتر مسوول حزب کمونسنت فرانسه طی یک سخنرانی اش در (بارلمان اروپا) که آنجا نمایندگان مختلف حضور یافته بودند ، چنین گفت :

((بایستی تمامی نیروهای صلحدوست و مترقی در هر کجایی که خاکی که هستند در راه تأمین حقوق بشری بایستند و همچنان در جهت برهم گذاری بر جراحات آنانیکه در کشورهای ارتجاعی و امپریالیستی حقوق انسانی شان پامال می گردد . باید مساعی لازمه به خراج داده شود ، همچنان موصوف در قسمت حق تلفی بیش از (۴۰۰۰) نفر کارگری که

از آنجا بیکه يك شخصیت و سوسیالی دموکرات بود ، از مسلکی نه ملی طرد گردید و ورقه هم در بدش قابل دریافت داشت که او حق صلح دارد از تأمین صلح و خلع سلاح برده بر فی به زبان بیاورد .

موصوف در جنوری ۱۹۷۷ در مورد ختم مسابقات تسلیحاتی اینگونه نظریات نیکویی بایکی از زورنا - رالستان مترقی انجام داده بود . برخلاف در آلمان فدرال احزاب - مترقی و ارتجاعی ، اعمال ضد بشریت و ضد انسانی را مرتکب میگردند ، چنانچه از عرصه ده سال پیشو یکی از اعضای حزب نازی های جدید در ((بادن فور تمبرگ)) حازه یافته است به سمت مامور جمعی و لیسن ایفای و وظیفه بدارد ، از آن خرد و بی پولیس ها بیکه با اجرات غیر ترقی بانونی و ارتجاعی خود به نفع بدالت میریالستان فعالیت نموده و در فته قابل پاداش چشمگیری دریافت آری بدارند . یکی از فعالیت های آنان صرف گونه مثال حفاظت از جان دوام (هنس فیلدنگر)) یکی از قاضیان روانی می زیاد عوام فریب نازی هاست . اغیان بر گاه شخص از نزد محوطه محکمه سستی (مانهایم)) واقع در آلمان فدرال به نور کند ، مسلما آدم بیاد دسپلین نفرات - همقانه و تصامیم جا هلا نه زمان ستراک حنطه نازی ها می افتد .

احزاب وابسته به نازی که سل اینک بنام (نازی های جدید) خویشتن مثلا مسما ساختند معمولا در زیر ختم اسک ((پولیس)) به اعمال خیانت سد ، هیز و کاملاً بر از جنایت بزنگی قیامت شکن خود ادامه میدهند تا مگر گیرد . ولو اندیشه آنانیرا که طرفدار رقی اجتماعی و برابری و مساوات

باشد بلکه اگر مطالب و قضا یا با طفل در میان بگذاریم و او درست از موضوع آگاه سازیم این مطلب را به او بفهمانیم که چیست؟ و در زندگی چه نقش دارد و باید آنرا چگونه بدست آورد چگونگی به مخارج زندگی روزمره آنرا مصرف نمود به یقین کودکان را خلا کشیده و در روشنی قرار مدهیم، برعکس اگر در این باره توجهی و غفلت از خود نشان مدهیم بعد ها و وقتی کودکی ما دشواری ها روبرو می شود یعنی وقتی پول بدست می آورد نمیداند آنرا چگونه و در کجا مصرف کند یا به آن پول چندان ارزش قائل نمی شود مستثنا لیت این همه مشکلات بدوش ما ست پس بیاییم است این موضوع را خوب بررسی کنیم و در باره آن بیندیشیم:

بسیاری از پدران به این تصوراتند که وقتی می توانند اولاد امر تربیت نمایدند که بیوسته به امر و نهی کنند هر آن به اودست بدهند که این کار را بکنند و انجام آن عمل پر هیز نماید اگر این کار را انجام بدی بتو پسر خود خطاب می شود و در غیر آن تربیت منحیت- بچه نافرمان و بی تربیت می شناسند.

پدر و مادر از این امر غافل اند اطفال دوره ها و سنین مختلف پشت سر می گذارد و مثلا زمانی قدرت هیچ کار را ندارد اما فرسوده می رسد که طفل خیلی شوخ شود و لحظه آرام نمیگیرد که این وضع نماید خویی از صحت و سلامت کودک می باشد اگر طفل در گونه انزوا آرام می نشیند و آرام می نگردد گویا مریض است و باید جلو انزوا و گوشه گیری او گرفته شود باید طفل به اجتماعی و برای بازی با اطفال دیگر تحریک شود و برای خود همبازی و رفیق خوب بیابد خودش کارهای مربوطه خود را انجام دهد دخل و خرج خود را خودش ارزیابی کند مثلا پول دارد و آنرا به کدام ضرورت زندگی مصرف نماید به طور مثال اگر کتابچه و قلم ندارد باید او را خریداری کند و یا اگر گرسنه است باید آنرا خورد نی پساك صحی تهیه نماید اینها همه مطالب اند که گویا پدر و مادر می توانند برای طفل بیاموزاند و بتکرار بگویند تا ذهن نشین طفل گردد



اطفال امروز

اطفال و پول ؟

پول یعنی چه ؟ اما عیب کار اینست که اکثریت فامیل ها نه کودک را به ارزش پول متوجه می سازند و نه پول را بدست آنها میدهند تا مبادا پولکی شوند و به گرفتن پول عادت نموده و خدای ناخواسته ولخرج بار آیند .

اما راستش اینست که آشنا شدن اطفال به پول و ارزش های مادی آن نه تنها ضرورت حتمی می

باشد ؟ چون پول از وسایل زندگی روزمره همه افراد و اشخاص محسوب می شود و بدون پول (مگر پولیکه آبرو ریزی را سبب نگردد نمی شود همیشه خوب زیست .

روی این منظور فامیل های گرامی وظیفه دارند تا اطفال خویش را به این موضوع ملتفت سازند که

از آن جایکه پول تا مین کنند معیشت زندگیست لهذا اطفال که آینده سازان جوامع بشری می باشند و در آینده مسئولیت های زندگی و فردی و فامیلی به عهده ایشان می باشند با یست ارزش و اهمیت پول را درک کنند پس پدران و مادران است تا اطفال خود را متوجه این امر بسازند که پول چیست ؟ چگونگی بدست می آید و راه های مشروع پول اندوزی کدام های



حتی هنگام صرف غذا در دورمیز این مطلب به اطفال تفهیم شود که این همه وسایل دور و پیش کودکان وسایل زندگی روزانه و این همه غذاها و خوراکی ها با پول تهیه شده و در برابر آن پول تادیه گردیده است.

اطفال و ترافیک

طفل این همه خواسته های مشروع پدر و مادر را آویزه گوش نموده و لحظه ای از آن خواسته ها کنار نرود. خواست هر پدر و مادر همین است که پسر خود را خوب و بسا تربیه و دارای همه خصلت های انسانی تربیت و پرورش دهند مگر ازین هم غافل نباشند که اطفال نیز خواسته های و آرزوهای دارند که باید به آن ارزش قایل شوند اینک همه گناه را به دوش کودک بیندازند و یکطرفه قضاوت نمایند.

از آن جایکه درین بحث طفل را در ارتباط با پول صرفه جویی و مصارف آن مورد ارزیابی قرار میدهیم، بهتر است تا درین مورد مفصلتر صحبت نماییم.

۱- پول از کجا بدست می آید؟ نکته مهم و اساسی اینست که از همان چار- پنج- سالگی با یدبه کودکان آموخت که پول چیست و چگونه و از کجا بدست می آید و هم به آنها تفهیم شود که پول پدر و مادرش نامحدود و بی حد و حساب نیست و آنها نمیتوانند هر قدری دلشان خواست از بانک و یا از محل کار و اداره پول بگیرند، پدر و مادر در برابر کار یکمی کنند مقدار معین پول بدست می آورند همان مقدار پول را با عرق جبین و آبله دست کمایی می کنند نباید اطفال در برابر آن بی تفاوت باشند بلکه در برابر آن پول خیلی محتاط بوده و نیازهای او لسی را با آن مرفوع سازند و از آن پول باید همه افراد اعضای خانواده مساوی یا نه مستفید گردند.

اینها و همه مطالب دیگر با یدبه زبان ساده و طوریکه بتوانند احساس کودکانه طفل را تحریک کند به او گفته شود و مثال های روشن و آمو زنده که بتوانند طفل را قانع سازد ارائه بداریم مثلاً اگر بخواهیم پول زیاد را درین ماه به خریداری اسباب بازی تو مصرف نماییم در آن صورت غذا یا لباس نخواهیم داشت که در آن حالت ممکن است گر سنگی و سردی یا گرمی هوا ترا تکلیف بدهد و یا ترا مریض سازد که نتوانی طور شایده و باید با همان سامان و آلات بازی خود را مصروف سازی.

به یقین وقتی او بداند و آگاه شود که پول و یا آنچه که با پول تهیه می شود به آسانی بدست نمی آید

و کاریست نهایت مشکل و حتی غیر ممکن ازینجاست که کودک با همان اندیشه کودکانه اش به همه قضایا توجه داشته و به پس انداز، به سامان های بازی اش به لباسش و به همه مطالب که پول در برابر آن صرف می شود نهایت توجه داشته و به همه علاقمند خواهد بود و دزد ویرانی، شکستش و گم کردن سامان های بازی و غیره سامان آلات خانه جلو گیری نموده و کاری نخواهد کرد که سبب آزردهی پدر و مادر و سایر افراد فامیل گردد.

ارزش پول :

برای اینکه کودک از ارزش پول آگاهی داشته باشند با یدبه آن امکان آنرا میسر سازیم تا خودشان چیزی مورد ضرورت خود را خریداری نمایند در اوایل با ید خرید اشیاء خورد و آرزای قیمت که قیمت معین داشته باشد به آنها سفارش کنیم مثلاً خرید یک دانه قلم و یا یک بکس خورد را به عهده آنها واگذار شویم و پس از خرید باید دقت کنیم که بقیه پول را درست گرفته باشد، بعداً می توانیم خرید دو سه و چهار چیز مختلف را به او واگذار کنیم و از او بخواهیم که در موقع خرید توجه جدی مبذول داشته متوجه باشد تا اشیاء خریداری شده اش خوب، مفید و زیبا باشد.

با این عمل می توانیم یک کار نیک را به طفل یاد بدهیم و با این عمل کودک چیزهای را که لازم دارد با دادن پول می تواند بدست آورد. ثانیاً برای بدست آوردن هر چیز باید مقداری پول داشته باشد یعنی باید بداند که هر چیز قیمت و ارزشی دارد. راه دیگر اینست که کارهای کوچکی غیر از وظایف عادی و معمولی روزانه کودک را به او محول کنیم و شرط بگذاریم که اگر ایس کار را انجام بدهی در مقابل مزد و پاداشی حاصل خواهی کرد که می توانی به آن پول چیزهای خوب و مفید برایت تهیه کنی مثلاً اگر علف های باغچه را بکنی برایت پنجاه افغانی میدهم و یا اگر در شستن ظروف با مادر کمک نمایی بتو یک هدیه خوب خواهد داد.

بقیه در صفحه ۵۴

بایسکل سوران و عابرین پیاده نیز میشود.

۷- در انتخاب موتور را ن ها که به سرویسهای شهری سروکار دارند همواره کوشش شود که انسان های باتجربه با حوصله و با نزاکت تعیین شود.

به جرات میتوان گفت که علت اکثریت تصادمات در نتیجه عدم توجه به مقررات ترافیکی است و اکنون وقت آنست که پیاده رو و سوار پیش از پیش با پولیس ترافیک همکاری های لازم را انجام دهند. و بر رانندگان است که هنگام راندن باید مقررات ترافیکی را مراعات نمایند، اگر پیاده رو از هر نقطه سرک که بخواهد عبور کند همیشه این حق را از آن خود بدانند و فکر کنند که قانون ترافیکی منحصر به وسایل نقلیه است و آنها هیچگونه وظیفه ای ندارند. در اثر این بی اعتنائی وضع نابسامانی گریبانگیر ما و فرزندان ما خواهد شد که جان خود و دیگران را به خطر خواهد انداخت.

و یگانه راه علاج این کار آنست که خود و فرزندان را متوجه این نکته نماییم که باید مقررات ترافیکی را مراعات نماییم، و اگر امکان آن موجود باشد از مقامات ذیصلاح وزارت تعلیم و تربیه خواهش نماییم که تدریس مقررات ترافیکی در چوکت درسی مکاتب گنجانیده شود.

مثلاً اطفال که خود به مکتب می روند و مجبور هستند که برای رسیدن به مکتب و در راه بازگشت از چندین چهارراهی و دهلیز ترافیکی عبور کنند اگر این اطفال به مقررات ترافیکی آشنا نباشند با مشکلات زیاد روبه رو خواهند شد و همواره خطرات جانی آنها را تهدید خواهد نمود.

گسترش روز افزون شهرها، دوری مساحت بین خانه و محل کار سبب میشود که برای رفع این نقیصه فکری شود و نیز در داخل شهرها روز به روز تعداد موتورهای اضافه شده می رود و شهرهای بزرگ با مشکل زیاد ترافیکی روبرو میشوند و مشکل ترافیکی زمانی سخت تر میشود که رانندگان بابی توجهی به مقررات راهنمایی رانندگی و استفاده نامعقول از وسایط نقلیه، موجب تصادف می شود که این تصادفات خود بار ترافیک را سنگین تر می سازد. بی توجهی به مقررات رانندگی خطرات جانی برای هموعان پدید می آورد که اکثراً شنیدن آن انسان را متاثر می سازد.

امید است رانندگان و مردم این نکات مهم را مراعات نمایند.

۱- اجرای مقررات راهنمایی و رانندگی ضامن سلامت ما و اطفال ماست.

۲- پولیس به تنهایی قادر نیست بدون همکاری ما مشکل ترافیک را حل کند.

۳- رانندگی هر فرد معرف شخصیت اوست.

۴- وظیفه معلمین و والدین است که به اطفال خویش یاد بدهند که چگونه قوانین و مقررات ترافیکی را مراعات نمایند.

مثلاً برای اطفال خود یاد بدهیم که برای عبور از سرکهای عمومی از دهلیز که توسط یک خط سفید نشانی شده است بگذرند.

۵- حتی المقدور سعی نماییم که از مکاتب نزدیک خانه خودشان برای اطفال استفاده شود.

۶- رعایت مقررات راهنمایی تنها برای موتورها و موتوررانها نیست بلکه شامل موتورسواران،

زندگی زن

اتحاد شوروی

جنسی، نژادی و ملیت، حقوق مساوی تضمین گردید.

در سال ۱۹۱۹ لنین با سر بلندی و افتخار چنین گفت: ((حکومت شوروی به مشابه قدرت زحمتکشان در اولین روزهای استقرار خود با هر آنچه که به حقارت و اسارت زن می انجا مید مفاطعه نموده و بزرگترین کامها را در جهت برابری قانونی برداشته است.

حزب کمونسنت اتحاد شوروی به مساوات زن در چوکات قانونی اکتفاء نموده برای تامین برابری واقعی زن در عمل پیکار کرده است. دولت شوروی از همان آغاز استقرار خود توجه به خصوصی رابه میتودها و شیوه های کار به خصوصی در بین زنان مبذول داشته است.

در دشوارترین روزهای بعد از پیروزی انقلاب، زمان جنگ داخلی گرسنگی، ویرانی، تجا و زخار جوی و مبارزه حاد طبقاتی در شرایط کشور یکه پیش از صدمت که هر کدام در سطح مختلف تکامل قرار داشت بسر می بردند و به صورت مطلق همه زنان بیسواد بودند. حزب کمونسنت شوروی آن میتودهای کار را در بین زنان برگزید که برای آنان قابل درک و فهم بود.

بعد از تدوین اولین کنفرانس تاسری زنان کارگر و دهقان در همه مناطق ونواحی شوروی در بهلوی کمیته های حزبی کمیسیون ها و بعد تر شعبات به خصوصی جهت کار در بین زنان ایجاد گردید. در شرق شوروی که تا حدی بقایای خرافات گذشته وجود داشت کار تنویری، سازماندهی

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که در سال ۱۹۱۷ در روسیه به پیروزی رسید به مشابه نقطه عطف در تاریخ بشریت محسوب می گردد همچنان سر آغاز دوران جدید یا گزار از سرمای داری به سوسیالیسم.

پیروزی انقلاب اکتوبر بود که کلید حل بفرنج ترین پروبلیم های اجتماعی را در دست بشریت سپرد. قدرت استثمارگران را سرنگون نموده مالکیت خصوصی رابه مالکیت سوسیالیستی تبدیل ساخت. حل عادلانه مسئله اراضی رابه نفع دهقانان میسر گردانید. امکانات رها بی خلق های وابسته از یوغ ستم واستعمار را تا مین نموده برای خلقها حق تعیین سر-نوشت رابه ارمغان آورد.

با استقرار قدرت شوروی شرایط لازم جهت تامین برابری واقعی زن با مرد در اجتماع بوجود آمد.

اولین فرمان های دولت شوروی که به امضاء لنین صادر گردید با آرمان های زنان مطابقت کامل داشت. برای اولین بار زنان به کسب حقوق سیاسی مساوی با مرد، حق کار، در یافت دستمزد مساوی نایل گردید و قوانینی که تامین موقف مساوی آن خانواده بود پاس گردید.

تصویب قانون حفاظت کار زنان و اطفال، حمایت مادر و کودک همه همه مثال های برجسته مواظبت بزرگ دولت شوروی از زن به مشابه مادر است.

سند عمده زندگی مردم شوروی اولین قانون اساسی جمهوری جوان بود که در سال ۱۹۱۸ پاس شد که ضمن آن برای همه اتباع شوروی صرف نظر از تعلقات

کلخوزها، چهل و پنج فیصد کارگران تشکیل میدهند.

چهل و هشت فیصد کارگران مستخدمین امور تجارت و تغذیه اجتماعی زنان اند. در عرصه های مختلف امور صحت عامه تربیت بدنی و تضمینات اجتماعی هشتاد و سه فیصد زنان مشغول کاراند همچنان هفتاد و چهار فیصد کارمندان امور آموزشی ملی و هفتاد و چهار فیصد مشغولین امور فرهنگ ملی رازنان تشکیل میدهند.

زنان در رشته های اتوماتیزه شده تولید نیز شرکت و سیع دارند به طور مثال در رشته های تولید سامان آلات برقی، رادیو تخنیک و غیره چهل و پنج تا چهل و هفت فیصد کارگران صنایع تولید ابزار آلات الکترونیک زنان هستند.

تعداد زنان انجنیر رو به افزایش است اکنون نود و پنج فیصد مجموع متخصصین آن دارای تحصیلات عالی اند:

سی و سه فیصد انجنیران، چهل فیصد متخصصین فنی، چهل و نه فیصد انجنیران صنعتی زنان می باشند. در نتیجه انقلاب علمی و تخنیکی کار دهقانان زنان از لحاظ کیفیت خویش تغییر نموده به کار میکانیزه شده تبدیل گردیده است، هزاران زن شوروی موفقانه به نوترین تخنیک زراعتی آشنا می شوند، زنان دهقان در موسسات اتوماتیزه شده مرغداری، در کمپلکس های دامپروری به کار می پردازند.

امروز چهل فیصد متخصصین امور زراعتی را زنان تشکیل می دهند. انگیزه زن شوروی در کار تولید تنها بدست آوردن یک مشت بول نیست، او آگاهانه در تولید اشتراک می ورزد و بدین ترتیب می خواهد در امر ساختمان جامعه نوین اشتراک ورزیده و نقش خود را درین نو سازی ایفاء نماید. او میخواهد سطح رشد فرهنگی خود را ارتقاء بخشد، ابتکار و خلاقیت از خود نشان بدهد.

بقیه در صفحه ۵۳

و پرورش در بین زنان بادر نظر داشت سنن و عنعنات پسندیده مردم و احترام به عقاید آنان صورت میگرفت.

درین محلات علاوه بر جلسات نمایندگان زنان، کلوپهای زنان کارگر و مراکز اجتماعی زنان دهقان تاسیس یافت، در چوکات این مراکز زنان سواد می آموختند تعلیمات مسلکی فرا گرفته سطح دانش حرفوی و مسلکی شان ارتقاء می یافت، همچنان مشوره های طبی دریافتند، مراقبت از نوزاد و تربیه طفل برایشان تدریس می گردید.

شرکت زنان در کارهای تولیدی
سوسیالیسم در برابر زنان افق های وسیعی را گشود و امکانات اشتراک فعالانه آنان را در پرورش تولید میسر گردانید.

شرکت زنان در امر تولید اجتماعی عامل مهم رشد شخصیت زن، ارتقای سطح شعور سیاسی و اجتماعی او به حساب میرود کار اجتماعی استعداد های زن را شکوفان ساخته و دایره دل بستگی های او را وسیع تر میسازد.

سوسیالیسم برای زنان حق کار، حق انتخاب، آزاد حرفه و مسلک، حق دریافت دستمزد مساوی با مرد در برابر کار مساوی، حق استراحت، حق حفاظت کار زن، حق استفاده از تضمینات اجتماعی و مادی در صورت عدم قابلیت کار را تضمین می نمایند.

در اتحاد شوروی جهت جلب و جذب زنان به پرورش تولید کار وسیع و همه جانبه صورت گرفته است که دینا میک ارتقای نقش زنان در تولید اجتماعی ثمرگران بهای این کار و پیکار بوده است.

قبل از جنگ دوم جهانی ۱۳۲۲ فیصد زن در عرصه های مختلف اقتصاد ملی مصروف بودند از سال ۱۹۵۰-۱۹۷۸ تعداد زنان مشاغل از ۱۹۲ تا ۵۵۸ از دیاد یافته است و فعلا پانزده فیصد زنان مشغول کار هستند.

بنجاه فیصد کارگران و مستخدمین، چهل و هشت فیصد

درود به تو ای زن ای مادر

درود بتو و سلحشوری های نجات بخش و آزادی آفرین تو .

و آزادی خواهی می زمیند و می جنگند ، تو از زش و ما هیت اصلی انسانی و فرد رابدست آورده و در این پیکار اشتهی ناپذیر در صف راد مردان و راد زنان ضد سیاهی و تیره گی قرار داری .

آری بگذار ای این موج خروشان با هیبت و سپهنا کی خوف افکن خود به پیش تازد و ما را با هم با دست های گره خورده و جدا نا - پذیر از هم مان و با آرزو های مقدس مشترک مان به ساحلی رسا ندکه در آن انسان انسانیت را فر یاد میکند و زمان آزادی را به ار مغفان مید هد بگذار ، اسم نقط پایان را به همه قصه ها و افسانه ها و روایت هایی بگذاریم که اعصار و دوران هایی بینوایی ترا و مرا و همه را به یاد میاورد .

و گشا بندۀ فعلی تازه از زندگی ملی خود گردیم که در آن غریب مساوات برابری انسان جای برای مظلالم اجتماعی و اقتصادی را باز نمیکندارد .

بقیه در صفحه ۵۳



کودک: وقتی مادرم را در آغوش دارم دنیا در آغوش منست

و درود بتو و به زنجیر شکنی های رهایی ساز تو .

بتو که در این دوران - دوران خون و آتش و دوران دود و با روت که در هر گوشه جهان از آسیا تا افریقا و امریکا ی لاتین همه جا در - فش گلگون آزادی رهایی انسانی از بند استعمار به اعتزاز میا پدرسالت عظیم و تاریخی فرد را در یافته یی و پایه پای برادران رزمجوی خود حماسه ساز عصر ما گشته یی .

آری !

در این زمان - زمان به پایان آمدن اجبار سلطه جویی های جابرا نه و زمانی که ملتها همه بند های اسارت را از دست و پای میگشایند تا به همه افسانه ها و اسطوره های بهره کشی انسان از انسان خاتمه دهند و خود حاکم سر نو شت خود باشند دیگر جای آن نیست که نیمی از پیکره جوامع انسانی محصور زندان چادر و خانه باشند و در قید اسارت های فکری و اندیشوی و اجتماعی از همه حقوق محروم گردند .

امروز دیگر عصر سیاهی ها - نیست . دوران ظلمات خاتمه یافته است و آفتاب اندیشه ها و آید یال - لوژی های مترقی باتابش گرم و نوید بخش خود حتی تا آخر یسن زوایای زندگی انسان را نور و حرارت عشق به آدمی و عشق به آزادی می بخشد و چه به جاست که در این دوران - در این زمان که همه نیرو های امریمنی و آهو را مرزایی یکی بخاطر حفظ امتیازات کهنه و فرسوده فرد و دیگری به خاطر گسترده ساختن ندای آزادی

مشخصه عمده سوسیالیسم شرکت و سیم زنان در رهبری تولید است. امروز بیش از نیم ملیون زن زحمت - کش به حیث آمران و اداره کنندگان موسسات تولیدی مشغول کار اند .

همگام با تکامل انقلاب علمی و تخنیکی ، ارتقای درجه تخصص و دانش مسلکی زنان در دستور روز قرار میگیرد .

پرورش کادر های فنی و متخصصین در چوگات شبکه های وسیع مکاتب مسلکی همچنان موسسات صنعتی و کورسهای صورت می گیرد همین اکنون از جمله دو ملیون فارغان چهار صد هزار مکتب مسلکی سی فیصد آن را زنان تشکیل میدهند.

هر سال بیست و پنج ملیون نفر مستقیما در موسسات صنعتی ، دانش مسلکی کسب می کنند که یک برسه حصه این رقم زنان اند .



تریشکوا نخستین زن تسخیر کننده فضا

در نتیجه این تدابیر سطح تخصص زنان بلند رفته از یکسو مقدار دستمزد آنان بیشتر می گردد و از سوی دیگر این امر عامل موثر برای رشد شخصیت زنان و تثبیت مقام اجتماعی آنان محسوب می گردد . مواظبت و بررسی شرایط کار زنان در اتحاد شوروی و وظیفه دولت است ، طول کار روز هشت ساعت و پنج روز کار در یک هفته در کشور شوروی پذیرفته شده است .

شورای وزیران و اتحادیه های مسلکی اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۸ مصوبه را پاس نمودند که ضمن آن به خاطر اتخاذ تدابیر

همچنان ۴۱۷ یا ۳۵۹ فیصد نمایندگان شوراهای عالی جمهوری یهای اتحاد شوروی و زنان تشکیل میدهند .

بقیه در صفحه ۵۳

گهواره صلح و خوشبختی

در دست مادران قرار دارد



نقش جنبش جهانی زنان در مبارزه برای تساوی

حقوق، استقلال ملی

و تحکیم صلح

در روی زمین



پوستر اتحادیه عمومی زنان فلسطین

تحت تجاوز آشکار صهیونیسم و حامیان امپریالیستی آن بوده است. زنان مبارز فلسطینی در پهلو ی مردان شان به مبارزه بر حق و عادلانه خویش علیه متجاوزین اشغالگر اسرائیلی و حامیان آنها ادامه میدهند، مبارزات زنان فلسطینی و زنان سایر کشورها که تحت شرایط استبدادی دشوار و رژیم های ضد مردمی حیات بسر میبرند از حمایت کامل جنبش جهانی

نضای صلح آمیز جهت ترسیده اولادشان در اثر سیاست های تبعیضی و ضد انسانی از طرف حکومت ارتجاعی و مستبد در نقاط مختلف جهان کنونی به حیث یک خواب و تصور محض باقی مانده ما بسا از کشورها و مناطقی را سراغ داریم که افراد آن به شمول زنان و اطفال از چندین سال متمادی دستخوش تبعیض، تعقیب دهشت و تجاوز



زنان مبارز و حماسه آفرین فلسطین خواهان آزادی انسان اند.

زنان به خصوص از حمایت همه جانبه زنان کمپ سو سیالیستی در راست اتحاد شوروی برخوردارند، نهضت جهانی زنان ضمن مبارزه برای تامین تساوی حقوق زنان با مردان در سراسر جهان بدفاع جدی از

بوده خانه های شان خراب و اطفال آن در اثر فقدان غذا، پوشاک و مسکن مکفی در پیش چشم دوستان شان مرده و به قتل رسیده اند، مثال واضح در زمینه مردم عرب فلسطین اند که از مدت های مدید

نهضت بین المللی زن و نقش روز افزون آنها در حل مسائل ملی و جهانی از یکسال تا سال دیگر نیروی بیشتر گرفته و ایجاد تغییر در توازن قوا به نفع نیروهای طرفدار صلح و عدالت اجتماعی موقوف برآزنده به زنان داده است. درین میان نقش زن به حیث مادر و هسته خانواده در تربیه نسل جوان و تزریق ایدئال های عالی بشری و صلح خواهی اهمیت قابل ملاحظه یی کسب کرده است.

علی الرغم مساعی برای امحای متناسبات غیر عادلانه اجتماعی در مورد زنان، متاسفانه آرزوی بسا از مادران مبنی بر ایجاد است.

حقوق زنان عرب فلسطین بر - خاسته خواهان حل عادلانه معضله شرق میانه براساس اعاده حقوق حقه مردم عرب فلسطین و ختم تبعیضاتی و تبعیض در مورد زنان در همه حصص جهان به شمول افریقای جنوبی است که در آنجا زن تحت یک تبعیض دوگانه یعنی تبعیض جنس و تبعیض از لحاظ رنگ قرار دارند،

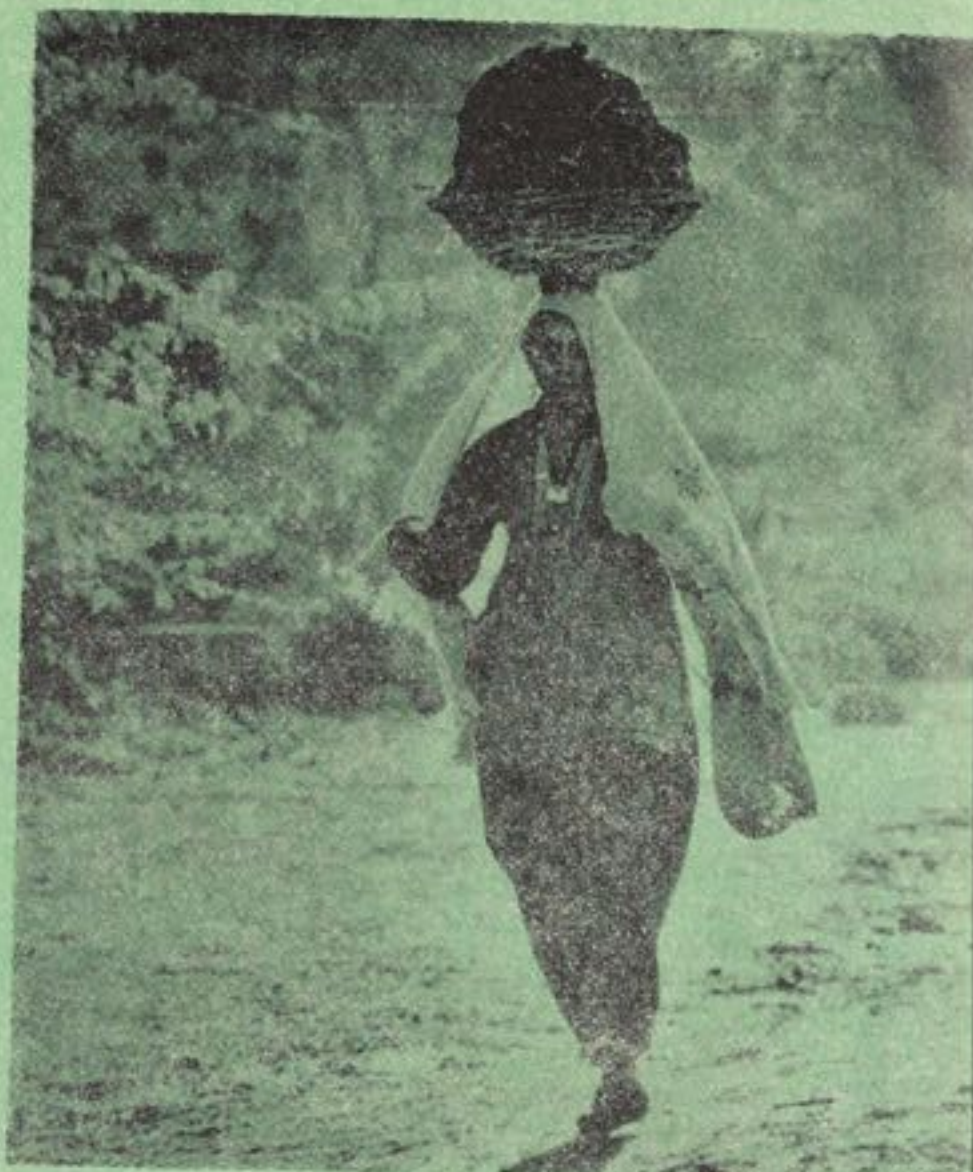
این وظیفه بزرگ جنبش جهانی زن است که بیش از هر وقت دیگر علیه تجاوزات توسعه جو یا نه امپریالیسم برزهد و برای تامین آرامش، صلح و سعادت بشر آینده مسئولان برای اطفال تلاش و بیکار نمایند چه سرانجام پیروزی نیروهای صلح امر حتمی است و طرح های امپریالیسم علیه ملل و جوامع عدالت پسند و صلح خواه به شکست قطعی مواجه میباشند.

این زنان روشنفکر اند که تربیت و پرورش اطفال، نو جوانان و جوانان را بعد از محیط خانواده به عهده دارند .
 از آن جایکه در شرایط کنونی افغانستان نقش آموزشی محیط تحصیل ارزنده تر و برجسته تر است لهذا همه زنان و بخصوصاً آموزگاران بایست رسالت خود را به وجه احسن انجام دهند و حتی می‌توانند توسط شاگردان محیط خانوادگی شانرا روشنفکر تربیت نمایند .
 وقتی خانواده ای تئور می‌شود و روشنفکرانه به زندگی اجتماعی شروع می‌کند به یقین گفته می‌توانم همه اعضای کدبه همان خانواده ها تعین می‌گردد با درک سالم می‌توانند قضاوت سالم نمایند .

کوهگرد

سوگند

سو گند بنا م پاک تو ای مادروطن
 سوگند به قهر ما نی فر زلدخوب تو
 سو گند به نام نامی ام البلاد
 سوگند به نام غزنه و پامیریر شکوه
 سو گند مرا به شعله زر یسن آفتاب
 سوگند به نو را ختر شبگرد آسمان
 سوگند به حسن و صورت بیروین و کبکشان
 سو گند به بتک و بازوی مردان کار گر
 سوگند به دست های پر از زخم بزرگر
 سوگند مرا به قامت خشم گشته چون کمان
 سو گند به پا پر هنکی یسی طفل بی پدر
 سوگند به آب دیده آن ما در غمین
 سوگند به چشم منتظر عاشق حزرین
 سوگند بدیدگان هو سر یزدختران
 سوگند به ناله های سحر گاه مر غکان
 سوگند به دشت های تسب آلود این دیار
 سوگند به دشتها و به کوه ها و با غسار
 سوگند به هر چه پاک و مقدس بود وطن
 سوگند می خورم که تا آخرین رمق
 سر میدهم در راه تو و حفظشان تو
 تا آن زمان که قطره خون در رگم بود
 آنرا نثار نام توای میهن کنم



اینست نمونه استثمار فرد از فرد که شما یا نگرا این وضع در کشور های سرمایه داری میباشد

نقش سازندگی زنان

جایی پس افتخار است که زنان نه تنها در پیش کودکان نقش پررنگ دارند بلکه با تئورسیات فزیولوژیک و آمادگی های روانی خود در تربیه نو جوانان و پرورش نسل های نو نیز خیلی ها موثر اند .

البته از نظر نباید دور داشت که این سیستم به سیستم آموزشی و پرورشی امده بوده و با سمت کلی تکامل جامعه در وکات مناسبات معین سیاسی و اقتصادی پیش قانون مند دارد .

زنان در جوامع فیودالی و سرمایه داری به همان گونه که در دیگر عرصه های زندگی اجتماعی در ردیف دوم قرار دارند در ساحه های

بوتی و پرورش نیز به مثابه موجود اجتماعی حقیقی تلقی می‌گردیدند ولی همینکه شرایط اجتماعی و سیاسی مبداء گردید زنان با استفاده

آمادگی های طبیعی خود در تربیه نسل های نسل سبب فعال گرفته و بخصوص نو جوانان و بندگان را با روحیه خوشبینی به زندگی ،

سازمان دوستی ، عشق به میهن و احترام به همتشان تربیه کرده آنها را متوجه رسالت ای عظیم و تاریخی شان میسازند از همین است که نقش زنان افغانستان در پرورش نسل های آینده بر جستگی خاص کسب میکنند عهده دارند .

شب هجران با خیال جانان

شب هجران با خیال جانان
 چندی است که عشق آن صنم را
 بر صفحه سینه پروردیدم ،
 عهری به امید جام و صلش
 پیمانۀ زهر می چشیدم ،
 شب های دراز در خیالش
 چون مار گزیده می تپیدم ،
 هر دم بفضای اوچ امید ،
 مهرنگ شهاب می پریدم ،
 گاهی به سما همی رسیدم
 چون باد سموم میوزیدم ،
 چون برق ستیز می چیدم ،
 چون ابر بهار می گریستم ،
 چون بانگ هزار می سرودم ،
 در دست جنون زبیرقراری ،
 خون بی سرو پا همی دویدم .

سر داده سراغ میگرفتم
 جان داده نوید می خریدم ،
 آخر به هزار گونه خواری
 برگوی مراد می رسیدم ،
 چون سجدۀ بگاگ میفنادم ،
 چون اشک براه میچکیدم ،
 از دامن ناز می گرفتم ،
 وزگوشۀ جلوه میکشیدم ،
 که بوسه بیاش می نمودم ،
 گاهی زلبانش میکیدم ،
 چون نیک نظر همی نمودم ،
 میدیدم و آنچه می ندیدم ،
 که این لذت بی مذاق من بود ،
 داستان شب فراق من بود .
 بیرو سلیمانی

از هرگی

هرگز از هرگ نه هراسیده ام .
 امر چه دستاوش ، از ابتذال ، شکننده تر
 بود .
 هراس من - باری همه از مردن در سر
 زمینی است
 که جز نمود کن
 از آ زادی آدمی
 افزون تر باشد .
 جستن
 یافتن
 وآنگاه
 به اختیار برگزیدن
 واز خو یستن خویش
 بارونی بی افکندن
 امر هرگ را از این همه از زنی بیشتر
 باشد
 حاشا که هرگز از هرگ هراسیده باشم .
 احمدشاملو

شراب عشق

مستی چشم که امشب می برد از جا مرا
 کیست این ساقی که ریزد باده در میثامرا؟
 گرفتارون مشربان از شهر بیرونم کنند
 می دهد دست جنون در سینه اش ماوامرا
 آب روی و عزتی دارم به دست بی خودی
 خضر با ناخن کشد ، بیوسته خارازبامرا
 ای شراب عشق ، آتش در وجودم برافروز
 ای محبت ، شمع آسا سوز سرآیامرا
 از فراز آسمان هائف نویدم می دهد
 می رسد بیوسته فیض از عالم بالامرا
 غلام احمد نوید

بوی گل

هر باد که از سوی بخارا بمن آید
 بادی گل و مشک و نسیم بمن آید .
 بر هر زنبق هر مرد گجا بروزد آن باد ،
 گوئی مگر آن باد همی از ختن آید .
 نی ، نی ز ختن باد چنین خوشی نوزد هیچ ،
 کمان باد همی از بر عشوق من آید .
 ای ، ترا که ریسته چونالم ز فراغت ،
 گویند لبای تو مرا بیرهن آید .

هر سبب نگرانم به یمن ناتو برائی .
 زیرا که سپیلی و سپیل از یمن آید .
 گویم ، که بیوستم ، صنما ، نام تو از خلق
 تا نام تو کم در دهن انجمن آید
 با هر که سخن گویم امر خواهم و مگر نه ،
 اول سخنم نام تو اندر دهن آید .
 ابو عبدالله رودکی

آب حیات

خیالت از دلم بیرون نشد شود تو از سر هم
 بخاک آخر تمنای ترا بردم بمحشر هم
 دل آشفته را خواهم بگیسویت کنم سودا
 بگری ای بت خدا را از منش جان میدهم سر هم
 دلم را برد و آخر دلیر از من رنجه خاطر شد
 کتون یاران چه سازم از برم دل رفت و دلیر هم
 ز طوفان سرشک آخر تبا هم زورق دل شد
 نیا مد چاره اش از دست غم افگند لنگر هم
 حساب گشتگان خنجر نازت که میگیرد
 مگر زلف از بغل بیرون کند طومار و دفتر هم
 نباشد چو نتو کس بیرحم ظالم نا مسلمانی
 که از دستت مسلمان می نماید سگوه کافر هم
 چنین نا حق که خونم غمزهات امروز می ریزد
 مگر دارد جوابش نزد حق فردای محشر هم
 غم عشق توگر سازد بمن خشک و تری دارم
 دریغ از وی نسازم حلق خشک و دیدن تر هم
 بگام من کجا نو شین لب اومی شود قاری
 خضر جویای این آب حیات آمد سکندر هم

ملك الشعرا قاری



عیب بینی

زبزم دوستداران پاکشیدن
 بکنج ذلت و غم آرمیدن
 جوشم از پای تاسر در گرفتن
 جو پروانه سوی آتش پریدن
 زفرط احتیاج و فقر و افلاس
 بیولی بیش این و آن دویدن
 بمن «ایر» نباشد آ تقدیر سخت
 که بر مردم بچشم عیب دیدن
 ظهوری تر شیزی

آئینه چشم

کی رفته ای زدل که تمنا کنم ترا
 کی بوده ای نهفته که پیدا کنم ترا
 غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور
 پنهان نگشته ای که هویدا کنم ترا
 با صد هزار جلوه برون آمدی که من
 با صد هزار دیده تمنا کنم ترا
 چشمم بصد مچا هده آئینه ساز شد
 تا من بیک مشا هده شیدا کنم ترا
 بالای خود در آئینه چشم من ببین
 تا باخبر ز عالم بالا کنم ترا
 مستانه گاش در حرم و دیر بگذری
 تا قبله گاه مومن و تر سا کنم ترا

خواهم شبی نقاب ز رویت بر افکنم
 خورشید کعبه ، ماه کلیسا کنم ترا
 گرفتند آن دو زلف جلیبا بچنگ من
 چندین هزار سلسله در پاکتم ترا
 طوبی و سد ره گر بقیامت بمن دهند
 بکجا فدای قامت رعنا کنم ترا
 زیبا شود بکار که عشق کار من
 هر که نظر بصورت ز بیبا کنم ترا
 رسوای عالمی شدم از شور عا شقی
 ترسم خدا نخواست رسوا کنم ترا
 با خیل غمزه گر بوناقم گذر کنی
 میر سپاه شاه صف آرا کنم ترا

فروغی بسطلمی

مردی وی

مردی وی او مر نور
 دزپو سندرو ساز
 نه وره نور نه و دم
 دیار ناز او نیاز
 نور بر بنم و مه
 ددی پتی مینی راز
 پر برده چی زبه و چوی
 دجوغل او د غماز
 نه و همه کوکی
 تل دی وی سوز او گداز
 ته تر لاسه کبری
 په و پیا و پیا ممتاز
 لاره که او رده ده
 خیل وزر به گرم د باز

سنگر

آیا سرطان میتواند از قرن بیست

به قرن بیست و یکم نفوذ کند؟

در کشورهای انکشاف یافته به شمول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سرطان در بین امراض مهلك و کشنده جای دوم را اشغال میکند .

در حال حاضر از جمله هر صد مرگ موجب شانزده آن سرطان میباشد . تا امروز سایر مردم را عقیده بر این است که مرض سرطان معمولاً منجر به مرگ شده و نتیجه کشنده دارد . آیا این امر بدان معنی است که هر آنکسی که به سرطان مبتلا شده جان خود را از دست داده ؟

این يك امر واضح است که تا هنوز سایر مردم در برابر تشخیص مرض سرطان مانند چیزیکه منجر به مرگ میگردد عکس العمل نشان میدهند . ولی باید گفت که چنین فکر کردن خیال باطل است : تا اکنون در اتحاد شوروی (۲۱۵۰۰۰۰) تن مریض مصابت به تومور خبیثه معالجه شده اند

افزایش این رقم خیلی ها جالب و قابل توجه است . در سال (۱۹۷۵) تعداد اشخاص صیقه بعد از تداوی سرطان برای مدت بیشتر از پنج سال زنده ماندند به ۷۳۸ - ۶۳۸ تن میرسید، در سال (۱۹۷۹) این رقم به ۱۰۸۴۰۱۱ تن بالغ گردید . طبق احصائیه گیری سال (۱۹۸۰) در اتحاد شوروی به تعداد (۶۰۰۰۰۰) نفر بعد از معالجه مرض سرطان اضافه از ده سال زنده ماندند یا به عباره دیگر از هر حیث صحت مند بودند در حالیکه چندین دهه قبل سرطان واقعا يك مرض مهلك به حساب میرفت

فقط در بعضی موارد ممکن بود که در گیر کارد جراحی به افتد و در آن روزها کارد جراحی یگانه وسیله بی بود که از آن استفاده میکردند .

در سال (۱۹۶۰) در اتحاد شوروی از جمله هر (۱۰۰۰۰۰) تن ۱۱۵ - آن در اثر سرطان چشم از جهان پوشیدند و این تعداد در سال (۱۹۶۵) به ۱۲۳ و در سال (۱۹۷۲) به ۱۲۰ افزایش یافت . خیلی ها مهم مینمایند که اکنون رقم و فیات که سرطان باعث آن میشود در بین مردها ثابت بوده و حتی احتمال میرود در بین زننها این رقم کاهش یابد .

بنابراین متخصصین تومورشناسی شوروی شعار سازمان جهانی صحت را ((سرطان قابل تداوی است و تشخیص آن در مراحل ابتدایی زنده گی رانجات میبخشد)) تایید مینمایند .

قابل تذکر است که وقوع بروز سرطان در بین اشخاص که بیش

از شصت سال دارند نسبت به آنها بیکیه عمرشان به (سی) سال میرسد بیست مرتبه زیاد تر است . باید گفت که سرطان در بین مردمان سالخورده زیاد به مشاهد میرسد .

این علل به حیث عوامل سرطان زا شناخته شده اند .

تعداد ویروسها و مواد کیمیاوی (و مواد سرطانزا) که محیط انسانهای امروزی را تشکیل میدهند خیلی ها زیاد است ، پس لازم می افتد که هر شخص از خودمواظبت و پرستاری به عمل آورد ، ولی باید گفت که خطرات ناشی از سرطان را خود ما افزایش میبخشیم که به بدترین عامل آن دود کردن سگرت میباشد ، از جمله هر صد مریضی که به سرطان مبتلا است (۹۶) آنها به دود کردن سگرت معتاد اند . باید متذکر شد که سرطان بر علاوه خود سگرت کش آنها پرا که در نزدیک وی ایستاده اند و دود تنباکو



دود سگرت نه تنها به خود شما بلکه بکسی که در نزدیک تان قرار داشته باشد مضر بوده و شما را در معرض خطر سرطان قرار میدهد

را استنشاق مینمایند تا تیرمی افکند . آیا میتوانید نام نوع از تومورهای خبیثه را بگردید که بصورت کامل و همه جانبه توسط طبابت علاج میشود .

در مورد تداوی مرض سرطان باید گفته شود که نوع مرض آنقدر مهم نیست بلکه در زمینه تداوی آن ، وقت خیلی ها با ارزش است زیرا وقت هم دشمن ما است و هم همکار . بدین مفهوم که هر قدر زودتر تومور خبیثه کشف و تشخیص گردد به همان اندازه چانس علاج آن زیاد تر است .

وقایه و تشخیص مرض در مراحل ابتدایی آن نسبت به استفا ده از روش های مدرن تداوی مهمتر است . بهتر است تومور در مرحله پری کلینیکی آن تشخیص گردد یعنی در وقتیکه هیچ کدام علامه و نشانه خارجی مرض دیده نشود . این هدف میتواند در اثر معاینات منظم و سیستماتیک مردم بر آورده شود که این کار یگانه مرام و مقصد متخصصین تومور را تشکیل میدهد . باید گفت که همه ساله قدرت تشخیص و تداوی علم طب و دیزاین وسایل نهایت مهم طبی رو به گسترش است . تمام واقعیت های فوق الذکر اطباء را وامیدارد تا نظری خوشبینانه در برابر معضله مرض سرطان داشته باشند . امید است طرق معالجه و تداوی اساسی سرطان حتی قبل از ختم قسرن بیستم کشف گردد و باید بخاطر این کشف پیوسته به کار و فعالیت بپردازیم .

از: روف راصع

به مناسبت بزرگداشت از نخستین روز جهانی غذا

انسان، گرسنگی و نان

مکنده خون انسان هر فریادی را میکوشند در گلو خفه کنند و هر خواست انسانی را در نطفه بمیرانند، چرا که اکنون دیگر مردم جهان هرگز فریب گرگ‌ها را در لباس گوسپند در آمده را نمی‌خورند و دیو اسارت را در هر جامه و لباسی باز می‌شناسند و با آن می‌ستیزند فاجعه بزرگ که به آرامی ره به سوی محتوم شدن می‌پیماید تراژدی عمیق

در دوران کنونی، دورانی که فریاد آزادی خواهی در هر گوشه‌ی آن پژواکی است از عصیان ملتی در بند مانده و عقب‌نگهداشته شده و دورانی که انسان به مرز خود آگاهی اجتماعی رسیده رسته خیز بزرگ خود را علیه همه‌ی زنجیرهای پیچیده شده در دست و پایی و اندیشه به آغاز گرفته و ستیزی بی‌امان و نبرد آشتی ناپذیرش را با بیدادها و بی‌عدالتی‌ها تا پیروزی نهایی دوا می‌دهد و کوبتر صلح و آزادی و برابری و دموکراسی را در پهنه روشن آرمان‌های به تحقق آمده اش به پرواز می‌خواند، تنها فاجعه زندگی انسان در این نیست که آتشبارهای درخیم امپریالیزم برای حفظ منافع غارتگرانه خود و پنهان‌دانی به ساحه سیاست انحصاری پذیر می‌بلعد

آری چنین است که فقر و گرسنگی در میان جوامع عقب‌نگهداشته شده وزیر ضوابط فرهنگ استثمار قرار گرفته جای باز میکند، هر روز و ساعت میباید و نتیجه آن میشود در جهانی که هر روز عده‌ی بی‌از شدت سیری‌میتر کند گروهی از بی‌غذایی بمیرند. این است فاجعه‌ی بی‌رنگی از تراژدی دارد و هم مانند لکه‌ی سیاه بر دامن سپید انسانیت نشسته است.

برای زردودن این لکه سیاه بر پهنای آنگونه که عده‌ی بی‌بر این باورند تنها پاره کردن زنجیرهای استثمار به وسیله ملت‌ها یزیر استثمار کافی نیست و فقط رسیدن به مرز آزادی سیاسی و حتی آزادی اقتصادی کافی نمیباشد بلکه باید طرقتی را به کاوش گرفت که ملت‌ها را از بند رسته و جوامع از قید ضوابط خان‌سالاری آزاد شده بتوانند خود به مرز خود کفایی تولید، رسند و مواد غذایی مورد نیاز جامعه را از منابع خود بدست آرند و یا اینکه مسائله غذا در سطح جهانی دور از هرگونه وابستگی سیاسی به بررسی گرفته شود تا این عقیدت تا حد عمل و سیاست پا بد که افسان فرزند زمین است و آنچه ما در دارد بی‌تبعیض میان فرزندان بشر به تقسیم میاید که تطبیق چنین اصلی حداقل در دوران ما دوران خون و آتش ملت‌ها و دورانی که اقتصاد و سیاست اقتصادی روی کشتی همه‌ی مسائل دیگر آن دور مینماید و گرنه هرگز در گوشه‌ی بی‌ازجهان هزاران تن مواد غذایی به خاطر موجود نبودن جای نگهداری به اقیانوس‌ها ریخته نمیشد و آن هم در شرایطی که در گوشه‌ی دیگر جهان هر روز صد‌ها تن از گرسنگی جان میدهند.

تجلیل و بزرگداشت روزی با عنوان روز جهانی غذا به صورت جهانی شمول که برای نخستین بار به طرح و تطبیق آمد ظاهر آ نویدی است به اینکه سازمان مواد خوراکی و وزارت جهان درسی و ششمین سال تأسیس خود به نیکویی متوجه این دشواری بین‌المللی شده و در پی آن است که با بررسی و ارزیابی همه‌جانبه ابعاد وسیع

فقر و گرسنگی علیه آن به مبارزه برخیزد و نگذارد که فاجعه بیش از این پهنایابد و مختوم گردد و با اقداماتی به موقع و با شرکت کشورهای دارا و نادر دیگر اجازه ندهد هر سال ده‌ها هزار انسان در میان و فور نعمت از فقر غذا بی‌بمیرند و میلیون‌ها انسان دیگر از سوء تغذی رنج ببرند و این معنا به خوبی از پیام مدیترانه می‌سازمان مواد خوراکی و زراعت جهانی که به مناسبت نخستین سالروز جهانی غذا صادر شده است، خواننده میشود:

روز جهانی غذا میتواند و باید هم طبق فیصله کنفرانس سازمان مواد خوراکی و زراعت جهانی که بر گزار شد این روز را تو صیه کرده احساس هم بستگی ملی و بین‌المللی را در مبارزه علیه سوء تغذی و فقر بر انگیزد نباید درین هم بستگی یک شعار محض دیگر باشد، بلکه باید با ادراک واضح تر همه طبقات از مفاد غیر قابل انکار متقابل میان در معوض فقر و گرسنگی اساس گذاری شود این هم بستگی باید در آن اشکال متضمن همکاری تبارز یا بد که همه موانع را که سبب عدم اشتراک انسان‌ها را دار در پرو سسه انکشاف شان میشود، از میان بردارد.

روز جهانی غذا این مزیت را دارد که به صور سمبولیک یادآور این اصل به همه ماست که خوراک مناسب همانظوری که زندگی حق اساسی هر انسان است حق اساسی بشر میباشد، این دو حق باهمدگر کاملاً مرتبط اند اما بدون احساس همدردی و تقدیر در برابر صد‌ها میلیون دهقان و کارگر زراعتی که به سختی کار میکنند و خطرات مصایب طبیعی را که متوجه تولیدات غذایی است متقبل شده اند، نمی‌توانیم این رابطه‌ها را دقیقاً مطالعه کنیم.

امید داریم تجلیل روز جهانی غذا این فرصت و مجال را فراهم آورد که مواد غذایی جهانی ما به گونه‌ی مورد استفاده انسان قرار گیرد که دیگر نه از تلفات بیشمار ناشی از گرسنگی خبری باشد و نه از مصائب شدن صد‌ها میلیون انسان به سوء تغذی ناشی از فقر غذا.



باقی از شماره گذشته

جوانان و روابط خانوادگی

این ها ما ختمیم و ده سال از زندگی ما گذشت و ما صاحب سه فرزند شدیم که دوی آن دختر و آخرین فرزندمان که یکسال قبل بدنیا آمد پسر است .

پسرم هنوز یکساله نشده بود که او یک روز با خلق و خوی تنک و با عصبانیت به من گفت که دیگر تحمل این زندگی را ندارد ، بهتر این است که از هم جدا شویم زیرا زندگی برایم غیر قابل تحمل شده و دیگر نمی توانم با این شرایط زندگی کنم . برایش گفتم که چه شده ، کدام موضوع باعث شده که از زندگی از زن و از اولاد خود صرف نظر نمایی و به تمام مسوولیت های پدری خویش پشت پا زنی آیا فکر نمی کنی که با این تصمیم زندگی خود و خانواده خود را تباه می کنی و شیر از زندگی راکه ده سال تمام با خوب و بد آن ساخته می از هم می پاشانی ؟

هر قدر التماس کردم ، زاری نمودم ، خواهش کردم و حتی به پاهایش افتادم ، که این کار را نکنند به زن و فرزندانش خود رحم نماید ولی او کمتر شنید یک روز بدون اینکه من اطلاع داشته

وفا میل ام نیز به این امرراضی شدند برایش گفتم که موافقم هفته بعد آنها به خانه ما خواستگار فرستادند بعد از تشریفات که در بسیاری از فامیل ها و خانواده ها معمول است ما با هم تا مزد شدیم و سه ماه بعد از نامزدی ازدواج کردیم ، سالهای اول زندگی خیلی خوشبخت بودیم . ولی پس از سه سال آرام آرام شوهرم تغییر کرد نمیدانم علت این تغییر روش چه بود او که در ابتدا مرد با رنسیپ و وقفت شناس بود در سال های اخیر اصلا وقت و زمان معنی خویش را برایش از دست داده بود اگر میگفت که ساعت شش بخانه می آید ، و تا نیمه های شب به منزل بر نمی گشت ، این بسی پروگرامی و وعده خلافی تنهادر محیط خانه محدود نماند بلکه در دفتر و بسا دوستان و آشنا یان نیز از این وعده خلافی ها زیاد بنمود انسان زود رنج ، بهانه گیر و بد خلق شده بود نه در خانه آرام داشت و نه در شعبه از هر کس دوری می جست و کوشش میکرد که کمتر تماس داشته باشد ، بهر حال با تمام

باشم زندگی را گذاشت و رفت مدتی از او خبر نشدم تا اینکه یک روز یکی از دوستان او را بادختری جوانی در سینما دید و این موضوع را برایم گفت :

من چه میتوانستم بکنم ، آیا ازش طلاق خود را می خواستم ، یا به همین شکل ادا می میدادم ، اگر ازش طلاق می خواستم سرنوشت فرزندان ما چه میشد ، آنها چه گناهی داشتند که در آتش ما می سوختند ، بهر تقدیر بود سوختم و ساختم ، دو دخترم که هر یک هشت سال و شش سال داشتند از من سراغ پدرشان را میگرفتند غیر اینکه من برای شان دروغ میگفتم چه کاری میتوانستم بکنم و چه کاری از دستم ساخته بود . آنها حق داشتند که پدرشان را ببینند و از محبت های اومستفید گردند آنها نیاز داشتند که پدرشان با لای سرشان باشد ولی افسوس که آن مرد نامهربان به تمام این چیزها پشت پا زده زندگی آرام خانوادگی اش را گذاشت و رفت بی هوا و هوس های خود من ما در سه فرزند بودم ولی آیا میتوانستم برای آنها پدر نیز باشم ؟

آنها از من پدر خود را می خواستند و وقتی در باره پدر از من می پرسیدند برایم سخت ترین لحظات بود مشکل ترین یا سخت بود نمیتوانستم برای همیشه دروغ بگویم و آنها را فریب دهم . بهر تقدیر چند ماهی گذشت و ما بدون او زندگی کردیم تا اینکه یک روز به دفتر برایم خبر دادند که شوهرم در یکی از شفاخانه بستر است ، با عجله و سرا سیمگی رفتم به شفاخانه او را در سرویس عاجل یا فتم با سر و روی شکسته و خون آلود . پس از پانسمان و تداوی به خانه آوردمش ، به پرستاری وی پرداختم بالاخره پس از یک هفته توانست که روی پاهایش بلند شود .

بلی او دو باره به خانه اش به زندگیش ، به زندگی خانوادگی اش بازگشت ولی آیا دیگر آن اعتماد و محبتی که در اول بین ما حکمفرما بود باز هم وجود خواهد داشت با اینکه از کرده خود سخت پشیمان بود و من نیز کوشش

میکردم اصلا این غیبت چند ماه او را بروی خود نیارم اما گناه گاه می میدیدم که سخت باو جدا خود در جدال است . تا اینکه برایم گفت :

و خود را از ناراحتی و جدان که سخت آزارش میدهد رها کنید . برایم گفت که علت این تغییر روش چه بوده و چرا او به زندگی خوش خانوادگی خود پشت پا زده است .

بلی او گفت : از مدتی به این طرف که شاید دو سال و بیشتر از دو سال باشد من با دختری آشنا شدم . این آشنا بی ظاهرا تصادفی بود . بهتر است بگویم در آن وقت این طور فکر میکردم ، ولی حالا میدانم که تمام این ها روی یک پلان و نقشه قبلا طرح شده بود . علت اینکه چرا مرا باوجود که زن و اولاد داشتم انتخاب نموده بود نمیدانم و تا امروز نیز از آن خبری ندارم بهر صورت با تمام کوشش و خود داری که نمودم بالاخره در دام این دختر شیطان صفت افتادم . او مرا به خانه اش برد ، زندگی مجلل داشتند و از درو دیوار آن ثروت می بارید . بازار سبزه و سرخ را برایم نشان دادند و آینده درخشانی را پیشبینی نمودند آنها می گفتند تا ما این ثروت و خوشبختی و قتی برایم میسر و امکان پذیر است که با دخترشان ازدواج کنم . آنها گفتند که زنت را طلا بده ، از اولاد های خود بگذر اما ، من مقاومت کردم و زیر بار نرفتم وقتی آنها دانستند که نمیشود با من کنار آیند به من تهمت بستند که دختر آنها را فریب داده ام در حالیکه قسم می خورم که کوچکترین حرکتی که دال به بی ناموسی و یا بی نژا کتی باشد از من سر نزده و لی آنها دست بردار نبودند تا اینکه مرا به این روز انداختند

برایش گفتم که با وجود آنکه زن و اولاد داشتی چرا گذاشتی که آنها به تو تهمت ناروا بزنند و چه مجبوریت داشتی که با آنها رفت و آمد نمایی ، آیا نمی دانستی که از خود زن و اولاد داری ؟ بین اشتباه من نیز در همین بود که فریب خوردم ، انسان با تمام هو شیاری که دارد ، گاهی فریب



جوانان ساعات تعطیل را به ورزش می گذرانند

کرده اند و یا از روایا تی که نسل با نسل از عاشق و معشوق برای ما بجا مانده است و خواننده و شنیداریم که همه اش جز وقت را به مدرسی کردن چیز دیگری نیست ولی طوریکه گفتیم مساله ازدواج امری است طبیعی و گردن نه نهادن به آن سر- پیچی از رسم طبیعت است و این چیزی است که کمتر اتفاق می افتد اما راه درست و معقول آنست که هر جوان آرزو مند که با شخص اید یال خود که توافق روحی داشته باشند ازدواج نماید زندگي سعادت باری در قبال شان خواهد آمد و لسی عشق بوطن، عشق به مردم، عشق به انسان و انسا نیت بالا ترین و والاترین عشق ها ست که هر جوان باید بوطن، جامعه و مردم خود عشق بورزد.

همانطوریکه امروز ما بادیروز فرق زیادی دارد فردای ما به مراتب از امروز بهتر و شکوفا نتر خواهد بود و این نو آوری و از خوب بخوبیتر شتا فتن، کار انسان های پویا است و جوانان با لنده که در زمینه نقش حساستری دارند و باید هر جوان دانش آموز، هر نوجوان روستایی که بکار های تولیدی مصروف است و هر جوان دیگر که شغل رسمی دارد و یا خصوصی مصروفیت های سازنده ای را در ساعات بیکاری و ایام تعطیل برای خود پیدا کند و از راه یا فتن اندیشه های مضره و کار های نا ستوده به فکر و دماغ خویش، با پیدا نمودن مصروفیت ها و مشغولیت های مثبت، جلو گیری نماید همیشه با اعصابی آرام، در نشاط و خوشی حیات بسر برد.

بیشتر اوقات در افکار پوج و واهی غرق می شوند و در بستر خواب که باید بخواهند و تجدید انرژی ازدست رفته را باز یابند بانهم چرت می زنند و زندگی آینده را که هنوز نیامده در خیال از نظر می گذرانند بعضی از جوانان و نو جوانان اگر دختران اند و یا پسران، آنقدر با اصطلاح چرتی می شوند و در رویا ها غرق می گردند که از مسیر اصلی زندگی جوانی به بیراهه سوق می شوند و حتی دست باعتیاد میزنند و کار های بی ثمر دیگری را در پیش می گیرند که چنین جوانان باید محتاط باشند تا معتاد بکار های نا درست و زیان آور نگردند.

دلهره و نگرانی و ساعتی را در وهم و خیالات بسر رسانیدن به همان اندازه برای جوانان زیان بار است که جبرانشی کار ساده ای نیست پس برای اینکه جوانان در آغاز جوانی، زندگی شان زیان نبینند و راه رفتن شان بسوی افقهای روشن، دست خو ش پیچ و خم هایی نگردد باید هر جوان در اوقات درس و در ساعات کار فقط متوجه آنچه باشد که می آموزد و یا انجام می دهد، در ساعات بعد از کار و ایام تعطیل باید جوانان مصروفیت های سازنده و کار های مثبتی را دنبال کنند و طبق تقسیم اوقات و برنامه مطروحه کار های خود را انجام دهند.

اگر جوانان بعد از وقت درس و یا در ساعات و روز های تعطیل مطالعه نمایند، ورزش کنند و بالا خره مصروفیت های سازنده دیگری برای خود پیدا کنند، از یکطرف از وقت استفاده نیکو می برند و از سوی دیگر فکر تقلید های نابجا، کار های نادرست دیگر و معتاد شدن به دود تنباکو و غیره در سر شان نمی آید.

مساله ازدواج و عاشق شدن و موضوعات مربوط به زندگی آینده هر جوان را ساعاتی ب فکر و اندیشه فرو می برد، اما باید گفت که ازدواج يك امر طبیعی است و افسانه عشاق نامدار را که شنیده ایم و زندگي ایشان رایا از روی کتاب ها بیکه اندر وصف آنها مبالغه آمیز انشاء

و برای تمام جوانان که از خود زن و فرزند و زندگی خو شس خانوادگی دارند پیام دارم و این پیام این است که از روی هوا و هوس های زود گذر زندگی خانوادگی خویش را تباه نسا زنده و فریب ظواهر را نخورند.

می خورد و من نیز با تمام خو شختی های که داشتم از هیچ نگاه کمبودی نداشتم قریب خوردم. از ت می خوا هم که دیگر بیش از این باعث سر افکندی من شوی ازت معذرت و پوزش می-خواهم.

قسیم

مصروفیت بکارهای سازنده، از بیم راه رفتن جوانان جلو گیری میکند



علاقه بکار عشق بوطن و هم نوع است

کامل بر خور دار باشند، بدون تردید آنچه را که در آینده بعهده ایشان گذاشته می شود و یا قرار می گیرد، بدرستی انجام داده می توانند.

جوانان و نو جوانان اگر شاگرد اند و یا محصل و اگر در روستا ها بکار های تولیدی اشتغال دارند و یا در عقب فابریکات بزرگ و کوچک بعضا حداکثر اوقات بیکاری و حتی دقایقی از ساعات کارشانرا در رویا ها سپری می کنند و صحنه های زندگی آینده و مسایلی از قبیل مساله ازدواج، پیدا کردن شریک زندگی جدید و ده ها مسایل دیگر که در آینده با آنها رو برو می شوند، در فکر و اندیشه شان خطور می کند که حتی برخی از جوانان آهسته آهسته

جوانان و نو جوانان قشر سازنده فعال جامعه اند، هرگاه این قشر بحال و نیروی سازنده در خدمت بوطن و جامعه باشد بدون تردید چنین جامعه ای برای رفتن بسوی زندگی نوین از نیروی بزرگی برخوردار است که هیچ نیروی نحراف دهنده و اغواگر سد راه آن جامعه شده نمی تواند.

محل تردید نیست که آینده بدست جوانان و نو جوانان می افتد، آینده بیکه از امروز با چهره نوینش فرق با رزی دارد و این جوانان و نوجوانان می باشند که گرداننده چرخهای اقتصادی و اجتماعی جامعه بعهده ایشان قرار می گیرد. پس به هر اندازه که جوانان امروز از نیروی کار سازنده و لیاقت و کفایت



ورزش جوانان را از بسیاری کار های ناپسند باز میدارد



پدرجان : اگر مادرم هم در بین آنها میبود شما هم می توانستید با آنها صحبت کنید

کم مانده بود بر نده شوم

در جریان یک تمرین پر تا بفراشوت از طیاره یکی از چن بازان از بخت بد روی یک درخت بلوط تنو مند فرود آمد و مسی شاخه های انبوه آن گیر آمد . مدتی برای رها یی خود دست و پا زد چون نتیجه ای نگر فت دهقا نی را که در آن نزدیکی بود صدا کرد او کمک خواست .

دهقان از شنیدن صدا ، زیر درخت آمد و چون او را بالای درخت دید با تعجب گفت :

- او مرد ! در آن بالا چه کاری کنی ؟

چتر باز از آن بالا جوا بداد :

- بد شما نمی آورد م . چیزی نمانده بود که در مسابقه برنده شوم :

دهقان فکری کرد و گفت :

- حالا هم برنده شدی ، چون این طور که من می بینم تو اولین هستی که بدون اینکه از درختی بالا رفته باشی میخواهی از پایین بیایی !



مثل اینکه زلزله شد .
- نی بابا پسر همسایه ما جازمیزند ؟

خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

امیدواری ماهیگیر

مردی کبی خا موش در لب رودخانه ای نشسته و توری ماهیگیری خود را در آب انداخته بود و دو ساعتی بدین ترتیب گذشت زتش سراغ او آمد و گفت :

- عزیزم تا حال چند تا گرفته ای ؟

مرد سری تکان داد و گفت :

- اگر این یکی را که فعلا دورتور میچرخد بگیرم و بعد یکی دیگر میشود دو تا !



معلم صاحب بخدا راست میگویم این زاغ دروغ میگوید من به خانه هیچکسی را آزار نداده ام

خواندن آن سخت است

ریل به سرعت در حرکت بود . در یکی از اطاق های کوچک ریل دو مرد در کنار هم نشسته بودند که یکی از آنها سخت سرگرم خواندن روزنامه بود . بعد از مدتی دو می به طرف او برگشت و گفت :

- معذرت میخواهم که چنین سوالی می کنم !

شما می خواهید روزنامه بخوانید ؟

- بلی . خودتان می بینید .

باز هم معذرت میخواهم که بی احترامی میکنم اما مثل اینکه روزنامه را معکوس گرفته اید .

- درست است . واگر پیدا کنید قدر خواندنش سخت است .



عزیزم عید تو هم مبارک !!

احتیاج به تأمل ندارد

چنانکه می دانید مردم جزیره کرسی در ارو پا به تنبلی شهرت دارند و این حکایتی در این زمینه است .
 دو نفر دوست در آفتاب لمبیده بودند و در باره کار کردن و کار نکردن صحبت می کردند در این بین مردی که بسیار آهسته و آرام قدم بر میداشت از مقابل شان گذشت یکی از آنها او را صدا کرد و گفت :
 - می خواستم سوالی از تو بکنم حاضر هستی در بندر گاه کار کنی؟
 مرد فکری کرد و گفت :
 چه کاری ؟ شاید تخلیه کشتی ها ، ابد حاضر نیستم چنین کاری بکنم شاید عقل خود را از دست داده باشی ؟
 ولی اجرت خوب می دهند . روزی پنجاه فرانک .
 - حاضر نیستم .
 - اگر روزی صد فرانک بدهند چطور ؟
 باز هم حاضر نیستم . نمی خواهم به این زودی جوانمرگ شوم .
 - خوب ، با روزی پنجاه فرانک چطور ؟
 مرد چند لحظه به فکر فرو رفت و گفت این پیشنهاد احتیاج بقدری تأمل دارد . باشد . برای چند روز با این اجرت حاضرم .
 آنوقت مردی که این پیشنهاد را کرده بود به طرف دو ستش برگشت و گفت :
 دیدی ؟ بخلاف آنچه می گویند مردم کرسی آدمهای تنبلی نیستند فقط کسی دستمزد درمیت به آنها نمی دهد .



بدون شرح



واه پیراهن من به جان آن

فکر پدران

مربی و ورزشی با یکی از دوستانش درد دل میکرد
 - بلی ، واقعا بد روزگار شده است .
 روز بر روز زندگی کردن سخت تر میشود برای اینکه پسر میتواند در زندگی از خودش دفاع کند هفته دو بار به او تعلیم بگویم کس می دهد .
 دوستش گفت :
 فکر نمی کنم کار درستی باشد و اگر با یک نفر قوی تر از خودش روبرو شد .
 - فکر این را هم کرده ام . هفته ای دوبار هم به او تعلیم دو صدمتر دویدم را هم میدهم .



وقتیکه وزن بردار سرقهبرشود



عجیب روزگاری شده مائمامسکی خودرا گرفته حالا دیده می شود که بهار شده است

در وقت تشنگی از آب جوی مینوشد

دعقانی که تازه گاو ماده ای خریداری کرده بود يك روز صبح متوجه شد که حال گاو ش خوب نیست . فو را بيطار را آورد و او بعد از معاینه گفت:

چیز مهمی نیست . من دوايي می نویسم که گاو شما باید روزی دو قاشق سو بخوری از آن بخورد . کشاورز با پریشانی گفت :
 - ولی گاو ما قاشق سو بخوری ندارد . هر وقت تشنه باشد از سر حوض آب میخورد .



اوه زن: برای تو قول می دهم که هرکسی برای تو گفته غلط است زیرا من سکرتر ندارم

وقت آنرا خودم تعیین میکنم

مردی را به اتهام قتل محاکمه و به اعدام محکوم کردند . وقتی روز اجرای حکم فرارسید و او را برای تیر باران بردند مطابقی معمول به او گفتند .
 - آخرین تقاضای خود را بگو
 این لحظه آخر چیزی نمیخواهی ؟
 - چرا . دلم میخواهد يك گیلان شامپا بنوشم .
 بسیار خوب انجام این کار بسیار آسان است .
 - بلی . اما میخواهم تاریخ تهیه آنرا هم خودم انتخاب کنم .

جواب

به نامه های شما

سلام علیکم خوانندگان و همکاران عزیز:

به امید سلامتی عزیزان، شروع میکنیم به پاسخ نامه ها.

دوست عزیز حسیه آزاد منش

همکار مهربان ما مینویسد: «اولتر از همه سلام بر حرارت را به کار کتان مجله ژوندون تقدیم میدارم و دعای دارم که صحتمند باشید به امید سلامتی تان میپردازم به اصل مطلب. من احساسی علاقمندی بیش از حد به شعرو ادبیات کشورم دارم و همین احساس افشوده است که مرا به شعر گفتن و امیدارد و نمیدانم آیا این ها (شعر های که فرستاده اند) شعر است یا نه؟ از شما خواهش میکنم که نخست شعر وادب را برایم تعریف کنید و آنگاه اولین شاعر زبان دری را معرفی دارید و بگویید در کدام قرن میزیست؟ به نظر شما مطالعه کدام کتاب ها به شعر سرایی ام کمک میکند؟»

باسلام صمیمانه به همکار ارجمند عرض شود که تعریف های گوناگونی در باب شعر است. ابوغلی سینا میگوید: «شعر سخنی است خیال انگیز که از اقوالی موزون و مساوی ساخته شده باشد». خواجه نصیر طوسی مینویسد: «صناعت شعری ملکه ای باشد... و اطلاق اسم شعر در عرف قدما بر معنی دیگر بوده است و در عرف متأخران بر معنی دیگر است: ... و آن این است که گویند شعر کلامی است مخیل.

در عرف متأخران کلام موزون مفق (در نظر است) چه به حسب این عرف، هر سخنی را که وزنی و قافیته باشد، خواه آن سخن برهانی باشد و خواه خطابی، و خواه صادق و خواه کاذب ... آنرا شعر خوانند و اگر از وزن و قافیه خالی بود و اگر چه مخیل بود آن را شعر نخوانند و اما قدما شعر کلام مخیل را گفته اند و اگر چه موزون حقیقی نبوده است ... و این تعریف که شعر کلامی است مخیل بیشتر از آن تعریف دیگر، که شعر کلام موزون مفق است، درست به نظر می آید. شعر، نظم نیست چنانکه نظم شعر، ارسطو: «اصل شعر را در معنی و مضمون آن میجوید و صورت شعر را که مقید به وزن و قواعد دیگر نظم است جزء ماهیت آن نمی شمارد و معتقد است که بسیاری از سخنان منظوم را که موضوع آن هائی المثل پزشکی و طبیعیات است از جنس شعر نباید

بشمار آورد». برای مزید اطلاع به شماره ۲۳-۲۴ ژوندون مراجعه فرمایید و مضمون شعر نجوای انسان به انسان را بخوانید که بصورت جامع تعریفی از شعر وادب ارائه شده است.

اما الزون بر همه بی انصافی است اگر در باب شعر سخنان با ارزش هابا گولسگری را برایتان نقل نکنم، او میگوید: «کار آموزی در کار شعر آن نیست که یاد بگیریم چگونه نمونه مشخص و محدودی از آثار شعری تدارک بینیم بلکه مطالعه و بررسی وسایل همه جانبه کار شاعری است، مطالعه روشهای عقلی این صنعت است، که مراد از آفریدن روشهای دیگر مدد میکند.

نو آوری در موارد و مصالح کار، و نیز در اسلوبها و روش ها برای هر کار شاعرانه بی الزامی است. بیبوده است که کار خانه بزرگ شعر سازی بناء کنیم که آجر شعر بیرون دهد. باید به سبکسر بهای غیر علاقلانه شعری پایان داد باید وقتی قلم بدست بگیریم که جز شعر وسیله تبیین و تشریح دیگری نباشد. نباید به کار شاعری پرداخت جز هنگامیکه «سفارش اجتماعی» به وضوح احساس شود.

برای آنکه شاعر مفهوم سفارش اجتماعی را بدست در یابد، باید در مرکز وقایع و رویداد ها باشد.

باید فرضیه اقتصادی بداند، زندگی واقعی را بشناسد. در دید علمی تاریخ نفوذ کند. اینها برای شاعر، در قسمت اساسی کارش مهمتر از کتابهای حقیر قرون وسطایی استاید خیالپرست است که به افکار کهنه رنگ ابدیت می بخشد.

برای اینکه سفارش اجتماعی به بهترین وجهی اجراء شود باید بیشتاز طبقه خود بود، باید با این طبقه بود و در همه جبهات جنگید. باید افسانه هنری اعتبار سیاست را زیر زیر کرد. «قضاوتهای مبثی بر اتفاق و تصادف، داور های انفرادی، ابراز سلیقه های بی اساس هنگامی بدور ریخته می شود که هنر را از دید کار صنعت بینیم تنها این دید انواع مختلف کار ادبی را پهلوی پهلوی قرار میدهد بجای استدلال های عرفانی درباره شعر به کمک این وسیله می توان به مسئله نزدیک شدو گفت که اکنون زمان آن رسیده است که

میتوان با تعریف و کیفیت شاعرانه مشکل را حل کرد.

«و این را نیز بگویم که وضع قواعد شعری به خودی خود هدف شاعرانه بی نیست». وحالا میرسیم به نخستین شعر گوی زبان دری. قدیمترین نظم یا شاعر زبان دری، یزید بن طرخ را میدانند که گویند همان شعر معروف است که به غالب گمان آنرا خوانده اید:

آبست و نبیدست - وعصارات زبیب است -
وسمه رو سبید است .
تاریخ سرودن این شعر را به سال پنجاه و یک هجری نسبت میدهند.

اما در باب شاعر شدن تان؟ استعداد قابل پرورش دارید، اما بسته به اختیار شماست که چگونه از فکر و دماغ تان استفاده میکنید و چگونه شعر میگویید؟ کوتاه ترین راه که به شعر گویی می انجامد، طولترین راهست یعنی درس و سبق بگیرد، کتاب بسیار بخواند و اشعار شاعران معاصر و متقدم را به نظر انتقادی بخواند آنگاه ببیند شوروی حالی برای شعر گفتن دارید یا نه؟ این يك بهترین است ولی شما چنین نکرده اید، گویا کوتاه ترین راه «شعر سازی» را بر گزیده اید. شعر شاعری را گرفته اید و با مقدار تغییر به زعم خویش شعر سروده اید، هرگز چنین مباد. آن شعر فرستاده شما که شاعرش شما هستید از کس دیگر است و همین يك یادو شماره پیش دعوی آنرا در جواب نامه ها خوانده اید که انشا الله دست میگیرید و سنجیده قلم میزنید و به نظر ما کتابهای شعر شاعران معروف را بخوانید و همینگونه مسایل اجتماعی و فرهنگی را از دیده دور ندارید ... موفق باشید. انتظار نامه تانرا داریم.

دوست بی نام

باسلام عرض شود که نامه بی تانرا گرفتیم و بر خواندیم، قصه همان قصه معروف، آدمی مال و اموال دیگری را ربوده است منتهی با این تفاوت که آفتابه دزدی نکرده، بلکه نوشته دزدی کرده است و این چه بد کاری است دزدیدن اموال فرهنگی کسی. ما با ورنه داریم که همکار ارجمند ما حمیرا، دست به چنین سرقتی دراز نموده باشد. دعا می کنیم که نام شریف همکار ما بر دروازه تاریخ سرقت ادبی نقش نکرده. آمین. بخوانید نوشته ی تانرا و پاسخش را از حمیرا نکبت دستگیر

زاده طلبکاریم «مجله ژوندون» با داشتن سابقه زیاد در کشور، مجله محبوب و یگانه نشریه هفتگی ذوقی و خواندنی مردم ماست که مطابق معمول ذوقمندان آنرا ورق میزنند و مطالب آنرا از قلم میگردانند.

گاهی بنابر کنجکاوی و حصول آگاهی از اینکه در جهان امروزی چه میگذرد، از علم و دستاورد آن چه خبری است، در جهان بی شمای ادبیات، هنر، سیاست، اقتصاد و مانند اینها چه میگذرد چه گل های شگفته و کدام اردغان های بی بدیل برای انسان این قرن، انسان پیشرو و گوشا در گیر و دار های خورد کننده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فنیکی پیش کش میکند، بایست مجله را بر داشت و مرور کرد.

مطالب منتشره مجله ژوندون آگاهی دهنده و سر گرم کننده است، تازه است و در زمینه های مختلف، اما با ابراز معرفت قابل یاد آوری است که که گاه گاهی مضمون و مطلبی تکرار است و اقتباس ناجایز.

تکراری و اقتباس ناجایز بدان جهت که از نشریه های دیگر با اندک تغییر در کلمات و جملات از طرف نویسنده چهره دست در فن (تبدیل و تغییر) کلمات باز نویسی میگردد و بیچاره مضمون که مفق و کیفیت اصلی را از دست میدهد، و هم گاهی روح و جانش در زیر فشار های قلم نویسنده و یا بهتر بگویم نقل کننده چرم دست از دست رفته، باز به حلیه طبع آراسته گشته و بخورد خوانند گان داده میشود که وای بحال شان.

با کمال تأسف و تالم باید گفت که چنین اشخاص هیچ زحمتی بخود روا نداشته بلکه جسته جسته مطالب، پروگراف ها و حتی صفحات کتب و نشریه ها را بیرون نویسی میکنند و بدون کدام تضمین و تذکری بشکل مقاله در میاورند و با بر رویی که خاصه شان است، نام مبارکشان را در حاشیه آن با خط درست مینگارند. نا آگاه از اینکه «بار کج بمنزل نه رسد و با گلتن حلوا دهن شیرین نمیگردد». قابل تذکار است که اینگونه نویسندگان و یا بهتر بگویم دو باره نویسان و یا قلم بدستان خوش خط، بدو گونه اند:

یکی آنکه میدانند که چه میکنند و چه عملی را مرتکب میشوند، آنها با وجودیکه نویسنده، شاعر، هنرمند و غیره اند؟! با زرنگی و چابکی بی نظیر نشریه های خارجی، بخصوص نشرات فارسی را جویده و مقاله آنرا بروی کاغذ می ریزند.

* قصه‌ها ن قصه معروف . آدمی مال و اموال دیگری راز بوده است ...

* ... این چه بد کاری است دزدیدن اموال فر هنگی کسی

* گذشته از همه مایه تا سفدر اینجا ست که در سرفقت علمی یا ادبی شریکی نیز برای خود برایشیم

* ... بار کج به منزل نمی رسد و باگفتن حلوا دهن شیرین نهیگردهد ..

* منم پهلوان سر دیک آس که قوم پشه را کنم پاش پاش

* — وبلا خیره سخن بر سرسرفقت است .

وانگاه دست بگوش ، فریاد میزند که منم نویسنده منم شاعر ... «منم پهلوان سر دیک آس - که قوم پشه را کنم پاش پاش» .

و اما روش کار این نویسنده ها چگونه بی است که نشریه و کتابی نو طبع شده را که تا هنوز بدست دیگران نرسیده بمجرد بدست آوردن در گاو صندوق محفوظ میدارند و آهسته آهسته و اندک اندک از آن برون نویس نموده در چند نقل ، یکی را به رادیو - تلویزیون دو دیگر را به مجلات و روزنامه ها میفرستند . بعد ما آنرا در روزنامه یا مجله میخوانیم یا از لابلای امواج رادیو - تلویزیون میشنویم و آنگاه شادمانه دامی میزنیم که حیدر چه نویسنده بی خوشا بر ما . وجه بسیار از این نوع مقالات ها که خواندم و شنیدیم ، نویسنده هایش را برسگوی شهرت و مستند محبوبیت تکیه دادیم آنها از چنین شهرت دروغین لذت بردند و مباحث نمودند و پولی چند بنام حق الزحمه به جیب اندوختند .

مگر زمانیکه منبع اصلی بدست دیگران میرسد ، جلو صاف شان از آب بیرون میشود و می بینیم که آنها پوشالی بوده اند ، در مغز چیزی نداشته و از باز مانده های دیگران تغذیه نموده اند .

وجه بجا ، استاد سخن و ادب سعدی میفرماید: سخندان پرورده پیر کهن بیندیشد ، آنگه بگوید سخن

مزن بی تا ممل بگفتار دم نکو گوی ، گردیر گویی چه نم

بیندیش و آنگه برآور نفس

واز آن پیش بس کن که گویند بس بنطق آدمی بهتر است از دواب

دواب از توبه گر نکویی صواب

و اما گروه دیگر ، کسانیکه مبتدی و نوکار که نویسنده بودن ، شاعر و محقق شدن آرزوی شان هست و بحق آرزوی نیکی است .

مگر بعلمت آنکه مبتدی اند و مایه و اندوخته کافی ندارند و از فن نوشتن و تحقیق چیزی نمیدانند ، درک نکرده اند که نویسنده کیست ؟

و کار محقق چگونه است ؟ پس بدین علت هویداست هر کتاب و نوشته بی بدست شان رسید ، قسمت از آن را ویا نسخه ، نسخه بیرون نویس مینمایند و یا آنگه جملات و کلمات

آنرا تغییر میدهند ، بعد آنرا بدین روزنامه و مجله میفرستند تا باشد بحیث نویسنده شهرت کسب نمایند و حق الزحمه بدست

آرند .

بلی ایشان نه تنها به این عمل و عواقب طرز کارشان متوجه ساخته نمیشوند بلکه یاداشتی بنام حق الزحمه دریافت مینمایند که مشوق خوب شان بچنین عمل خلاف و شیوه زشت و ناپسند نیز میباشد . و در نتیجه نه نویسنده بی میشوند و نه محقق و پژو هشگری و غوره بی که میخورند دندان شانرا کند میسازد .

از این قماش نویسنده اگر زیاد نداریم کم هم نیستند . برای مثال در صفحه (۱۷) شماره (۲۵) سال (۱۳۶۰) مجله وزین ژوندون مقاله زیر عنوان باخط درشت «عقد حقارت چیست ؟» نوشته حمیرا نکبت دستگیر زاده ، بهمکاری دبیرتمنت روانشناسی پوهنخی تعلیم و تربیه طبع گردیده است . عنوان مقاله را می بینیم دلچسپ است ، خواندنی است و بالاخره مقاله ، علمی است ، و از همه مهمتر که تایید شده ، دبیرتمنت روانشناسی پوهنخی تعلیم و تربیه پوهنتون کابل است ، که حتما و یقینا استادان چیز فهم و دانشمند در این دبیرتمنت مشغول تدریس و تعلیم جوانان وطن اند ، که این موضوع خود براهمیت مقاله متذکره میافزاید .

این نوشته از نگاه زبان و نحوه بیان خوب است با آنکه گاه گاهی ارتباط جملات و پروگراف ها خسته دار بنظر میرسد و زمانی هم مفاهیم نا مرتبط و پراکنده است . علت چیست و نقص کار در کجاست ؟

کسانیکه با مطبوعات همکاری دارند و یا نشرات را تعقیب مینمایند ، بگمان غالب بنام نویسنده محترم «عقد حقارت چیست ؟» چندان آشنایی ندارند و از ایشان چیزهای دیگر مطالعه فرموده اند .

شاید این اولین مقاله محترم حمیرا نکبت دستگیر زاده آنها را به تعجب وادارد و گمان برند که نویسنده ، روانشناسی است درخور صلاحیت و با تجربه که تازه آستین بالا زده و تراوش های ذهنش را که اندوخته سالیان دراز است ، بروی کاغذ ریخته . زیرا اشخاص فهم و باخبر از علم و دانش و صاحب مطالعه میدانند که نویسنده سمارق گونه نمی روید و آثار علمی و ادبی و هنری ، سمارقی بوجود نیامده اند ، آنها میدانند که ، نویسندگان بزرگ و خوب مراحل ابتدایی را گذرانده و آثارشان ناپخته و ضعیف بوده . مگر با برد باری ، کوشش ، تتبع و کسب دانش و معلومات بیشتر ، پخته شده ، بکمال رسیده ، پذیرفته شده ، مستفید فایده بی ، و رهنمون و رهنمود طالب العلم گردیده است .

مگر باز هم يك شاید دیگر ، که عده به این پندار خواهند بود که نویسنده «عقد حقارت چیست ؟» ژوندون ، دانش آموز رشته روانشناسی است .

که جزوه ها و یادداشت های درسی اش را بصورت مقاله ترتیب نموده و یا محترمه استاد این رشته می باشد که مقاله هدا از چکیده های علمی و تجارب شان در زمینه است ، و در نه اگر چنین نیست پس چگونه می تواند بود ؟ در پاسخ باید گفت که با نویسنده موصوف شناسایی قبلی ندارم ، ولی اینقدر می دانم که این مقاله از تجربه و فراورده های مغز حمیرا نکبت دستگیر زاده نبوده و نه در زمینه کدام تحقیق و تفحصی کرده است . بلکه عملش سرفقتی است ما هرانه که همه آنرا بنام سرفقت علمی و ادبی می شناسیم .

باید عرض کرد با خدا نا خواسته ، محترم نویسنده نمی داند نوشتن چیست ؟ و بسا نویسنده کیست و چه مسوولیت های دارد و یا اینکه دانسته نجا هل عارف نموده اند و بسا پنداشته که دیگران در خواب غفلت اندوچیزی از این چیز ها نمی فهمند . بعقیده ما اشتباه مو صوف در همین جا است .

بر میگردیم به اصل موضوع که گفتیم سرفقت ، سرفقت علمی . این ادعا در محضر قضاوت خوانندگان لزوم شاهد و اثبات بروی اسناد دارد . شاهد صادق و گویا کتابسی «روانشناسی برای همه» نوشته ادوارد استرگر ، کنت آپل و جون آپل ، روانشنا سان امریکایی می باشد که ترجمه مشفق همسانی است . چاپ پنجم با تجدید نظر و اضافات . منتشره بتنگاه مطبوعاتی صفیعلیشاه . آذرماه ۱۳۴۵ ، چاپخانه آفست مروی . اصل کتاب در ۳۳۳ صفحه بدون فهرست و مقدمه مو لکان .

درد دل در اینجا ست که به اصطلاح نویسنده محترم مقاله «عقد حقارت چیست ؟» مجله ژوندون مطالب را بصورت پراکنده و بعضایک صفحه کتاب متذکره نقل کرده و بعدا آنها را پشت سرهم ترتیب نموده و بشکل مقاله در آورده است . جا ، جایی در این نوشته از قیاط منطقی پرو-گراف ها از بین رفته که یقینا مفهوم را بصورت درست و کامل در ذهن خواننده القاء نمی کند .

از اضافات گذشته بصورت خلاصه و بر سیبل نتیجه می توانم بگویم که این مضمون فصلی از آن کتاب ۳۳۳ صفحه ای است و بعضی پروگراف ها و جملات ، از بخش های دیگران . پس بهتر بود در حاشیه مقاله اقتباس از حمیرا دستگیر زاده نگاشته میشد تا اینکه نویسنده .

گذشته از همه مایه تا سلف در اینجا است که در سرفقت علمی یا ادبی شریکی نیز برای خود برایشیم چنانکه در این مقاله با دبیرتمنت روانشناسی پوهنخی تعلیم و تربیه پوهنتون کابل چنان شده است . زیرا حمیرا دستگیرزاده به عمل خلاف مقرره ها و ضوابط ، نویسنده گی و علمی خویش مبر تایید آن دانشکده را زده است ، من نمی دانم که دبیرتمنت دانشکده با او موافق است یا نه ؟

صرف نظر از اینکه این چه ، و آن چه میکند ، باید یاد آور شوم که دستیازی به چنین اعمال نه تنها باعث خرد و خیر شدن مر تکبیر آن می گردد بلکه دست اندازی و بازی است به آب ووقار ادب ، علم و فرهنگ کشور و نویسنده هایش .

بی بیرایه سخن آنکه اگر روزی نیشتمه ها و تحقیقات چنین و یا اقتباس های چنان بدست مردمان اهل فهم خارج از کشور برسد ، قضاوت آنها در حق ما چه خواهد بود ؟ و برای ما و نسل آینده ، چه اعتباری بجا خواهد گذاشت ، در حالیکه ما افتخارات زیادی را نصیب بوده ایم ، بر سیبل مثال :

ابر مردان علم و ادب و هنر و فرهنگ ، مولانای بلخی ، ابن سینا ، سنایی ، غزنوی ، جامی ، علیشیر نوایی و ...

ولی خواست زمان و تقاضای مردم از دانش جوان علم و فرهنگ و قلم زان این راه ، آنست تا علم و فرهنگ را بازیچه نه انگاریم ، و اگر دل ما خواست و ذوق نویسنده گی به سر ما زد ، بایست آثار معتبر را در زمینه های مختلف و بخصوص را جمع به فن نویسنده گی و تحقیق ازین قبیل ، خواند و مطالبی از آن به ذهن سپرد . تا باشد کار مطابق اصول علمی ، باشد ، نه «گلوخ بگذار و از آب بگذر» .

بگفته کار نویسنده باید تخیلی و با شیوه و گونه زنبور عسل باشد که بر گلپه می نشیند چه دوردست ها پرواز میکند ، موادی را جمع آوری می نماید و بعد ، شیره یا عصاره را بنام نعل یا شهد باز پس میدهد . بگفته عارف بزرگ سنایی :

سالمها باید که تايك سنگ اصلی ز آفتاب لعل گر دد در بد خشان یا عقیق اندریم عمر عا باید که تايك کودکی از روی طبع

عالمی گردد نکسو ، یا شاعر شیرین سخن این است راه اصلی ، راه درست و راه مورد پذیرش و تایید شده و پس .

و با این نامه بی جنجال بر انگیز ، گلیم جواب نامه های این هفته را هم جمع میکنیم . والسلام

نوایی

بیا که هاتف میخانه ، دوش پشیمان گفت
 بمن حکایتی ز سر می ، گسه نتوان گفت
 چو گشت واقف از این حال ، پیر باده فروش
 هم به آتشیه داد و بلطف و احسان گفت :
 که ای ، گدای خرابان ، ناامیدمباش
 چرا ، که هاتف غیب آنچه بایست آن گفت
 از آن زمان که دلم ، نشایافت از می عشق
 بخویشتن همه د شوار د عسرا ، آسان گفت
 براه ، از سخن پیر د سرافتادم
 که شیخ خانقه این نکته ها ، دگر سان گفت
 از آن ، به لاله چشم خون شده درونم سوخت
 که درد خون دل و رنج داغ هجران گفت
 حدیث بستن ز نار و بت پرستی من
 بخلق ، عاقبت آن شوخ نامسلمان گفت
 چو دل ، ز زلف وی آشفته بود ، از خا کش
 هر آنچه پر سه نمودم ، همه بریشان گفت
 کسی خلاص ز گرداب غم ندای فانی
 که زیر دور فلک ترک اهل دوران گفت

حافظا

پسیرانه سرم عشق جوانی بسرا افتاد
 و آن راز که در دل پنهانم بدرا افتاد
 از راه نظر مرغ دلم گشت هوا گیر
 ای دیده نگه کن که بدم گدرا افتاد
 در دا که از آن آهوی مشکین سیه چشم
 چون نافه بسی خون دلم در جگر افتاد
 از ره گدرا خاک سر کسری شما بود
 هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد
 مژگان تو تا تیغ چها نگیر بر آورد
 بس کشته دل زنده که بسریکدیگر افتاد
 بس تجربه کردیم د رین د برهنگا فات
 با درد کشان هر که در افتاد بر افتاد
 مگر جان بد عد سنگ سیه لعل نگرد د
 با طینت اصلی چه کند بدگرا افتاد
 حافظ که سر زلف بتان دست کشش بود
 بس طرفه حریفیست کش اکتون بسرا افتاد

نوایی

د یگر ز می کهنه ، خیا لیم بسرا افتاد
 خواهم ز سر نو بغرا بسا ت در افتاد
 آلوده شد آن لب ، ز می لعل جگر گون
 زین رشک ، چه خو نها که مرا در جگر افتاد
 آن نخل ، که هر لفظه بمن سنگ جفا زد
 هانند د ر ختیست ، که از وی لعل افتاد
 از عشق تو ، بر هر طرفی برق بلا جست
 از آتش سو زنده ، بسیر سوشرد افتاد
 پاکبته سفال در میخا ندمستی
 کسوته نظر آن چشم که بر جام زرد افتاد
 در هاله خط روی تو ، رنگین جوشد از می
 زان رو ، چه بلاها ، که بدورتر افتاد
 فانی ، زیبا بان فنا سوی عدم رفت
 سو دای د هانت بغیا لش مگرا افتاد

حافظ

و

نوایی

حافظا

شنیده ام سخن خوش که پیرکنعان گفت
 فراق یار نه آن می کند که بتوان گفت
 حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر
 کنایتیست که از روزگار هجران گفت
 نشان یار سفر کرده از که پرسم راست
 که هر چه گفت برید صبا پریشان گفت
 لغان از آن مه کا مهر بان دشمن د و ست
 که ترک صحبت یاران خود چه آسان گفت
 من و مقام ر شا بعد ازین وجود ر قیب
 که دل بدرد تو خو کرد و ترکدر مان گفت
 مگر بیاد مژن و ر چه بر مر ا دوز د
 که این سخن بمثل باد با سلیمان گفت
 مژن ز چون و چرا دم که بنده مقبل
 قبول کرد بجان هر سخن که جانان گفت
 بهیلتی که سپهرت د هد ز راه مرو
 ترا که گفت که این زال ترک ستان گفت
 که گفت حافظ از اندیشه تو باز آمد
 من این نگفته ام آ نکس که گفت بهستان گفت

حافظ

آنک رخسار ترا رنگ گل سرین داد
 صبر و آرام تواند بمن مسکین داد
 و آنک میسوی ترا رسم تظاول ابرخت
 هم تواند کر مش داد من نمکین داد
 من همانروز ز فرهاد طمع ببریدم
 که عنان دل شیدا بلب شیرین داد
 گنج زر گر نبود کنج قناعت با قیست
 آنک آن داد بشا هان بگدا یان زین داد
 خوش عمر و سیست جهان از ره صورت لیکن
 هر که پیوست باو عمر خودش کالین داد
 بعد ازین دست من و دامن آن سروچمن
 خاصه اکنون که صبا مزده فروردین داد
 در کف غصه دو ران دل حافظ خون شد
 در فراق رخت ای خواججه قوام الهین داد

نوایی

صبحکه ، مغبجه ام ، جام می رنگین داد
 وانگهم ، مزده پی بردن عقل و دین داد
 در گشیدم ، می رنگین جو ز دستش فی الحال
 غیر عشقش ، بهمه رنج دل کم تسکین داد
 چا نفشا ندم ، که د حد جامدگر جانش فدا
 که صدم جان ، ز می لعل لب شیرین داد
 کوس شا می ، چه عجب گرزتم اندر کونین
 زان دو جامم ، که چنان حور پری آیین داد
 فارغ از ، جلوه حسن گل و نسریتم کرد
 آنکه رخسار تو را رنگ گل و سرین داد
 می گل رنگ ، خوش آید ، برخ همچو بهار
 « خاصه اکنون که ، صبا مزده فروردین داد »
 داد ها خواست ، ز هجران دل فانی چه بلاست
 شاه ظالم ، که بگو شش نرسد چندین داد (۱)

حافظ

بیا که ترک فلک خوان رو زه غارت کرد
 هلال عیسی بدور قدح اشارت کرد
 نواب روزه و حج قبول آنکس برسد
 که خالک میکند عشق را زیارت کرد
 مقام اصلی ما گوشه خرابی است
 خدایش خیر دهد هر که این عمارت کرد
 نماز در خم آن ابروان معرایی
 کسی کند که به خوی تاب دل طهارت کرد
 بهای باده چون لعل چیست جوهر عقل
 بیا که سود کسی برد ، کسین تجارت کرد
 فغان که تر گس مغمور شیخ سپهر امروز
 نظر بسپرد کشان از سر حفاترت کرد
 حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ
 اگر چه صنعت بسیار در عبارت کرد

نوایی

بیا که لشکر دی : خیل سبزه غارت کرد
 بسوی باده ز بیخ ، شو شه هائشارت کرد
 زباده جوی حرارت ، که رفت آن آتش
 بگرم رو بی خود ، د عسوی حرارت کرد
 بریم د فتر و سجاده ، بهر میسوی د بر
 « که سود کرد ، هر آنکس که این تجارت کرد »
 خوش آن کسیکه درین فصل ، توبه چون بشکست
 گناه خود بشکست خود دی کفارت کرد
 شراب گشت بها ، باعث خرابی ها
 خدایش خیر د هاد ار چه پسر شرارت کرد
 هوای میکده ، عشرت فزاست باده فروش
 مگر ، به آب می این خانه راعمارت کرد
 زلوث زهد ریایی ، معا شری شد پاک
 که بهر سجده ، با بریق می طهارت کرد
 چو سر بکوه و بیا بان نبی ، دلی در یاب
 که یافت حج قبول ، آنکه این زیارت کرد
 ز لفظ بگذرد معنی طلب کن ، ای فسان
 که اهل معنی ابا ، ز آفت عیارت کرد

(۱)

حافظ

د ست در حلقه آن زلف دو تانتوان کرد
 تکیه بر عهد تو و با د صبا تنوان کرد
 آنچه سعیت من اندر طلبت بنمایم
 این قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد
 دا من دو ست بصد خون دل افتاد بدست
 بفسوس که کند خصم و هانتوان کرد
 عا ر فمش را بعثل ماه فلک نتوان خواند
 نسبت یار بهر بی سرو بیانتوان کرد
 سر و بالای من آنکه که در آید بسماع
 چه محل جا مه جانرا که قبانتوان کرد
 من چگویم که ترا ناز کی طبع ملول
 تا بعدیست که آهسته د عانتوان کرد
 غیر تم گشت که محبوب چها نی لیکن
 روز و شب عریده با خلق خدانتوان کرد
 نظر پاک تو اندر رخ جانان د یمن
 که در آینه نظر جز بصفانتوان کرد
 مشکل عشق نه در حوصله دانش ماست
 حل این نکته بدین فکر خطانتوان کرد
 بجز ابروی تو معراب دل حافظ نیست
 طاعت غیر تو در مذهب مانتوان کرد

غذا و اهمیت آن ...

به خصوص جگر است ما می تخم مرغ سبزی های مختلفه غلهجات خصوصاً گندم ، برنج مقدار کافی ازین ویتا مین را درخود دارد .

ویتا مین بی شش :

تطبیق آن استفراغات دوران حاملگی را بهبود میبخشد کمبود آن سبب تشنج ، زود عصبانی شدن کم خونی ، و بی اشتها می گردد منابع ویتا مین بی شش زردی تخم مرغ ، گوشت ، به خصوص جگر ، گرده ، ماهی ، شیر حیوانات مانند لوبیا ، نخود ، ماش و غیره میباشد .

ویتا مین اچ یا با یوتین :

از جمله ویتا مین های منحل در آب بوده خوردن زیاد و دوا مدار تخم مرغ به صورت خام سبب کمبود این ویتا مین در بدن می گردد سفیدی تخم که دارای یک ماده پروتئین دست با با یوتین یکجا می گردد و آنرا از بدن خارج می سازد خوشبختانه حرارت سبب تخریب این ماده پروتئینی می گردد بناء نباید تخم مرغ به شکل خام بلکه بهتر است بعد از پختن صرف شود . کمبود این ویتا مین باعث التهاب جلد ، کمخونی ، بی اشتها ، دلبدی ، ضعفی و درد های عضلی می گردد .

ویتا مین ب ۹ :

توقف نشوونما ، کمخونی و اسهال از علایم کمبود این ویتا مین است منابع غنی آن برگهای نباتات خمیر مایه ، گل کلم ، جگر ، گرده گوشت کاو ، گندم ، و غیره است .

ویتا مین بی دوازده :

کمبود آن سبب کمخونی خبیث می گردد بهترین منبع آن جگر ، شیر ، تخم ، ماهی و غیره است .

عصبی ، زود عصبانی شدن ، اختلال وظایف قلبی مانند ضربان قلب ، نفس کوتاه می ، ضعفی و بی اشتها بی از امراض و علایم عمده مرض است .

منابع ویتا مین بی - ۱ : شیر حیوانات ، مانند لوبیا ، نخود ، ماش می باشد که از وقوع مرض (بری بری) جلوگیری کرده میتوانند سبوس ، گندم و حبوبات مقدار کافی این ویتا مین را دارا بوده بناء خانواده های گرامی هنگام غلبیل آرد اگر سبوس آنرا دور نسا زنده بهتر است

ویتا مین (ب-۲) :

کمبود این ویتا مین باعث سوزش چشم ، ریزش اشک ضعیف شدن دید ، ترکیدن گوشه لبها و افسردگی و گوشه گیری می گردد .

شیر ، تخم مرغ ، گوشت ، جگر گرده ، ماهی ، از منابع مهم این ویتا مین می باشد ، حبوبات مانند لوبیا ، نخود ، ماش ، فاسولیا و مغزیات غذا های اند که مقدار کافی این ویتا مین را در خود دارند .

ویتا مین . پ یا نیا سین :

کمبود آن باعث مرض پلگرا میشود که این مرض از کلمه ای تا سیایی گرفته شده که معنی آن پوست خشک و خشن می باشد . پلگرا مرض کشنده و خیلی خطرناک بوده که پوست بدن دستگاره عضمی و عصبی را متاثر می سازد . خشک و خشن شدن جلد بی اشتها بی ، دلبدی استفراق ، اسهال از علایم مرض است ورم زبان که خیلی ناراحت کننده است . مبتلایان این مرض روحا نارام بوده بی خوابی ، بی اشتها بی ، عصبانی و افسردگی دارند . منابع خوب آن گوشت

بنابر آن توجه مادران گرامی را به نکات ذیل معطوف می داریم : برای اینکه اطفال تا به کمبود ویتا مین (دی) دچار نگرند با دید آنها را در شعاع آفتاب قرار داد ، هر گاه روزانه برای پنج الی سی دقیقه طفل را برهنه آفتاب دهم مقدار لازم ویتا مین دی در جلد بدنش ساخته میشود . ابر ، گردن و خاک لباس و شیشه و پنجره مانع جذب این ویتا مین در پوست بدن میگردد . این ویتا مین در تخم مرغ ، مسکه ، شیر ، جگر و غیره موجود است .

ویتا مین ای :

کمبود این ویتا مین التهاب عضلی را بار می آورد که سبب ناتوانی و سستی عضلات بدن می گردد . روغن پنبه دانه ، جواری ، کاهو و پوست نارنج مقدار کافی این ویتا مین را در خود دارند همچنان در شیر ، مسکه ، گوشت ، تخم مرغ و روغن ماهی نیز این ویتا مین موجود است .

ویتا مین کا :

که به اسم ویتا مین ضد خونریزی معروف است و در عمل لخته شدن خون در مواقع خونریزی نقش عمده را به عهده دارد . کمبود این ویتا مین سبب خونریزی می گردد برگهای سبز نباتات از منابع خوب آن بشمار میرود .

ویتا مین (ب-۱۲) :

این ویتا مین برای اشتها خوب تامین هضم طبیعی ، نشوونما و مقاومت بدن و وظایف اعصاب خیلی ضروری است کمبود آن سبب مرض (بری بری) می گردد . (این مرض عموماً در نزد اشخاص دیده میشود که غذای عمده آنها را برنج پوست شده تشکیل میدهد . بی علائگی ، احساس خستگی دائمی ، درد های



کمبود مواد غذایی این اطفال به چنین حالت در آورده است

علاوه بر ویتا مین ها منرا نیز برای وجود مواد ضرریم در بدن داشته میشود که از همه مهمت کلسیم و آهن دارا ی اهمیت شت میباشد .

کلسیم :

برای تشکل استخوان دندان ها ضروری است . نسبت به کلان سالان به کلسیم بیشتر احتیاج دارند ، هم زنان حامله به مقدار زیاد کلسیم نیاز دارند .

منابع غنی کلسیم عبارت است از برگهای شلغم ، لبلبو و برگه های آن ، ملی سرخک ، نعنا ، ماش لوبیا ، نخود و شیر و ماش میباشد .

آهن :

برای ساختن هموگلوبین که وسیله انتقال دهنده اکسیژن و کسریات سرخون است ضروری می باشد . مقدار آن سبب کمخونی میشود . منابع مهم آن :

سبزیجات برگدار مانند نیچر برگهای شلغم ، نعنا و برگ لبلبو و گشنیز ، نخود ، ارزن ، گوشت ، جگر و سیب و میوه های دیگر میباشد .

فیل در دوسیه

به فرض اینکه سو یکا هم ترا ضی نکند فیل به چه دردش خورد؟

و باز به خاطر آورد که حویلی ای نگهداری فیل ندارد، هنوز اندیشه از کله اش بیرون نرفته بود که فکر کرد فیل هر روز آنرا اقل به سی من گاه احتیاج دارد سر مهم در صورتی که خوراکش گاه میزند و لی چنانچه این حیوان لعنتی پشت خوار باشد در این صورت روزی که روزانه اش کمتر از یک سفند نخواهد بود.

صابون بز که در این افکار غم انگیز دست و پا میزد به سوی خانه روان بود پشت سر او فیل که بی گناهی به گردن داشت مو قران و متانت فیلا نه قدم بر میداشت مردم هم به دنبال فیل میرفتند، چنانچه فیل در پاسخ او لین «آه» بجنب آمیز خانم سو یکا که به

تسلیم گودکان و لکرد از شاهکار برکت و هر ش خبر شده و در منزل ما نظار او را میکشید، خرطو مشی است لکان نمیداد نیچکو بیچاره جور میشد در برابر همه ی مردم نشی فیل را بازی کند اما او با گلو ستفاده از فرصت مناسب با اکتفا به زنش تو ضیح داد که از سون به فیل گرانسها ترین صابون هارا بیه خواهد کرد و خانم سو یکا هم نگاهش شما تست آمیز اجازه داد سو هرش با فیل داخل خانه شوند.

انند نیچکو سه روز اول را از خانه بلبلو بز نیا آمد، خودش هم به تاجرستی نمیدانست که بیرون میباش فتنش بهتر است و یا در خانه

ما ندنش، در شهر او را نیچکو ی فیل لقب داده بودند و به مناسبت حماقت و بدبختی اش هزاران پرزه و داستان شاخدار برایش ساخته بودند، در خانه هم سو یکا که نیچکو بالاخره مجبور شده بود به وی اعتراف کند که از بیه فیل هیچ نوع صابونی تهیه نمیشود روحش را سوهان میزد.

و اما فیل مثل همه ی فیل ها بود یعنی کاری به کار مشا جرات خا نوادگی نداشت و مرتب خساراتی را به ارباب وارد میساخت:

آنچه را که به چشمش میخورد می بلعید، تمام محوطه حویلی را اشغال کرده بود به طوری که جایی برای عبور و جود نداشت برگهای درخت توت را کند و آنرا به شکل مرغ پر کند، بی در آورده بود، نیچکو معمولا صابونهای خود را پشت بام کوتاه خانه اش خشک میکرد فیل این صابون هارا تکه تکه بر میداشت و آن را به سر بچه هایی میکوبید که از روی بام ها دیتش میکردند.

یکروز نیز فیل مقدار ی فراوان آب را در خرطو مشی جمع کرد و آن را از راه بنجره به درون اتاق همسایه ریخت طوری که همه تر شدند و خساراتی زیاد به بار آمد و همسایه نیز به اداره پو لیس شکایت کرد.

نیچکو بیچاره دایم به سر میکوفت و خانم سو یکا که به وظایف همسری خود آگامی کامل داشت در این کار به او کمک میکرد یعنی او هم بامشت به سرشوهرش میکوفت.

فیل را چه کند بفروشد، کسی آنرا نمی خرد، هدیه کند؟ حتی اداره مکتب هم حاضر به قبول آن نشده بود، پس چه خاکی به سرش بریزد که از شر فیل راحت گردد؟

روزها و شبها کارش فکر کردن بود تا اینکه تصمیم گرفت فیل را به خارج شهر ببرد و رها کند و همین کار را هم کرد اما داستان به همین جا خاتمه نیافت چند ساعت بعد از ورود او به خانه به شدت در ب منزل را کو بیدند و چون نیچکو آنرا باز کرد پولیس را دید در حالیکه طناب فیل را به دست دارد و فیل نیز در عقب او با نگاه ملامت کننده اش او را

مینگرد و برویش قرار دارند، پو لیس به نیچکو اطلاع داد که فیل او تمام مزرعه ی دیگای نقاشی را لگد مال کرده، چهارخ من گاه پرویی حلاج را در هم کوبیده، دوگوسپند «پوتس» صا حسب باغ انکور را کشته، بام گامی خانه یی را ویران کرده و گاو میش های زارعی را چنان به و حشت انداخته که آنها به درون گودالی افتاده و گاری زارعی را خرد کرده اند.

چشمان نیچکو چون چشمان کودکی خردسال پر از اشک شد، نزدیک ظهر خبر های دردناک تری به او رسید:

هفت نفر از او به عنوان فیل در محکمه شکایت کرده و ادعای پرداخت بیش از پنجاه گروش را از جانب او داشتند، جای هیچ گونه درنگ نبود، نیچکو به منظور اجتناب از بدبختی های جدید، پس از مشورت با زنش نزد وکیل مدافع رفت.

وکیل قبل از هر کاری مبلغ بیست گروش از نیچکو حق الوکاله گرفت و بعد به او مشوره داد که اموالش را هر چه زودتر به همسرش منتقل کند و بعد سو یکا فیل را از خانه خارج ساخته و خود نیز به شهر دیگری سفر کند.

را هنما بی مدبرانه یی بود و نیچکو نیز به آن عمل کرد، بعد از ظهر هفت فقره اخطاریه کوتاه به او رسید که همه هم فوریت داشت و او را مسو ظف میساخت که ساعت هشت صبح فردا عازم اداره پو لیس گردد.

اما بنا بر توصیه وکیل مدافع به منظور ایجاد پیچیدگی بیشتر، نیچکو به همراهی فیل عازم اداره پو لیس گردید، در همین حال تمام اموال صابون بز به همسرش منتقل شده بود، سو یکا نیز به محض خروج فیل و شوهرش در ب خانه را قفل کرد و عازم سفر شد.

آقای پایا که ما مور رسیدگی به شکایات شاکیان از صابون بز وفیل اوشده بود اکنون به طور بسیا ر جدی خود را گرفتار یافت، در برابر مساله یی جدید و دشوار قرار گرفته بود:

فیل را چه کند؟ فرض کنیم صابون بز را توقیف کند، اما فیل را چگونه، آیا او را هم توقیف کند؟

اما این غیر ممکن است، اولاً به اندازه کافی پو لیس ندارد و دوماه برای توقیف فیل مجوز قانونی در دست نیست.

آن شب نیچکو ی صابون بز با آنکه توقیف بود خواب را حتی کرد اما پایا نتوانست لحظه یی بخوابد، تمام شب را می اندیشید خوب بالاخره با فیل چه کند، چطور است آنرا به عنوان پیوست دو سیه ی نیچکو ی صابون بز به محکمه بفرستد، اما مگر فیل را میتوان ضمیمه دوسیه نامید، از طرف دیگر چگونگی باید یافت که فیل با او مربوط در آن جای گیرد؟ بالاخره صبح راه حل اساسی را یافت و دست به کار اجرای آن شد:

او با زیرکی صورت مجلسی تنظیم کرد و دو فقره پیوست ضمیمه ی آن نمود، پیوست شماره یک شامل هفت فقره شکایت علیه صابون بز و پیوست شماره دوم یک راس فیل بود، آقای پایا با حيله گری و مودی گری در یاد داشت خود متذکر گردید که اداره قوما ندانی دارای بیطار است و به این ترتیب این بازگران را از خود رفع کرده و آنرا به گردن قوما ندانی می انداخت.

آقای پایا می اندیشید: «قوما ندانی کار مندان زیاد دی دارد و تا دو سیه دست به دست بگردد به امید خدا پیوست شماره دوم خواهد مرد.»

و اکنون همه ی این دو سیه در بست به ایستای پو لیس محول شده بود، پس از حل این مشکل آقای پایا نیز موفق شد مانند نیچکو ی صابون بز خواب راحت و شیرینی بکند.

ایستای پو لیس معمولا دوسیه وضمایم آنرا زیر بغلش حمل میکرد، اما این دفعه چنانچه میکوشید با فیل نیز همین کار را بکند، ضمیمه خود او را بغل می گرفت و حمل میکرد بنا بر این لازم بود برای حل مساله دشواری که به وی محول شده بود به طور جدی چاره یی بیندیشد.

بقیه در صفحه ۵۰

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت



شرح نظریه‌های پرو فیسور انیشتین در چند کلمه

شاعر بزرگی ۳۲ سال در زندان

پرو فیسور انیشتین عالم مشهور محتاج به معرفی نیست. همه می دانند که کشفیات او در زمینه علم اساس بسیاری از معلومات بشری را متزلزل ساخته است. قصه شیرینی از او نقل می کنند که واقعا شنیدنی است:

مسعود سعد سلمان که در زمان سلاطین غزنوی میزیست از جمله بزرگترین شعرای محبوب کشتو رماست که اهل قلم و شمشیر بود چنانکه علاوه بر آنکه بقول مولف «مجمع الفصحاء» در شعر و شاعر کمتر کسی بیایه او رسیده لشکر کشیها نیز نموده و در هندوستان فتوحات عمده نصیبش گردیده است. گویند وی راسه دیو بود بزبان فارسی و عربی و هندی و دیوان فارسی او مشتمل بر هجده هزار بیت است.

جمعی از خانم ها بواسطه کثرت انتشارات عجیبی که از احوال و اطوار انیشتین شنیده بودند خیلی مایل بودند که با وی هم صحبت بشوند و مساله بفرنج نسبت را از خود او توضیح بگیرند. یکروز خانم ها از وی سوال کردند آقای پرو فیسور ما را از حقیقت کار خود بطور مختصر مستفید سازید و توضیح بدهید که بعد چهارم چه فضا بی دارد که ما آنرا نمی فهمیم. وی در جواب گفت:

سلطان ابراهیم غزنوی نسبت بوی سوظن پیدا نمود و در سنه ۵۷۱ هـ او را در حصار نای محبوب ساخت و دوازده سال تمام در زند بود تا سلطان وفات یافت و وی از نوروی آزادی دید ولی افسوس که این آزادی دولت مستعجل بود و باز چندی بعد دوباره آن بینوارا زندان انداختند. و این مرتبه بیست سال تمام در حبس ماند که رویه حرف سنی و دوسال در زندان بوده است. نباید تصور نمود که چون شخص مشهور و بزرگی بوده در زندان با او با احترام رفتار مینموده اند حاشاکه چنین باشد و چنانکه خودش گفته است در گوشه زندان قلعه نای در بند و زنجیر بوده و مدام چندتن بر او پاسبان بوده اند. در همین باب گفته:

«دو نفر گدا روزی در خیابان با هم دیگر قدم میزدند که یکی از آنها کور و دیگری بینا بود. گدای بینا بکور گفت:

قریبا بده خواهیم رسید و در اینجا برای ما دو سه کاسه دوغ سرد گوارا خواهند آورد.

کور گفت:

دوغ چیست؟

چشمدار گفت:

هایعی است سفید رنگ

کور گفت:

هایعی چیست و سفید یعنی چه؟

چشمدار گفت:

راستی یادم رفته بود که تو کور هستی و رنگ سفید را نمی دانی. سفید همان رنگ مرغابی است.

کور گفت:

بلی میدانم رنگ چیست و شنیده ام که هر چیزی در این عالم رنگی دارد لیکن مرغابی چه شکل دارد.

بینا گفت:

بخشید باز هم فرا موش کرد. بودم که تو کور هستی. مرغابی همان پرند ه ای است که دارای گردن کج و معوج می باشد.

کور گفت:

نمیدانم کج و معوج چیست؟

بینا از این گفتگو حوصله اش سر آمده دست خود را بسمت رفیق کورش دراز کرده بوی گفت:

آیا میدانی معوج چیست؟

دست مرا الان بگیر و ملاحظه کن که الان راست و مستقیم است و هنگامیکه آنرا منحنی میکنم معوج میشود. در این وقت کور بایک لحن عجیبی به رفیقش گفت: بسیار خو بالان معنی دوغ را فهمیدم

و به همین قصه مختصر انیشتین به خانم های مزبور فهمانید که نظریه وی باین زودی ها و باین مختصر ممکن نیست فهمیده شود و کسی که میخواهد این نظریه را بفهمد لازم است مدتی مقدمات علوم را بخواند تا بتواند به حقیقت عقیده وی اطلاع یابد.

«در حبس و بند نیز ندارم استوار
تا گرد من نماند شده تن نگاهبان
هر ده نشسته بر درو دیوار سمج من
با یکدیگر دمادم گویند هر زمان
همین بر جبهه زود که حلیت گری است او
کز آفتاب پل کند از سایه نردبان
در هیچوقت بی شفقت نیست کوتوال
هر شب کشته زیاد به من برد و پاسبان
تا مرمر که حلقه بند است برد و پای
هستین دودیده از خون گویی دو ناودان
بندم چه باید آهن کما روز مرا
بسته شود و پای بیسک تار ریسمان»

این شاعر بیچاره در حبس اشعار زیاد گفته و شاید دلنشین تر بر آن اشعار همانا قطعاتی باشد که در شکایت از روزگار و در شرح حال رقت آمیز خود گفته است و از آن جمله این ابیات است که از قطعات مفصلی نقل میگردد:

«از کس درده خویشتن بشیمانم جز تو به ره دگر نمیدانم
تا زاده ام ای شکفت محبوسم تا مرگ مگر که وقف زندانم
بر مغز من ای سپهر ساعت چندین چه زنی که من نه سندانم
گوری است سیاه رنگ دهلیزم خوگی است کر یه روی دربانم
از همه بدتر آنکه این شاعر بیچاره چنانکه از سخنان خودش استنباط میشود آدم خوشگو و خوشخو و خوشگذرانی هم بود خودش میگوید
«من اهل مزاح و ضحکه زبجم مرد سفر و عصا و انبانم
ولی نکته غریب اینکه با این همه بدبختی و مصیبت که در واقع زنده

بگور شده بود و خودش میگوید :

« اندر تنم ز سر ما بفسرد خون تن

بگداخت باز ز آتش دل مغز استخوان »

معینا همواره متوجه عظمت مقام و شان و منزلت خود بوده چنانکه در همان زمانی که در گوشه زندان و دور از عالم و عالمیان دو پایش در زنجیر بود گفته است :

« آنست همه که شا عری فحلم دشوار سخن شد است آسا نم
در سینه کشیده عقل گفتارم بر دیده نهاده فصل دیوانم
شا همین هنرم نه فاخته مهرم طوطی سخنم ؟ نه بلبل الحانم
نقصان نکتم که در هنر بحر م خالی نشوم که در ادب گانم
از گوهر دامنی فرو ریزم گر آستینی ز طبع بفشا نم - »
وباز در جای دیگر فرموده :

« بیجان و توان نحیف و زارم گر آستینی ز طبع بفشا نم
هر چند که بزمرده ام ز محنت در عهد یکی تازه گلستا نسیم
برسیم بخانه گهر بیارم و ز سنگ بیولاد خون برانم
الحق که شا عری بزگوار مستحق است که نامش جاودان بماند و
همان طور که خودش گفته :

« پیدا ست هنر های من بکیتی هر چند من از دیده ها نهانم »

کجایی

ای شوخ بر روی نظر باز کجایی امروز نیایی بنظر باز کجایی
من عاشق روی تو ام اما گله دارم نی روی نما یی و نه آواز کجایی
غیر از تو دگر دلبر هم از ندیدم وی دلبر وای همه دم و همراز کجایی
درع شوق تو غم دیدم اندوه و ملامت ای هم نفس و همسرو دمساز کجایی
بسیار کتم ناله و بسیار بزارم از دوریت ایماه فلک تاز کجایی
گفتم شوم عاشق و دلباخته اما دلدادم و در سوزم و در ساز کجایی
دیبا چه عشقت جگر خونی و ادبار رسوایی عشقت سر آغاز کجایی
مگذار که از عشق تو من زار بگیریم ای رشک مکشمیرو شیراز کجایی
از فرقت تو ناله کند زار فروزی ای سرو سببی قامت طنناز کجایی
فروزی پنجشمیری

پندهای عبیدزاکانی

عبیدزاکانی که وفات او را در سنه ۷۷۲ هجری قمری نوشته اند رساله ای دارد به اسم « رساله صد پند » و پند های ذیل از آنجا نقل می شود . بسته به فهم و ذوق خواننده گانست که بپذیرند یا نپذیرند در کوه ای که مناره باشد و نایق میگیرید تا از درد سر موذنان بد آواز ایمن باشید .

خود را از بند نام و ننگ برهانید تا آزاد شوید زیست .
در خانه مردی که دوزن دارد آسایش و خوشدلی و برکت
بر لب جوی و کنار حوض مست مروید تا ناگاه در آب
نیفتید .

عبیدزاکانی علاوه بر آنچه در فوق ذکر گردید پند های دیگری هم
دارد که از نقل آن درین جا خودداری شد .

عبیدزاکانی حکایات خوشی نیز دارد که برای تفریح خوانندگان
پاره از آنها را در اینجا می آوریم .

حجی گو سفند مردم می دزدید و گوستش را صدقه می کرد . از
او پرسیدند که این چه معنی دارد .
گفت :

ثواب صدقه باین دزدی برابر گردد و در میانه بیه و دنبه ش اضافه
باشد .

قزوینی با سپری بز رگت به جنگ رفته بود . از قلعه سنگی
بر سرش زدند و بشکستند . برنجید و گفت :
ای مردك ، کوری ، سپری بدین بزرگی را نمی بینی و سنگ بر سر من
می زنی .

قزوینی را پسر در چاه افتاد . گفت جان بابا جای مرو تا من
بروم رسن بیا و ز م و ترا بیرون کشم .
عموذن بانگ می گفت و می دوید بر رسیدند چرا می دوی .
گفت می گویند آواز تو از دور خوشست ، می دوم تا آواز خود
را از دور بشنوم .

قزوینی خر گم کرده بود . گردشهر می گشت و شکر می گفت .
گفتند شکر چرا می کنی .
گفت :

از بر آنکه من بر خر ننشسته بودم و گر نه من نیز امروز چهارم
روز بودی که گم شده بود می .

خراسانی با نردبان به باغ دیگری می رفت تا میوه بدزد .
صاحب باغ پرسید و گفت در باغ من چه کار داری .
گفت نردبان می فروشم .

گفت نردبان در باغ من می فروشی گفت نردبان از آن منست هر جا
که خواهم می فروشم .
قزوینی تبری داشت و هر شب در مخزن نهادی و در محکم بستنی
زنش پرسید چرا در مخزن میکنی . گفت تا گر به نبرد .
گفت گر به تبر چه میکند .

گفت عجب ابلهیی هستی . نشان خشک را که بیک جو نمی از زد
میبرد ، آیا تبری را که به ده انبار خریده ام رها خواهد کرد ؟
بازرگانی زنی خوش صورت زهره نام داشت . عزم سفری کرد .
از بهر او جا مه ای سفید ساخت و کاسه ای از نیل به خادم داد که
هر گاه ازین زن حرکتی ناشایست درو جود آید یک انگشت نیل بر جا مه
اوزن .

پس از مدتی خواجه به خادم نوشت :
چیزی نکند زهره که تنگی باشد بر جا مه او ز نیل رنگی با شد
خادم به او نوشت :
گرز آمدن خواجه درنگی با شد چون باز آید زهره پلنگی با شد
شخصی خانه ای اجاره کرده بود تیر های سقف بسیار صدا می
میکرد . بخداوند خانه از بهر مرمت آن سخن بگشاد .
پاسخ داد که چوب های سقف ذکر خداوند می کند .
گفت نیک است اما می ترسم متجر به سجود شود .
واعظی بر سر منبر میگفت :

هر گاه بنده ای مست بمیرد و مست دفن شود مست سر از گور
بر می آورد .
خراسانی که در پای منبر بود . گفت :
بخدا آن شرابی است که یک شیشه آن بصد دنیا می ارزد .

میان فرستاده های شما : شعر - قصه - مقاله - حکایت

تبع و تکارش از: دیپلوم انجیر دگرمن بها در شاه

احیای ملیتاریزم در جاپان

با اجرای وظایف سترا تیز قوا ی
 فو قی محافل حاکمه جاپان کشور ، بی
 را به سوی نظا میگری وحما ۱۴۸
 ازبلان های تجاوز کارا نه ایا دیده
 متحده امریکا در جهان میکشا نه ۴۴
 طبق اطلاعیه روز نامه ((واشنگتن صفو
 بست)) صدراعظم فعلی جاپان
 تحکیم مناسبات رابا امریکاستک مطبوعه
 پایه سیاست خار جی کشور رانشا
 دانسته و یاد آور شده که تعهدتق پلا
 صدراعظم سابق آنکشور را که سال
 هدف آن تقویت نیرو های نظا نما
 است تحقق می بخشد .
 ارقام نشر شده میرساند کتر
 تعداد منسوبین قول اردوی احتییر می
 پولیس که در سال ۱۹۵۰ به ۱۰۰۰۰ نفر
 نفر میرسید این رقم در سال ۱۹۵۰ فرقا
 به ۲۴۱۰۰۰ نفر و علاوتا ۳۹۰۰۰۰ نفر
 احتیاط تحت جلب رسیده اسراس
 همچنان در جاپان در حدود ۱۰۰۰۰
 نفر مر خصمین در نیرو های نام حدود
 ((دفاع ازخود)) بشکل احتییر
 موجود میباشند .
 متخصصین امور دفاع را عری
 بر آنست که امکانا ت محاربهکار ی
 نیرو ی نام نهاد ((دفاع ازخونی
 جاپان به مراتب قویتر به مقابله
 سالها ی جنگ دوم جاپان ای
 وزمیننه تزیید بیشتر آن هنوزست
 میسر است . باسراس احصا بکنک
 های سال ۱۹۷۲ تعداد افراد نیرو
 شرایط شمو لیت به عسگری به راه
 سنین هجده - بیست و چار به لاجها
 ونیم ملیون نفر رسیده و تاین
 افسران و خرد ضابطان اردو لانه
 کشور تناسب نصف یا دو سده ا
 منسوبین اردو را احتوا مینمایان
 نیرو ی نام نهاد ((دفاع ازخونی
 جاپان در ختم سال ۱۹۸۰ در امریک
 قطعات زمینی متشکل از ۵۵۰۰
 در سیزده فرقه ، یکتعداد لو
 و گرو پهای مستقل تانک، دی
 عوایی هلیکوپتر ، راکت و تو
 انجیری و همچنان جز و تا
 تأمینات محاربه ی ، مادی و تخ
 در اختیار داشت .
 قطعات پیاده آن با ۸۰۰ تا
 در حدود ۴۵۰۰ توپ وها و
 تعداد کثیری راکت های ره
 شده دافع هوا ، راکت های ره
 شده ضد تانک وسایر سلا
 و تخنیک محاربه ی تجهیز گر
 است .

پرستی و ملیتاریستی ، ((شجاعت
 سمورای)) فعالیت مینمایند و به
 تعداد کثیری کتب ونشرا ت که
 بیان کننده ((قهرمانی)) های نظامی
 گراز جاپان در زمان جنگ دوم
 جهانی اند به چاپ میرسند و از
 طریق رسا نه های گرو هی مارش
 ها و ترانه های عسگری فرا موش
 شده پخش میگردد و روی صفحات
 تلویزیون فلم های جنگی ظا هر
 میگردد .
 ماشین دولتی باز گشت به
 ملیتاریزم را منحیت یک ضرورت
 میرم رشد و ارتقا ی قوا ی مسلح
 به حیث مدافع سیاست خار جی آن
 کشور به صورت متوازن بسطخ
 رشد اقتصادی کنونی ارزیابی می
 نمایند .
 نشرا ت سال ۱۹۸۰ این کشور
 وظایف میرم دولت را طور آتی
 تشریح می نماید : پیشبرد دیپلو -
 ماسی ((قاره)) نه تنها به اساس
 تحکیم قرار داد امنیت بین جاپان
 و امریکا ، ارتقا ی قدرت نظامی
 جاپان ، گسترش مناسبات با
 بیکنگ و رژیم های دیکتاتور ی ،
 تأثیر بر سیاست جاپان ، کمک
 های دیپلو ماسی ، اقتصادی وسایر
 شیوه های دیگر غیر نظامی بلکه از
 طریق مصارف نظامی مطابق
 با قدرت اقتصادی جاپان وسایر
 کشور های سر ما یه سالاری متوازن
 باشد صورت میگردد .

محافل ارتجاعی ضمن تبلیغات
 نظامی تحت عنوان ((نبرد در برابر
 کمونیزم جهانی)) میکوشند توده
 های وسیع مردم را طور ی تلقین
 نمایند تا امکانا ت نزدیک شدن و
 متحد شدن با ایالات متحده امریکا
 وشوونیزم چین فراهم گردیده
 ماهیت صلح آمیز قانون اساسی
 جاپان را تحریف نمایند و قدرت
 نام نهاد ((دفاع از خود)) را تقویت
 بخشند .
 باید یاد آور شد که احیای
 ملیتاریزم در جاپان تقریبا بعد از
 جنگ جهانی دوم نخست به شکل
 پنهانی وبعد ا به صورت آشکارا
 از طرف عناصر محافظه کار و
 عظمت طلب مورد حمایت قرار گرفت
 و بعدا طبق کمک های مالی وسخا -
 و تکرانه (!) اتحادیه های صنعتی
 نظامی که در وحله اول مصروف
 اجرای فرمایشات نظامی امریکا
 بودند و بالاخره بنا م کمک واحیای
 قوا ی مسلح جاپان عرض اندام
 نمودند .
 اکنون تحت شرایط ایجاد خوف
 وهراس از طرف واشنگتن و
 بیکنگ وعداوت به مقابل اتحاد
 شوروی ، جاپان ، به بازیچه مدهشی
 به امر صلح جهانی مبدل گردیده
 است . در کشور جاپان به شکل
 رسمی صد ها سازمان ملیت گرا
 که مصروف پروپا گند های نژاد

بشریت مترقی و جاپان صلح
 توسعه نظامی گری حکومت جاپان
 وانحراف از تعهدات مندرجه قانون
 اساسی آنکشور در مورد ((جلو -
 گیری از جنگ منحیت وسیله حل
 کننده پرابلم های جهانی)) در
 تشویش اند .
 مردم زحمتکش جاپان در هنگام
 جنگ جهانی دوم ، سه ملیون کشته
 داده وشهر های هیرو شیماوناکا -
 ساکی در اثر حمله ضد انسانی
 اتمی امپریالیزم امریکا به خاک
 یکسان گردید ، اکنون بار دگر
 می خواهد بنا بر تقاضای کمپنی های
 جنگ طلب وانحصارات جنگ افروز
 ملیتاریزم را احیاء نماید تا بدین -
 وسیله بر خلاف ماده نهم قانون
 اساسی آنکشور به بهانه ((دفاع
 ازخود)) بانظامی ساختن حیات
 اقتصادی آنکشور استثمار و بهره
 کشی را افزایش بدهند .
 در جاپان کنونی دیوانه نشیزم
 (انتقام جویی) به صورت سریع
 منحیت یک پدیده ارتجاعی تقویت
 بیشتر یافته که این خود آتششش
 ونیستی رادر آنکشور دامن زده
 است در بین توده ها خوف وهراس
 را آنهم به بها نه اینکه گو یا ((تهدید
 شوروی)) موجود است ایجاد می
 نماید .

تیز قوای بحری جاپان از ۴۲۰۰ کشتی، بیش از ۱۷۰ کشتی های جنگی، ۱۴۸ طیاره های جنگی تشکیل یافته اند. این قوای هوایی آن ۴۴ نفر، ۳۵۶ طیاره بحری را شامل می شود. صنایع و خویش متهم کز ساخته است.

مطبوعات جهان این واقعیت را افشا می نمایند که به منظور تعدیل تقابلان های پنج ساله نظامی در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۴ را احتوا می نماید جاپان ۱۳۰۰۰ میلیارد یمن (۶۰ میلیارد دلار) را که کمتر از مصارف نظامی ده سال اخیر می باشد اختصاص داده است. به طریقی تطبیق پلان پنجساله تشکیل ل. فرقه جدید تانک و یک ل. سوی ۳۹۰۰۰ تنظ پیشبینی گردیده است. به اساس پلان پیشبینی شده تجهیز... تا ۳۰۰ تا تک جدید، نام حدود ۲۰۰ او بوس ذات الحركه احتیاج از ۱۰۰ زره پوش، وسایط جدید مخاربه، در حدود ۴۰۰ طیاره را برای جدید از جمله طسیا را ت محاربه های جدید اف پانزده و چهل از خوشی جنگی مدنظر است.

مقاومت این همه تلاش های مذبحانه نیای جنگ افروزان جاپانی کافی هنوزست. به امید واری واشنگتن حصا بکنک تمام قوا نین محدودکننده فراد نیروی نظامی تغییر نموده و گریه راکتی هستوی و دیگر انواع ر به احبا هنوز هم تجهیز میگردد. و تا این نیرو های موثر به صورت اردو لانه به تقاضای های ایالات دو سخته امریکا در مورد ارتقای رول مینمایان در حل مسایل منطقه وقاره باغ از سطح میدهند. محافل نظامی ۱۹۰۰ امریکا و جاپان پلان های مشترک ۵۵۰ داد ل... ک... د... و تو... و تا... ی و تخ... تا ۸۰... ها و... ی ره... های ر... سلا... ز...

راکه در قانون اساسی آنکشور از آن یاد شده تلاش دارند و باتولید کتلوی آن قیمت ها را تنزیل می دهند. این محدودیت ها و تلاش های محافل حا که جاپان آنکشور را به حیث رقیب یکه تاز امریکادر جهان تبدیل نموده و امریکارا ازینکه جاپان در مار کیت های جهانی مقدار هنگفت عواید تجارت نظامی را می بلعد محافل حا کم امریکا و جهان سر ما به داری رابه تشویش انداخته است چه در حال حاضر نه تنها در ساحه نظامی بلکه در سکتور های گوناگون اقتصاد ی تخنیک و تجارتی جاپان به مراتب از آنها پیشی گرفته است. محافل حا که امریکا وارو پای غرب خواهان یک جاپان نیرو مند و لی مطیع به آنها میباشند.

باوصف آنکه جاپان با عرضة کریدت های مالی آرزوی نزدیک شدن با چین را دارد اما ازینکه در داخل چین او ضاع طور لازم استقرار ندارد، پیوسته در تشویش است. بنابراین جاپان به منظور حضور قوای نظامی امریکا و ایجاد اتحادیه اوقیانوس آرام که کشور های امریکا، کانادا، اتریش، زیلاند جدید و اعضای انجمن جنوب شرق آسیا به شمول حوزه ((آزین)) در آن عضویت داشته باشند بدل مساعی می نماید. جاپان در پیمان تازه ایجاد شده، منافع بیشتر مشا عمده می نماید چه در حال حاضر در حدود هفتاد فیصد تجارت خارجی اینکشور در حوزه آسیای اوقیانوس آرام صورت میگیرد. لازم به یاد آوری است که جاپان ۶۵ فیصد آهن، پنجاه فیصد فلزات

و مشخص پیشبرد عملیات نظامی منجمله عملیات تعرضی راهنگام ((حالات بحرانی)) و اجرای تطبیقا و مانور های مشترک ترتیب و تنظیم مینمایند که در طی سالهای اخیر به همین منظور چندین بار تطبیقات هوایی و زمینی این دو کشور صورت گرفته است.

قو ماندانی قوای امریکا قطعاً جاپان را در تطبیقات و در طرح عملیات در مناطق دور تر از سواحل جاپان جلب مینمایند تا بدین وسیله اردوی جاپان بتواند وظیفه ((ژاندارم منطقه و جهان)) را به خوبی انجام بدهد. هویدا ست که طی سالهای اخیر نزدیک شدن جاپان را در تطبیقات و در طرح را به حیث وسیله تجا وز واشغال گری واشنگتن و بیکنگ مبدل نموده است که در مورد میتوان در موضع گیری محافل سیاسی جاپان در اطراف جمهوری دیمو کراتیک افغانستان و مالک جنوب شرق آسیا منجمله هند و چین مشال آورد.

بتاسی از اطلاعات بخش شده در مطبوعات جهان در حال حاضر بیش از ۲۲۳۰ شرکت و فابریک جاپان به تولیدات وسایل جنگی، اشتغال دارند که اکثریت آنها مانند مسیو بیسی از زمره کمینی های انحصاری میباشند. این کمینی های غول پیکر از طریق فروش طیاره های جنگی و جوه بیشتر از یکصد و پنجاه میلیارد یمن جاپانی بدست آورده اند.

به منظور حصول عواید بیشتر انحصارات صنعتی نظامی محدودیت های صدور سلاح و تخنیک محاربه ای

رنکه، کلیه حوایج را بر طبیعی هفتاد فیصد محصولات جنگی، نمود فیصد پشم، بیشتر از پنجاه فیصد گوشت و تقریباً کلیه حوایج گندم و نفت و یوزا نیم خویش را هم از همین منطقه بدست میاورد.

پیمان او قیاس آرام، به حیث حلقه ارتباطی سیستم قاروی با پیمان های تجا وز گرناسو ایفای وظیفه خواهند کرد.

در آغاز سال ۱۹۸۰ برخلاف مواد صریح در قانون اساسی جاپان، مانور ها و تطبیقات نظامی با اشتراك قوای مسلح کشور های امریکا، کانادا، اتریش، زیلاند جدید در حوزه او قیاس آرام بفاصل هزاران کیلو متر دور تر از سواحل آنکشور براه انداختند.

هدف این همه فعالیت های نظامی و احیای ملیتاریزم در جاپان جنبه گیری وسیع علیه کشورهای سوسیالیستی، ایجاد تشنج در منطقه و جهان میباشند.

اما اکنون مردم جاپان که زهر فاجعه فراموش ناسازنی هیرو-شیما و ناگاساکی را چشیده اند همراه با سایر کشورهای آسیایی هرگز حاضر نیستند تا حوزه او قیاس آرام به گره تضاد ها و مرکز مناقشه و بازار دسیسه سیاسی تبدیل گردد.

حزب کمونیست جاپان به همراهی سایر نیرو های مترقی آنکشور به صورت جدی، پیکار وسیع را علیه احیاء و انکشاف ملیتاریزم در جاپان که بسودن تردید آله در دست پنتاگون است ابراز میدارند.



انرژی های نوگام جهان

بشر در آینده از کدام منابع انرژی استفاده خواهد کرد؟

اما سعی بیشتر در دستگاه های سیستم ساینکل بسته مبدول شده است. تا حال در طرح و اصلاح اقتصاد دی و تخنیک های دستگاه ها () کمتر پیشرفت وجود دارد، زیرا با وصف آنکه مواد محروقی در آن به مصرف نمی رسد اما مصارف هنگفتی برای وسایل و سامان آن وجود دارد. صرف نظر از این مصارف، اهمیت این دستگاه ها در آنست که در اثر این عملیه آب صاف و تازه بدست می آید.

دستگاه های () امکان دارد در روایحی بحری و یا زمین ابخار در حال شنا قرار گیرد، نصب دستگاه های اخیر آن امکان دارد در جنرا تور کو چک مسا عد باشد که مشکلات انجینیری و مصارف آن به صورت قابل ملاحظه کمتر خواهد بود، مشکلات بزرگ محیطی از ناحیه دستگاه های () متصور نیست اما مفیدیت آن ازین لحاظ است که سطح آب بحر را قابل استفاده حیات می سازد.

قوة امواج بحری :

امواج بحر در اثر وزش باد به وجود می آید و البته آنها به نوبه خود بنابر عمل تابش و نیروی انرژی آفتاب تولید میگردد، باو صفت تحقیقات جدی و ممتد یک درین تازگی ها صورت گرفته صد ها نوع دستگاه های مولد انرژی امواج بحر در دو صد سال اخیر طرح و دیزاین گردیده، با آنها قوه تولید این دستگاه محدود به قوه کم (هفتاد الی یکصد بیست وات) بوده و قوه مورد نیاز را برای تنویر رهنما های

آبی سرعت گرفت و قوه برقی آبی در سال ۱۹۲۵ چهل فیصد انرژی الکترو نیکی جهان را تامین نمود. از آن تاریخ به بعد تا حال قوه برق آبی جهان یازده برابر انکشاف یافته اما برعکس سهم قوه برق آبی در مدار کیت جهانی به مقایسه دیگر منابع به بیست و سه فیصد کاهش یافته است.

استحصالی انرژی برقی آبی اغلبا با جریان آب در یاهای بزرگ

شناور در بحر تامین مینمایند. برابلهای انجینیری استفاده از انرژی امواج بحر هنوز هم انجینیر ها را به مبارزه می طلبد تا طاق اقتصاد بهره برداری لاقط قسمتی ازین نیرو را دریابند. بنابر همین قیمت گزاف و مصارف هنگفت آنست که زمینة استفاده انرژی از امواج بحرالی سال ۲۰۰۰ میلادی مساعد شده نخواهد توانست مگر آنکه انکشافات خارج العاده درین راه صورت بگیرد.

یکی از فواید چشم گیر انرژی امواج بحر آن خواهد بود که این دستگاه به حیث دستگاه شکننده امواج بحر به سطح بحر آرامش نسبی بوجود خواهد آورد و در نتیجه عدم موجودیت امواج قوی از تخریبات و فرسایش ساحلی خواهد کاست و باین ترتیب تخریبات ساحلی تحت کنترل خواهد آمد.

انرژی قوه آبی :

انرژی ییکه از قوه محرکه آب بدست می آید یکی از منابع اولی پشمار می رود که انسان ها به پیمانة وسیع از آن استفاده کرده اند تاریخ استعمال چرخهای آبی به مد نیت های قدیمه متعلق است، پاکشف ماشین بخار و چرخهای توربین دار در اواسط دهة ۱۸۷۰ استفاده از انرژی آبی پیشرفت زیادی نمود.

چرخهای متنوع ییکه توسط قوه آبی به حرکت می افتاد به اشکال مختلف در ایجاد عصر صنعت قرن نوزده کمک قابل ملاحظه انجام داد. با آغاز قرن بیست انکشاف برق

بایسکل و سیله خوبی برای سیاحت

بیش از شش سال میشود که او در حال سفر است. درین مدت چرخهای بایسکل او بیش از صد هزار کیلو متر را در بیش از هشتاد کشور جهان پیموده است. او هنوز هم یک سفر چهار ساله دیگر را در پیشرو دارد.

جای موندال سفر بیسابقه دور جهان خود را در ماه دسمبر سال ۱۹۷۴ که هنوز بیست و یک سال عمر داشت از کلکتة آغاز کرد.

او در هر ده ماه اول سفرش سر زمین ابایی اش (هندوستان) را عبور کرده و در شش ماه بعد آن سفرش را در آسیای جنوبی خاتمه بخشیده و راهش را به قاره افریقا گشود مگر متاسفانه سفرش به صورت ناگهانی قطع گردید: طوریکه در شاهراه تانزانیا زمینیابا یک موتور باربری تصادم نموده و توسط طیاره واپس به کشورش انتقال یافت و برای پنج ماه تمام در یکی از شفاخانه های

شهر بمبئی بستر باقی ماند چو تر است تصمیم او خدشه ناپذیر بود بعدش شفاء کامل سفرش را دوباره دنیاروژه کرد. او برای مدت بیش از سی سال در سرکهای شرقی قاره افریقا، اروپا و المپیا مسکو پیموده بایسکل راند.

سفر دور دنیا اینهم بابا بایسکل از چندین جهت مشکل و حجت ناممکن مینماید. مگر برای جاکر موندال تمام مشکلات قبلا حل گردیده بود.

ضروریات مادی او از طرف سازمان غامه محصلین و طنپرس قبل هندوستان تدارک دیده شد گردید بود. تکتها ی رایگان طیاره را برای بایسکل استفاده از آنها از یک قاره به قاره دیگر پرواز کند شرکت هواپیمایی هندوستان قبلا بر او اوتیه کرده بود.

جای موندال به پاسخ سوا نمود که منظورش ازین مسأله است پرسش ف جنجال چه بوده گفت: بازدید بلاد مردم جهان مگر این پاسخ مختص آنرا او قصه های فراوانش ناشدند. بقیه در صفحه ۵۲.

ضای
صنا
توانا
بیش
وبه
انکشا
بر ق
د
امریک
الی
محر
شا
از
اعمار
جاها
میتواند
آب و ف
متعلق
آبی در
ها در
چشمه
متاسفانه
آبی بدو
واقع
از
جو
ها
منطقه
ترا
اقتصاد
های
سفر
از چند
ناممکن
موندال
گردیده
ضروریات
سازمان
هندوستان
بود.
باید
به قاره
هواپیمایی
اوتیه
جای
که منظورش
جنجال
مردم
او قصه
بقیه
شماره
ژوندون

جنبش دموکراتیک

ازین رساله است که زندگی زن را در کشور شوراها با اتکا به حقایق و اسناد وار قام ارانه می دهد درین مقاله خواننده با زندگی زنان در اتحاد شوروی آشنا می شود ، می نگرد که درین سر زمین چگونه استعداد های زنان شکفته می شود . با صمیمیت هم دوش مردان کار می کنند در سازندگی و پیشرفت جامعه شان سهم می گیرند . به او چی از افتخار ، شهرت و غرور دست می یابند . در سر زمین شوراها اکنون زن به آزادی تمام رسیده حق شرکت در همه امور زندگی را دارد . چون از قید و بند ها و اسارت اقتصادی خانوادگی رهایی یافته می تواند با آزادی کار کند . در اتحاد شوروی اکنون در همه رشته های علمی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی شرکت می جوید از همه حقوق و مزایا برخوردار است . دیگر این نگرانی را ندارد که آینده او و کودکش خواهد شد . باطمینان و آسایش خاطر در ساختمان جامعه مترقی سهم می گیرد . این مقاله جنبه معلوماتی و اطلاعاتی فراوان دارد و خواننده را در راه آشنایی با نحوه زندگی ، کار و حقوق زنان اتحاد شوروی آشنا می سازد .

درین رساله « وضع زنان در کشور های سرمایه داری نیز مورد مطالعه قرار گرفته و این بخش می تواند مقایسه های باشد باوضع زندگی زنان در کشور های غیر سرمایه داری ، در کشور های طراز سرمایه داری آن گونه که همه امتیازات و امکانات در دسترس مشتکی از بهره کشان و مالکان بزرگ متمرکز گشته و گروه کثیری از مردم در فقر ، بیکاری و گرسنگی بسر می برند . زندگی زنان نیز دستخوش گروهی از مالکان و کارخانه داران بهره کش است . در کشور های سرمایه داری زن از عادی ترین و طبیعی ترین حقوق محروم است . درین کشور ها برای زنان اندکترین امنیت و آسایش فراهم نیست . اگر برای این گروه در ادارات و کار

من هم یک ...

مارتین تیزس دوکتورای خود را در سال ۱۹۵۵ تکمیل کرد . اثر مذکور پنججاه بعد قبول شد و دوکتورای فلسفه (پی، ای، دی) خویش را از پوهنتون بوستون بدست آورد . یکی از افتخارات دیگری که دوکتور کنگ بان نایل آمد عبارت از جایزه نوبل بود او این جایزه را در سال ۱۹۶۴ بدست آورده بود . در اخیر باید خاطر نشان کرد که روزی کنگ به یکی از بهترین رستوران های شهر برای صرف غذا رفته بود . وقتی خواست برایش غذا بیاورد صاحب رستوران از سرویس نمودن غذا امتناع کرده گفت این رستوران برای سیاهان نمی باشد .

داکتر در جواب گفت بامید اینکه مساعی وجدانی ما این خالک را اصلاح کند ایستاده خواهم ماند .

مالک رستوران هم فوراً بیا ایستاده شده گفت نگو هادر ساحه سرویس رستوران غذا صرف کرده می توانند و بس .

کنگ به مالک رستوران اظهار نمود که گفتار شما به حیثیت ما لطمه وارد می کند .

درین اثنا آمر پولیس بر رستوران آمده کنگ و (۱۷) نفر مهمانان نا خواننده را گرفتار کرد کنگ بعد از دو روز حبس به ضمانت آزاد شد و توسط طیاره به پوهنتون (ایل) شتافت و از آنجا يك (شهادت نامه) افتخاری حاصل کرد .

فیل در ...

همان جمعیتی که در مرا سم لیلام شرکت کرده و سپس نیچکوی صابون پز را تا پشت در زندان مشا یعت کرده بود اکنون به دنبال ویستی پو لیس که دوسیه بی زیر بغل و طناب بی دردست داشت به راه افتاده بود .

به هر حال مساله اینکه بالاخره دوسیه به چه شکلی به اداره قو ماندانی رسید مهم نیست ، آنچه که اهمیت دارد این است که دوسیه واقعا ارسال شد ، قلب پسا یا آرام گرفت ، نیچکوی صابون پز توانست نفس را حتی بکشد و خانم سو یکا نیز راحت شد زیرا نیچکوی قتی هنوز تو قیف بود تلگراف می به وی فرستاده بود که : نجات یا فتمیم زود حرکت کن .

اینکه نیچکوی صابون پز از دست فیل عا جز شد و پایا نیز به همان بدبختی دچار گردید و اکنون نوبت به اداره قو ماندانی رسید .

گرد هم آیی

است همه نصف بدبختی به شمار می آید . و این ماجرا را چگونه به پایا ن رسانم ، طبیعی است می توانستم فیل را از يك اداره به اداره دیگر سرگردان سازم و بالاخره نیز وی را به اتاق وزیر رسانم و لی این چاره اساسی نیست و باید کار دوسیه فیل پایان آید چطور است فیل را به خوانندگان تحویل دهم تا هر چه میخواهند بآن بکنند : اما ...

زمانی که با این افکار رنج می کشیدم و شبهای متوالی خواب به چشماتم راه نمی یافت واقعه بی غیر قابل تصوری رخداد و این واقعه آرا مشس از دست رفته ام را به من بازگردانید میدانید چه اتفاقا قسی افتاد ؟ تمام اوراق با ضمائم آن در آرشیف های قو ماندانی مفقود شد . این آرشیف ها چه دوسیه های بزرگ و کوچکی را که در طی مدت موجودیت خود بلعیده اند ، بنابراین این به هیچ وجه جای تعجب نیست که فیل یعنی معمولی ترین ضمیمه هائیز با اوراق دوسیه در آرشیف ها مفقود شده باشد .

احصائیه های بودجوی نشان میدهد که سالانه دولت صرف از بابت فروش مواد نفتی و شکر چهار میلیارد افغانی ضرر را قبول دار میگردد .

که با توجه به امکانات پولی دولت رقم هنگفتی به شمار میرود و اگر ضرر دولت را بابت فروش دیگر اقلام مورد نیاز مردم به وسیله کو پرا تیف ما مو رین و کو پرا تیف های استهلاکی به این رقم علاوه کنیم متوجه می گردیم که در حال حاضر از همه امکانات برای جلوگیری از بالا روی قیمت ها ، استقرار قیمت و رفاه مردم استفاده می گردد .

لطفاً دنیا له این جدل را در شماره آینده بخوانید

بشردر آینده ..

مبدل گردد. کتله های حیه اکنون شائزده فیصد انرژی مورد نیاز جهان را تشکیل میدهد. در نواحی روستایی ممالک روبانکشاف جاییکه یک ونیم حصه نفوس جهان در آن جاها امرار حیات دارد این نوع انرژی منبع بزرگ انرژی محسوب می گردد. درین نواحی مواد مذکور تمام منبع انرژی را تشکیل میدهد که مورد نیاز و استفاده آنها قرار دارد.

این منبع انرژی از تغییر شکل دادن چوب و مواد فاضله زراعتی در اثر احتراق و تسخین به حرارت بخار و حتی برق مبدل می گردد. در اثر عمل تخمر نیشکر و حبوبات میتوان محروقات الکوولی را بوجود آورد. در نتیجه تعاملات مواد فاضله حیوانی میتوان متان و کاربن دای اوکساید «گاز حیوانی» را بدست آورد. همچنین در اثر تغییر شکل دادن چوب و مواد فاضله زراعتی مواد گاز دار و محروقات جامد را استخراج کرد و به همین ترتیب تولیدات فرعی روغن های نباتی را به حیث دیزل روغنی به کاربرد و ساختن استعمال آنها بسط و توسعه بخشید.

تولید انرژی کتله های حیه در سراسر جهان نسبت به انرژی سالیانه بیکه در جهان استعمال میشود سه مرتبه بزرگتر است. این منبع سرشار انرژی تمام ما مورد قبول و پذیرش واقع شده است زیرا در نتیجه استعمال آن محیط طبیعی پاک و هنزه می گردد و حاصل خیزی خاک را احیاء میکند. از جانب دیگر استعمال آن به پیمانهای زیاد سبب تخریبات اراضی، سیلاب، رسوب گذاری خاک، و از بین رفتن جنگلات نیز میگردد. از این لحاظ غرس مجدد جنگلات در طی یک پروگرام مطلوب بایست درین نوع جاها تشویق گردد و تبدلات انرژی کتله های حیه با بستن به شکل اصلاح شده آن انکشاف داده شود تا از یک سو استفاده و استعمال آن طور کافی صورت گیرد و از جانب دیگر به محیط حیات ضروری متوجه شده نتواند.

چوب محروقاتی و زغال :

چوب محروقاتی و زغال نوعی از انرژی کتله های حیه است که

در اثر حرارت کیمیاوی به انرژی مبدل میگردد. چوب محروقات از هر نوع اشجار استحصال شده میتواند. عامل نهایت مهم که توانایی بیشتر و قابلیت استعمال آنها موثرتر میسازد موجودیت رطوبت در آن است. از جانب دیگر زغال وقتی دستیاب شده میتواند که سایر کتله های بقایای حیه از قبیل مواد فاضله زراعتی، مواد فاضله پنبه، پوست، خسته، میوه و غیره در عدم موجودیت هوا حرارت داده شود. در نتیجه بنا بر شکستن فزینگی و کیمیاوی، محتویات آن به یک مخلوط معلق (مایع گاز و زغال) مبدل میگردد که عملیه مذکور به اصطلاح پایرولیس یاد میشود. انرژی چوب محروقات از آن

زمانی مورد استفاده و استعمال قرار دارد که انسانها به کشف آتش موفق گردیدند. امروز استعمال چوب به حیث ماده محروقاتی خیلی زیاد است. در سال ۱۹۷۷ استفاده از چوب محروقات (۴۷ فیصد) مصارف انرژی جهان را تشکیل میدهد. اکثریت مستهلکین چوب محروقاتی عبارت از ممالک

رو به انکشاف است که در حدود هشتاد فیصد حصه مصارف محروقاتی را از چوب های دست داشته شان تهیه می کنند، اما برعکس در ممالک انکشاف یافته صرف ده فیصد محروقات از چوب سوخت و جنگلات صورت میگیرد. در ممالک روبانکشاف تقریباً (نود و پنج فیصد) فامیل های روستایی چوب سوخت را به حیث منبع اولی انرژی به کار می برند که اکثراً به غرض طبخ، گرمساختن منزل و اندازه کم آن بمنظور کارهای صناعتی و زراعتی مورد استفاده قرار میگیرد.

در جاییکه چوب سوخت به استهلاك میرسد، چگونگی محیط طبیعی و شرایط حیات در آنجاها بیشتر در خور توجه است. اکنون سعی و مجاهدت بیشتر مبنی بر گردیده است که طرز استفاده و استعمال چوب سوخت را اصلاح نموده اجاقها، بخاریها، و وسایل طبخ را بهتر سازند و چوب خشک را استعمال نمایند و در پهلوهای این نوع مصارف غرس مجدد اشجار و تولید چوب را نیز تشویق کنند. استفاده از زغال نظر به چوب

سوخت منفعت بیشتر دارد، زیرا انتقال، ذخیره کردن و توزیع آن آسان تر میباشد. اکثراً باین عقیده اند که اگر زغال مستقیماً استفاده شود نظر به چوب ضایعات بیشتر دارد، اما تحت هر نوع شرایط در ممالک روبانکشاف فعلا استعمال چوب سوخت و زغال هر دو بقایای مواد حیه را وانمود میسازد که به وفرت مورد استفاده قرار میگیرد.

شیل های تیلی و ریگهای قیردار:

تحقیقات به منظور تجسس منابع متناوب انرژی در جهان بسرعت کامل ادامه دارد تا زمینه مساعده راسراغ نمایند که از منابع غیر عنعنوی و جدید بتواند تیل یا مواد سوخت مورد ضرورت را در دست تهیه بگذارند. این دو منبع انرژی عبارتست از شیل های تیلی و ریگهای قیردار که البته از هر دو منبع مذکور تیل به حیث منبع اولی انرژی میتوان استحصال کرد. هر دو منبع سرما به گذاری و مصارف زیادی را ایجاب مینماید و نیازمندی زیاد احساس میگردد که درآنها حفر معادن آن مواد زیادی از جایجا گردد تا این منابع انرژی بخوبی استخراج شده بتواند.

شماره و رکتون ..

کودکستان فعلاً مضامین چون ریاضی ابتدائی تقویت زبان و رسمای ربه شاگردان می آموزیم مجسمه سازی که باعث تقویت و انکشاف ذهن اطفال میگردد نیز جزء دروس کودکستان می باشد شاگردان برای انکشاف و تقویت جسمی خود سیورت هایی را چون جمناسستیک و غیره نیز انجام میدهند.

موصوف راجع به تفاوت شمله و رکتون با سایر کودکستان های شهر کابل چنین گفت: از آن جائیکه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بحیث سمبول خوبی در میان زنان کشور می باشد توقع می رود که این کودکستان که در جوکات سازمان دموکراتیک زنان کشور فعالیت می نماید نیز بحیث سمبول خوبی در بین کودکستان ها و سایر کانون های تربیتی و پرورشی فرزندان کشور واقع گردد. یکی از تفاوت های کودکستان شمله با دیگر کودکستان های کشور در این است که در سایر کودکستان های مینما، اطفال برای نیم روز پذیرفته میشوند ولی کودکستان شمله اطفال را در طول روز می پذیرد و مزیت این امر در این است که از یک طرف به والدین اطفال مساعدت بیشتر صورت می پذیرد و از

جانب دیگر سیستم خواب و خوراک اطفال بدستی تنظیم میگردد و در این زمینه خلایق بوجود آمده نمی تواند.

تفاوت دیگر کودکستان شمله با دیگر کودکستان هادر قسمت نوعیت غذای آن است مامی کوشیم تا برای اطفال شامل این کودکستان غذا های متوی و متنوعی بدهیم و در پہلوی غذای روزانه به شامل آن میوه های مطابق هر فصل سال را نیز بدهیم و بدین ترتیب در تقویت جسمی آنان نیز مصدر خدمتی بشویم.

وی در مورد ارتباط کودکستان شمله با ریاست کودکستان ها (از لحاظ اداری) چنین گفت: کودکستان شمله از لحاظ اداری با ریاست کودکستان ها ارتباط ندارد ولی از نگاه کار مابه همکاری ها و مشوره های سودمند کارندان آن ریاست نیاز داریم بعضی در جوکات ریاست کودکستان هاسمینار های مسلکی ای دایر میگردد که مر بیون رادر شیوه های پرورش سالم اطفال آماده تر میگرداند، انتظار می رود تا معلمان مربوط مانیز در این نوع سیمینارها اشتراک ورزیده از آن بیا موزند و از اندوخته های نیک خود در کارهای روزمره خویش کار بگیرند. محترمه توریکی مدیره کودکستان شمله در اخیر راجع به پرسونل مسلکی کودکستان و همچنان در مورد مساعدت هایی که از طرف موسسات و سازمان های اجتماعی داخلی و

خارجی تاکنون به این موسسه عام المنفعه صورت پذیرفته است چنین گفت:

پرسونل فعلی کودکستان شمله را کسانی تشکیل می دهند که در مسلک تربیت و پرورش اطفال و کار در کودکستان های کشور تجارب چندین ساله ای دارند. بعد از تاسیس کودکستان شمله در برج میزان سال جاری بر اثر صوابدید مقامات مسؤل مسن بنا نه نفر از معلمات با تجربه مربوط ریاست کودکستان ها در این موسسه بکار آغاز نمودیم که همه وظایف خویش را بانهایت ذوق و علاقه تاکنون دنبال نمائیم و توقع می رود از این طریق بتوانیم کار های مولری ربه نفع هموطنان خود بخصوص اولاد کشور که مردان و زنان فردای مینما میباشند انجام دهیم.

و اما در مورد مساعدت های مالی ای که تاکنون به این موسسه صورت پذیرفته است باید گفت که قوای مسلح کشور سه تعداد ده پایه ماسین مرکز گرمی، وزارت تجارت تعداد بیست و یک تخته قالین به سائز های مختلف غرض فرش نمودن اتاق ها، وزارت ترانسپورت یک عراده موتر برای حمل و نقل، بانک ملی مبلغ یکصد هزار افغانی و وزارت مالیه جمهوری دموکراتیک افغانستان مبلغ بیست هزار افغانی برای مساعدت نموده اند. همچنان سازمان دموکراتیک زنان افغانستان یک کارتن سامان و آلات بازی اطفال ربه کودکستان شمله مساعدت نموده است.

تجلیل از دو صد و بیست ...

شهر ((لایسینک)) و بر لین که از زمره اوپرا های کو میک محسوب میگردد ، بانیکو پی یاد کرد .

ریفر نس آثار موزارت که بزبان آلمانی تهیه شده ، در اتاق کوچک تیاتر موزیک مسکو ، برای هر علاقمند موزارت زیاد با ارزش به حساب می آید . در ارکستر ((صلیب)) در سدن و در میان هیئت دو ستداران موسیقی در سدن ، در ارکستر سنفونی کار - گران شهر کارل مارکس خبرگی و استاد ی هنر موزارت به خوبی تجلی یافته است .

به افتخار ۲۲۵ مین سالروز تولد موزارت در اتاق ((ارکستر پراگ)) در چکو سلواکیا مدعوئین خارجی که اکثریت آنانرا سوئسی ها تشکیل میداد و در فستیوال موسوم به ((پرش های بلند)) از آثار موزارت کار گرفته شده بود تما می این جشنواره های موسیقی به خاطر ارگزار ی به هنر موزارت مرد نامور موسیقی ، با خوشی از طرف علاقمندان موسیقی مواجه گردید .

((موزارت)) خدمت بزرگی به جهان موسیقی برای بشریت نمود . در واقع اغلب از تخلیقات و آفرینش هنری امروز در آلمان دمو - کراتیک بهیچوجه نمیتواند بی رابطه با هنر موزارت باشد . به افتخار سالروز تولد موزارت بابت به وسیله گروه ((گوتتر فیشر)) از آلمان دمو کراتیک و نمایش مسال بقات اپرای اطفال که در ۱۹۸۰ بنام ((جوبان خوکها)) تهیه گردیده و جایزه ای نیز دریافت داشته بود ، نیز یکبار دیگر به معرض نمایش در آمد .

حقایق چند در ...

چرا ملل متحد به تدویر کنفرانس های جهانی متعدد می پردازد ؟
ملل متحد از جهت دست به تدویر کنفرانس های جهانی دست میزند که به پرابلم های عمده جلب توجه نموده و راه توافق عام را در مورد اهداف و عمل باز سازد .
در دهه ۱۹۷۰ مردم آبی های جهانی غرض رسیدگی به موضوعات محیط زیست ، نفوس ، مواد غذایی ، حقوق زنان ، تجارت و انکشاف و استخدام ، اسکان ، آب ، آبرسانی ، همکاری در بین کشور های روبه انکشاف سیاسی و تکنالوژی و قانون ابحار دایر گردید .
همکاری اقتصادی و خلق سلاح در اجلاس های خاص ملل متحد در ظرف سه سال آینده عنوان خواهد گردید و درین زمان کنفرانس های جهانی در مورد منابع نوقابل تجدیدنیرو صنایع ، زنان و مشکلات بزرگسالان هم دایر خواهد شد .
کنفرانس های جهانی به کشور ها موقع

میرسد پروبلم هایی را مطالعه و بررسی کنند که در غیر آن خارج حیطه توجه آنها شان میماند در بسا از موارد این کنفرانس ها همکاری وسیع ترین المللی را سبب میشوند . مشکلات محیط زیست در این زمینه مثال خوبی است . قبل از کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست مسله بعد جهانی نداشت ، چنین پنداشتند می شد که مسایل مربوط به محیط صرف در کشور های صنعتی قابل توجه اند ولی با مطالعه مشکلات مربوط واضح شد که در کشور های روبه انکشاف نیز عواملی هست که به محیط صدمه وارد می کند ، کشور های اخیر الذکر از تشکیل پروگرام محیطی ملل متحد که اکنون در انسجام فعالیت های مربوط نقش ارزنده ای را ایفا می کند پشتیبانی نمودند . ایجاد اساس و بنیاد برای فعالیت بسوی ملی و بین المللی یکی از اثرات مهم کنفرانس های جهانی است . این امر در نتیجه کنفرانس جهانی نفوس منعقد شده سال ۱۹۷۴ بوضاحت آشکار گردید . با تاکید روی ارتباط پالیسی های نفوس و انکشاف کنفرانس کشور ها را تشویق نمود تا فعالیت مربوط به نفوس را در پلان های عمومی انکشافی شان مدغم نمایند اکنون به کمک صندوق ملل متحد برای فعالیت های نفوس (۱۲۲) کشور پروگرام های وسیع فعالیت های نفوس را براه انداخته اند .
علاوه بر این ها طی سه دهه اخیر کنفرانس های زیادی دایر گردیده که در آن معاهدات و اسناد حقوقی تدوین شده و این ها فعلا اساس مناسبات دیپلماتیک و تجارت بین المللی را تشکیل می دهند .
بطور خلاصه ملل متحد به تصمیم مشترک کشور های عضو کنفرانس های دایر می نماید زیرا یک سلسله پرابلم های حاد وجود دارند که ایجاب می نماید جامعه جهانی بر آن غور نموده و در مورد عمل کند ، ولی کنفرانس ها بذات خود علاج همه درد ها نبوده و جای کاری را که باید کشور ها متفر دا یا بصورت دسته جمعی انجام دهند ، گرفته نمی تواند .

بایسکل وسیله ...

وهیجانی و آنچه را که او اصلا توقع آنها را نداشت با خود داشته طوریکه او گفت : ((در رواندا شخصی را زیر درختی در امتداد جاده که من آنرا عبور میکردم دیدم . زمانیکه به شخص مذکور نزدیکتر شدم برایم شخص عجیب معلوم شد .

او که یک شخص قوی هیکل و بسیار تنومند بود لباسی بر تن داشت که اصلا تا آنروز ندیده بودم . من فقط زمانی دانستم که او یک گوریلا است که در فاصله کمتر از ده متری او رسیده بودم . و تصمیم داشتم تا سینه درنده اش را بنماس من بیاورد و همان بود که غرض کنان بسوی من شتابت من سخت ترسیده بودم با چنان سرعتی بایسکل راندم که در عمر خود نرانده بودم .))

باید گفت که جای موندل به طور وسطی صد تا یکصد و سی کیلومتر در روز بایسکل میراند . وضع بهتر جسمی و صحتی و

نمرینات منظم فزیزی او را در تحمل مشقات سفر کمک کرده است او تا حال تقریبا هرگز احساس مریضی نکرده . فقط یک مرتبه در کوه های یخبندان نیپال ریزش کرده بود .
جای موندل در تابستان سال گذشته وارد مسکو گردیده و در بازیهای المپیا ی ۱۹۸۰ مسکو اشتراک ورزیده و بازیهای دیدنی آنرا که در فضای کاملاً دو سته صورت گرفت تماشا کرد او از مسکو توسط کشتی عازم سکندریه نوبیا شد بعدا طبق برنامه اش بعد از عبور از کشورهای اروپای شرقی عازم کشورهای اروپای غربی گردید که هم اکنون هم در یکی از کشورهای اروپای غربی میباشند او که طبق برنامه سفرش را در سال ۱۹۸۴ به پایان میرساند آرزو دارد تا در سال ۱۹۸۴ به کشورش باز گردد

زندگی زن ...

جمله نمایندگان شورای عالی شوروی چهار صد و هشتاد تن آن زنان اند.

آن به طور فعال در کار و نهایی تدوین قوانین، طرح های اقتصاد ملی و بودجه و در حل مهم ترین مسائلی داخلی و خارجی شوروی می ورزند.

مورد رسی و حقوقی نیز با آن قابل ملاحظه است.

۳۲ یا ۳۱۵۹ داد رسی در شوروی زن است.

سازمان های اجتماعی در دولت شوروی روبه افزاینده است.

دختران جوان در آن کمسو مول فعالانه

می ورزند. پنجاه و دو عضای صغوف سازمان جوانان اتحاد شوروی را

تشکیل میدهند.

در کار اتحادیه های صنفی طور فعال شرکت می کنند.

۱۰ فیصد اعضای اتحادیه سلکی و صنفی را زنان می

نقش فرهنگی و نقش آن در حل مسأله زن

از اجزای متشکله پلان

ان سوسیالیزم را انجام فرهنگی تشکیل میدهد.

تدوین این پلان توجه به حل مسأله زن مبذول

و معتقد است که به انجام پلان حل عادلانه مسأله زن

برای بری واقعی او شرط عمده

باید باشد. توده های هر چه

زنان باید به شرکت نام دگر گونیهای سیاسی

و اجتماعی جامعه گردند.

از پیروزی انقلاب اکتوبر

سه بر چهار حصه نفوس

بودند.

سال ۱۹۰۸ مجله پرورش

ی بنشر رسائیده و ضمن این نتیجه رسیده بود که جهت

حل کرد و در سال ۱۹۲۹ بیسوادی کاملاً محو شده بود.

همین اکنون پنجاه و شش فیصد زنان در مکاتب مسلکی مصروف

تجصیل اند. از جمله محصلان آموزشگاه های عالی پنجاه و یک

فیصد آنها زنان تشکیل میدهند.

تعداد زنان روشنفکر رو به افزایش است و این امر بیانگر

شگوفانی فرهنگ شوروی می باشد.

هفتاد فیصد آموزگاران و معلمین و شصت و نه فیصد دوکتوران زنان

اند. در سال های اخیر تعداد زنانی که در بخش های مختلف علمی

مصروف کار اند سه مرتبه افزایش یافته چهل فیصد کارمندان علمی

را در اتحاد شوروی زنان تشکیل میدهند.

زنان در فعالیت های اتحادیه های مبتکر نو پسندگان

خبر نگاران آهنگ سازان، هنر-مندان، معماران و غیره و سیعاً

سهم می گیرند. نظم سوسیالیستی همه شرایطی را که به زن اجازه سهم

میدهد تا نقش اجتماعی خود را با وجود انجام مادی پیروز مندان

تألیق نمایند. تا مین نموده است.

تسهیلات فراوان اجتماعی زن را همه جانبه یاری می رساند.

زن شوروی در خانواده نیز عضو تام الحقوق محسوب می گردد.

زن جامعه شوروی از حق مساوی انتخاب همسر، اشتغال، سکونت

انتخاب، تخلص بر خور داراست.

جلب فعال توده های وسیع زنان به کار و زندگی اجتماعی،

مرزهای کهنه تقسیم کار بین زن و مرد را از میان برداشت.

قبلاً تنها مردان آور و تا مین

گر مادی در قامیل بود. زن تنها محافظه خانه مسئول امور مطبخ و

بچه داری بشمار میرفت. ولی امروز زن مشغول کار تولیدی

بوده در فعالیت های اجتماعی وسیعاً نقش دارد.

او در همه عرصه های کار و بیکار با طبیعت از زمین تا فضا و

اعماق معادن همگام و همپای مرد دست و پنجه نرم نموده و طبیعت را

برای اطفال از قبیل کودکانها شیر خوار گاهها، اردو گاهها، مراکز اجتماعی اطفال به زن شوروی این امکان را میسر ساخته است که عضو فعال جامعه و مادر مهر بان و باتوجه باشد.

گراف توسعه شبکه های جدید خدمات به اطفال حرکت صعودی دارد.

به طور مثال در سال ۱۹۷۸ در یکصد و بیست و دو هزار کودک -

کستان سیزده میلیون و یکصد و هفتاد و هفت هزار طفل پرورش شده اند.

همچنان تعداد زیاد موسسات ویژه ای اطفال وجود دارند.

در سال ۱۹۷۸ تقریباً از پنج میلیون طفل در بین موسسات

مواظبت به عمل آمده است. در نگهداری اطفال موسسات و مراجع

خارج از مکتب نقش با اهمیتی را ایفا می کنند.

به طور مثال کاههای پیش آهنگان، مراکز تخنیک کودکان

ستا دیوم ها کتابخانه های اطفال بنگاههای توریستی و گروه های روزهای تمدید شده و غیره.

در خطوط اساسی انکشاف اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی

که در کنگره (بیست و شش) حزب کمونسنت اتحاد شوروی تصویب

یکی از مسایل محوری این پلان را بهبود بخشیدن شرایط کار و

بقیه صفحه ۲۷

درد و دبه تو ...

برای ایمان والاتر به این حماسه پرشور با هم زمان رادر می نوردیم

ورعسپاری یاد ها و خاطره های از دوران های دیگر میشویم

دوران های دیگر میشویم دورانی های که ما را به عمق فاجعه می

کشاند و دوران تراژدی ای که اشک و آه در بیشمار سال های

آن تنها از مغز رنجبران و زحمت کشان آن است و باشدت بیشتری

شانه زن رامی خماند.

آری ای زن

چه اندوهناک است سر نوشت تو در طی این اعصار و قرون و چه

تلخ است افسانه تودر تراکم سال ها و ماه های که بر تو گذشته است.

نمیتوانیم این واقعیت را نادیده انگاریم که جامعه انسانی ما در طی

سده ها و هزاره های فراوان جز دو گروه نبوده است گروهی اندک

که گرگ منش بوده اند و خون خورنده و گروهی فراوان که همه

حاصل کار و تلاش شان به چورو چپاول میرفته است و در این میان

زندگی زنان زحمتکش تشکیل می دهد.

در ماه مارچ ۱۹۸۱ بلافاصله بعد از ختم کار کنگره مصوبه

شورای وزیران اتحاد شوروی پاس شد که به تاسی از آن زنان

از هر خصی یک ساله بعد از وضع حمل با حفظ دستمزد و ترفیع

استفاده کرده می توانند. همچنان با بدنیا آمدن طفل مقدار پنجاه

روبل از جانب دولت به قائل میل کودک مدد میرسد.

همه این واقعیت ها و فاکت ها، مظهر زنده مواظبت خستگی ناپذیر

حزب و دولت شوروی از زنان به مشابه انسان زحمتکش و مادی درمی

باشد.

شرکت زنان شوروی در جنبش دموکراتیک بین المللی:

زنان شوروی در فعالیت فدرا-سیون دموکراتیک بین المللی زنان

به طور فعالانه اشتراک می ورزد. کمیته زنان شوروی با (۲۵۰)

سازمان ملی زنان (۱۱۳) کشور مختلف با سازمان های منطقوی و

بین المللی روابط دوستانه دارد.

با تبادل هیئات های نمایندگی اطلاعات و تجربه کار این روابط

تحکیم متداوم می یابد و همچنان در تبلیغ سیاست حزب و دولت شوروی به جهان نقش ارزنده را

ایفاء می کند.

زن از یکسو در زیر فشارها یسی

سالار منشی جامعه و از سوی دیگر زیر سلطه جویی های پدر سالاری

و مرد سالاری بیشتر از هر قشر دیگر رنج برده است در این سده

های بیماری و گرسنگی - فقر و بی دانشی و کار برای دیگران به عنوان

یک سر نوشت محکوم به پیشانی مردم ما مهر خورده بوده است و

چه افسوس که زن این نیمه پیکر جامعه که در خانه، کودک گرسنه

اش را با سینه های خشکیده از شیر خود تغذیه کرده و در پیرون دوش

به دوش پدر و شوهر بیل به دست گرفته زمین را شخم زده و درو کرده

است. نه تنها بار مصایب پیشکش خان واریاب به شانه های شس

سنگینی داشت بلکه جامعه نیز هیچ قدر و ارزش بر او قایل نبود زیرا

شرایط، شرایط پدر سالار بوده و شوهر سالار بوده و او این موجود

زندگی ساز این توانای ناتوان اسپر بوده و محبوس و حتی در

تعیین سر نوشت خود کمتر بین نشانی از آراده نداشته است.

ادامه دارد

خاطر ه سوم عقرب را...

حادثه سوم عقرب در زمانی وقوع بیوست که رژیم اختناق سلطنتی ظاهر شاه در کشور سایه شومش را گسترانیده بود و دو سال قبل از آن قانون اساسی و شاهی مشروطه در از مبارزات بیگرویی امان و محصول قربانیهای فراوان اسلاف قهرمان ما رویکار آمده بود به موجب قانون اساسی جدید حکومت وقت یکسلسله آزادی های نهم بند را به مردم قایل گردیده بود: آزادی بیان، گفتار، عقیده، مطبوعات، آزادی میتنگ ها، مظاهرات و اجتماعات...

تاریخ سوم عقرب ۱۳۴۴ روشنفکران جوان کشور اعم از متعلمین محصلین، کارگران و پیشه‌وران و اهالی شریف شهر کابل خواستند تا با استفاده از ارزش های دموکراتیک قانون اساسی وقت، به خاطر مشاهده جریان علنی رای اعتماد به مقر ولسی جرگه وقت بروند تا ببینند که از حرف تا عمل چقدر فاصله بی وجود دارد آیا حکومت وقت آنچه را که در قانون اساسی به مردم وعده داده است در عمل پیاده می کند یا خیر و بدین ترتیب آیا نمایندگانی که در خانه مردم جمع گردیده و به حکومت رای اعتماد میدهند واقعا از توده های میلیونی مردم زحمتکش مانمایدگی کرده می توانند؟

از آنجا بیکه حکومت ها و دولت های غیر مردمی هیچگاهی نمی خواهند به نفع ملت گامی بردارند و همیشه حافظ منافع طبقات حاکم و استعمارگر جامعه اند بنا بر عملی را که انجام میدهند منافع خود آنها در آن مضمهر است مگر ظاهرا خود را خدمتگذار مردم جلوه داده و توده ها را می فریبند دادن حقوق و آزادی های دموکراتیک به مردم افغانستان فقط و فقط بروی کاغذ بود و ارتجاع سلطنتی وابسته به فیودالیزم و امپریالیزم از عملی نمودن آن هراس داشت از جانب دیگر مشاهده جریان علنی رای اعتماد جعلیات و فریبکاری دستگاه سلطنت را در جهت تعیین سرنوشت مردم افغانستان افتشاء می کرد زیرا اکثر نمایندگان کانی که در خانه مردم (ولسی جرگه) جمع گردیده و در مورد سرنوشت توده های ملیونی زحمتکشان ما تصمیم می گرفتند به طبقات بالایی و حاکم تعلق داشته و نوکران گوش بفرمان رژیم استبدادی سلطنت بودند و بنا بر آن دولت وقت ازین بابت سخت در هراس بود و تصمیم گرفت تا جریان رای اعتماد را علنی نسازد بنا بر آن از پیشروی فوج روشنفکران بسوی ولسی جرگه جلوگیری کرد از آنجایی که جنبش جوانان روشنفکر و مترقی درین مظاهرات توفنده توسط اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان این مردان پیش...

هنگ طبقة کارتر... به زحمتکشان کشور که تازه یکسال قبل از آن تاسیس گردیده بود منظما رهبری می شد جوانان وطنپرست و روشنفکر با شهادت ما مصمم بودند تا در جهت بدست آوردن آزادی و دموکراسی و طرد استبداد سلطنتی تا آخرین رمق بزمند این سر سیردگی و مقاومت جوانان ما کاخ استبداد را بلرزند آورد که با دستیا چکی و سرگمچی تمام تصمیم گرفت تا این خواست کامیلا قانونی و اصولی مردم و این مظاهرات مسالمت آمیز جوانان مترقی کشور را با سر نیزه جواب دهد قوای ژاندارم رژیم استبدادی ظاهر شاه در مقابل جوانان غیور کشور شاه گردان و محصلین و همه روشنفکران ما که جز کتاب و قلم و علم و دانش سلاحی نداشتند صف بستند و ناچوا نمردانه بسوی آنها آتش گشودند که در نتیجه خون صد ها جوان - آزادی خواه ما بروی سرک های اسفالت شده ریخت و در راه آرمان های مقدس خویش که جز خدمت به مردم و میهن شان چیزی دیگری نمی توانست باشد شهیدان گلگون گفن گردیدند و ترازیدی سوم عقرب بوجود آمد...

جنبش سوم عقرب سرافراغ نضج و او جگیری، تشکل و تحریک جوانان ما بوده سیم شایسته جوانان در مبارزات بی امان و انقلابی در آوانی که رژیم های اختناق و ترور در کشور بیداد می کرد و در اثر آن فقر و خواری، ظلم و بیعدالتی در دو مرض دامنگیر مردم عذاب دیده ما بود بی نهایت پر جسته است.

خاطره شهیدای سوم عقرب و قهرمانی جوانان و وطنپرستانی که در راه آرمان های پاک و مقدس شان بخاطر نجات مردم از زنجیر اسارت و بردگی و طرد و معوج کاخ استبداد رژیم های وابسته به فیودالیزم و ارتجاع تابای جان رزمیدند تا بناک و فراموش ناشدنی است و بیاتگر این حقیقت است که مردم ما توانست در استبداد ربه لرنزه در آورد و به او بفهماند که دیگر نمی تواند به شیوه قرون وسطایی حکمروایی کند.

جنبش سوم عقرب به تجارب انقلابی در جامعه ما افزوده باعث بیداری مردم ما گردید و آموخت که بدون مبارزه بی امان علیه ارتجاع و امپریالیزم، بیروزی ممکن نیست.

خاطره شهیدای سوم عقرب نه تنها فراموش نگردید بلکه در اذهان و قلوب جوانان مبارز و بیگار جوی ماجاودانه ماند از هر قطره خون آنان صد ها و هزار ها فرزند مبارز و انقلابی بوجود آمد و راهرو راه مقدس شان گردید.

یاد شهیدای سوم عقرب نه تنها در خاطره ها زنده جاوید ماند بلکه ندای انقلابی آنان که با این اهنگ برشور از قبر آنها برخاست

و در گوش جان همه جوانان وطنپرست کشور طنین گردید.

گور خونین شهیدان بتو آوا دهد
آتشی را که فروزان شده خاموش مکن
ما به امید وفی تو گلشنیم ز جهان
دوستان را میر از یاد و فراموش مکن
آری، خاطره سوم عقرب قبل از انقلاب
نور همه ساله از طرف ح.د.خ. افغانستان
در تحت شرایط استبداد و اختناق حکومت
وقت چنان باشکوه تجلیل میگردد که قلب
ارتجاع را بلرزده می آورد.

جنبش سوم عقرب برای جوانان بیگار جوی
ماچنان الهام بخش بود که باعث تشکل و
همبستگی هر چه بیشتر آنان گردیده و
همچون سیل توفنده بر دژ ارتجاع و استبداد
پورش میبردند و روز تا روز پایه های آنرا
لرزان نموده و بطرف زوال و نابودی حتمی
سوق میدادند.

انقلاب شکوهمند نور که در نتیجه مبارزات

بقیه صفحه ۲۵

اطفال و...

برای جلوگیری از این خطر ها بسیار سود مند خواهد بود که مقررات ترفیکی به اطفال در ست تفهیم شود و عملی به آنها یاد آور شود که چطور میتوان نیم از خطر جانی در امان باشیم - مثلا برای اطفال عملی یاد داده شود که از نقاطی که خط کشی نشده باشند نباید عبور کرد.

و دیگر رنگ چراغهای ترفیکی که عبارت از سه رنگ است یعنی سرخ - سبز و زرد به اطفال آموزانده شود.

چراغ سرخ برای توقف است چراغ زرد برای احتیاط و آمادگی و چراغ سبز - اجازه است برای عبور، البته در صورتیکه علامه پیاده رو را نشان بدهد و اگر بدون علامه پیاده رو باشد برای راننده هاست.

((چیز مهمی که مراعات آن برای بزرگان و اطفال لازم است: اینکه حتی الامکان از پیاده رو ها استفاده شود و دیگر اینکه والدین متوجه این نکته باشند که اطفال شان در راه مکاتب فریب کسی را نخورند به موقع از خانه خارج شده و دو باره به وقت معین بخانه بازگردند که اکثر اطفال که گمراه میشوند به افسردگی و عدم اطلاع والدین در راه مکتب و

طولانی اصولی و منطقی خلقهای زده...
تحت رهبری ح.د.خ. افغانستان به...
رسید و به تسلط نیم قرنه رژیم ارتش...
سلطنت خانه داد در حقیقت آرمان...
ویاک شهیدای سوم عقرب که در راه...
به آن جان های شیرین خود را قربان...
تحقق یافت و یکبار دیگر روح پاک...
شد گردانید.

خاطره سوم عقرب بعد از انقلاب...
نور بخصوص مرحله نوین و تکاملی...
ساله طی مراسم و محافل خاص و...
نسبت بگذشته تجلیل گردیده و یاد...
این روز تاریخی گرامی داشته می شود...
روز سوم عقرب یا روز همبستگی...
کشور در سر تاسر افغانستان تجلیل...
و یاد قربانیان این روز سترگ گرامی...
شد.

جاوید باد خاطره سوم عقرب
درد پر شور بر روان پاک شهیدان

خانه است که فریب میخورند...
حقیقت این خانواده ها که وظیفه...
بردن و آوردن اطفال خود را...
ندارند و لی وظیفه شان از نگاه...
مراقبت فرزندان سنگین تر...
چه اگر اطفال را به حال خود...
واگذار شوند که هر وقت...
خواست بروند و هر وقت خود...
برگردند دچار اشتباه بزرگی...
اند که در حقیقت سلامت جان...
اطفال خود را به خطر انداخته...

و آن عده اطفال را که پدر...
مادران شان به مکتب میرسانند...
حوادثی آنها را در راه تهدید...
اما این پدران و مادران یک...
باید در نظر داشته باشند و آن...
معین بردن و آوردن اطفال...
مادران و یا پدران که خود...
دارند و برای آنکه بتوانند...
به سرو کار خود حاضر باشند...
اطفال را صبح وقت از خواب...
میکنند و به مکتب میرسانند...
تقریبا یک ساعت زود تر از...
شروع دروس به مکتب میرسانند...
در نتیجه انتظار طولانی پرا...
به صنف خسته و کسل شده...
توانند که از دروس معلمین...
خوب میبرند. و یا در موقع باز...
چون پدران گرفتارند و دی...



گذشتا نزن کودکان از جاده‌های مزدحم وظیفه والدین است

برسد و خطری آنها را تهدید نماید باید این فکر را در مورد فرزندانش دیگر نیز داشته باشیم .
 باید بدانیم که هر يك از این کودکان مایه پیوند خانوادگی دیگر هستند و گمان این خانواده از حرارت وجود آنها نیرو میگیرند و گمان این خانواده هارا گرم نگاه میکنند .
 هر خنده و گریه ای ، سخنی ، پرسش از سوی اطفال که سایر اعضای خانواده را به تلاش و امیدوار میدارد وایشان را برای آینده آماده میکند . نگذاریم که در اثر لحظه‌ای غفلت این شمع های فروزان به خاموشی روند ، چرا باید به خود اجازه بدیم که بدون احساس مسوولیت اشتراک موتور را در دست بگیریم و یکباره حادثه را خلق نکنیم که گرمی خانواده را به سردی مبدل سازد ؟
 این جمله را هر باره تکرار می کنیم که رانندگی هر شخصی معرفی شخصیت اوست .
 این همه و همه نقاط ضعفی است که متاسفانه برخی از مشکلات را خلق میکند ، هنگامی که پیاده هستیم اجرای مقررات را از سوارها میخوانیم و وقتیکه سوار هستیم برعکس آن .

ترافیک بین محل کار و مکتب اطفال مجبور هستند که بعد از رخصتی زود هنگام در مکتب انتظار آمدن پدر را بکشند ، این طول مدت یعنی زودتر بر رفتن صبح ها و دیر آمدن عصر ها اطفال را از نظر روانی خسته و در راه بر سوخته می سازد این اطفال روانی که به خانه میرسد فکشان با خواب کار نمیکند و عصبی میشوند و به گفته های معلم که برایش وظیفه ای است از آن استفاده شود .
 البته به نظر ما یگانه راه چاره است که مکتب که به محل سکونت شود نزدیک است برای تحصیل و فراگیری اطفال از آن استفاده شود .
 تجلیل باید گفت که توجه و رعایت است مگر مقررات ترافیکی از طرف اطفال هیچگاه نمیتواند انجام دهد ، آنها را از خطر های گوناگون در امان نگه میدارد بلکه همکاری کلیه رانندگان امری است با ناپذیر است تا اطفال آینده کشور که سازندگان فردای این کشور استند در سنین طفلی و جوانی در اثر تصادف یا وسایل نقلیه چون گلی ، پژمرده نکردند .
 چه بهتر اینکه بگوییم : زندگی بر ندان ، بگذار تا دیگران هم زندگی وظیفه کنند .
 همانطور یکه هر يك از ما نمی از خواهیم به فرزندان ما گزندی

عزیز یوسفی

نامه‌ی از سنگر

اندرون زورق زیبای امید
 راه می‌یابیم .
 راه دوریکه من و همسفران
 بهر خوشبختی مردم رفتیم .
 گرچه راهیست دراز
 ولی ما خوشبختیم ،
 که دگر خرو خسی در ره ما
 به سر آب نخواهد راصید .

• • •
 من درین جا ،
 همه شب خواب ترا می‌بینم
 خواب زیبای چشم‌ن ترا
 خواب دستانیکه بر سینه من می‌ماندی
 خواب آن لحظه خوب ،
 که به من قول وفا میدادی
 خواب آهنگی که بر گوش دلم می‌خواندی .

• • •
 ولی من ، همسر من ؛
 اندرون سنگر بر خاطره ها

چشم بر راه من
 دل من غصه تو میداند .
 من زمانیکه بهاران آید
 پیش تو می‌آیم
 و زمانیکه دگر آب شود برف سپید
 با بهاران امید .
 پیش تو می‌آیم
 • • •
 و زمانیکه مرا می‌بینی
 تر از آب بغند .
 به میر تو اگر خنده کنی ،
 پرا شاخ بر فیض بهار می‌شکند .
 شده تو اگر خنده کنی
 بین اسلیم از شوق و امید
 قهقاز آتش شور و صفا می‌میرد .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
 معاون : محمد زمان نیکرایی
 آمر چاپ علی محمد عثمان زاده
 آدرس : انصاوی واپ جوار ریاست
 مطابع دولتی - کابل
 تلیفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
 تلیفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
 سوچپورد مطابع دولتی ۲۶۸۵۱
 تلیفون ارتباطی ژوندون ۲۱

مطبعه دولتی



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**